



782

ایرج هاشمی زاده :

حزب توده ایران به روایت حزب توده ایران



حزب توده ایران به روایت حزب توده ایران

(در مسیر انقلاب / پای به پای روزنامه "نامه مردم" ، ارگان حزب توده ایران)

گردآورده و ناشر : ایرج هاشمی زاده

قیمت : 7 یورو (بابت مخارج فتوکپی و صحافی)

شمارگان : 100 نسخه

فهرست

چندکلمه حرف حساب

بخش اول: اندرباب دموکراسی و برخورد با ساینیروها!

بخش دوم: اندرباب امپریالیسم جهانخوار آمریکا!

بخش سوم: اندرباب ساواک واردوگاه های کاراجباری!

بخش چهارم: اندرباب پند و راهنمایی و راه گشائی! 27

بخش پنجم : اندرباب واقع نگری، از جمله سینما رکس

بخش ششم : اندرباب حقیقت و انسانیت !

بخش هفتم : اندرباب هنرکرنش!

بخش هشتم : اندرباب خبرچینی !

بخش نهم : اندرباب ادبیات توده ای !

بخش دهم: اندرباب شوخی باتاریخ !

بخش یازدهم : اندرباب پایان خواب و خیال « پدرکیا»

بخش دوازدهم: آخر خط !

چند کلمه حرف حساب !

گفتند که حرف تو حساب است

افسوس که ضد انقلاب است

هادی خرسندی

در جوامع دموکراتیک اگر سیاستمداری - در قدرت و دراپوزیسیون - خلاف عرف اجتماع سخنی بگوید، یا در زندگی خصوصی دست به عملی خلاف اخلاق حاکم بر جامعه بزند، با طوفانی از اعتراض احزاب، مطبوعات و یاران خود روبرومی شود و بیش از یک هفته ای طول نمی کشد که خواسته و ناخواسته به خطایش پی میبرد، اعتراف می کند، عذرمی خواهد، خداحافظی می کند و برای همیشه صحنه سیاست را ترک می کند .

این بازی دموکراسی است . و این بازی چقدر زیبا و سالم برای رشد دموکراسی است !

درجوامع استبدادی، سیاستمداران و رهبران اپوزیسیون هیچگاه اشتباه نمی کنند، در فرهنگ این جوامع – باعرض معذرت – اشتباه کارخراست !!

کارنامه سیاستمداران نشسته برصندلی قدرت روشن است. از قلدری مستبد که نمیتوان انتظار عذرخواهی واستعفا داشت! مشکل این جوامع نیروهای «اپوزیسیون» اند.

درانقلاب 1357 شمسی همه سازمان های سیاسی از فدائیان خلق – اکثریت و اقلیت – مائوئیست ها، کنفدراسیون چپ ها گرفته تا حزب توده ایران، جبهه ملی، سوسیالیست ها، مجاهدین خلق، نهضت آزادی و همه بدون چون و چرا، بدون یک کلمه کم یا زیاد، گردن به رهبری «امام خمینی» نهادند، همه فریاد «مرگ بر شاه»، «بختیار نوکری اختیار» سردادند و رژیم «سفاک و حیره خوار امپریالیسم» و شاه «سگ زنجیری امپریالیسم امریکا» را درزباله دان تاریخ انداختند.

«دیو» را بردند و «فرشته» را آوردند.

و مردم، زن و مرد، دانشجو و کارمند دولت، تاریک فکرو شبیه روشنفکر، مذهبی و لامذهبی سرازیر خیابان ها شدند، دختران و زنان مینی پوش بدوبو، چارقند بستر توی صف متینگ ملاها جاز باز کردند، توده ای ها به مسجد رفتند، جبهه ای ها تسبیح بدست گرفتند، سوسیالیست ها یواشکی عکس خلیل ملکی را از طاقچه اطاق در صندوقچه خانه قایم کردند. 20/30 نماینده مجلس شورای ملی و سنا که از غربال ساواک برصندلی های مجلس و سنا خزیده بودند؛ چون عروسک های کوکی پشت تریبون مجلس و سنا از ظلم و ستم شاهی داد سخن سردادند.

«شهرستانی» شهردار تهران از مقامش استعفا داد و حاضر نشد بیش از این ظلم و ستم شاهی را تحمل کند.

کارمندان دولت، روزنامه نگاران، رادیو و تلویزیون تمرین اعتصاب کردند، طبقه مرفه و غرق در ناز و نعمت همگی بدون استثنا، یکی پس از دیگری به نیس و لندن فرار کردند و در ویلاهای زیبا و پر شکوه خود در انتظار نشستند تا پس از کودتای «ارتش غیور» به وطن بازگردند و دوباره آفانی کنند.

همافران و نظامیان جوان بایکی دوستاره فسیل برپاگون، از دانشکده افسری راهی حوزه قم شدند.

بوی خون و کفن، بوی تزویر و تکیه، بوی نعلین و تسبیح در هوای تهران، اصفهان و شیراز و پخش بود.

رفیقم (?) توده ای؛ بساز و بفروش و حمال چهل و نادانی، چون سایر رفقاییش به پیروی از «رفیق کیا» بی صبرانه انتظار «گاندی ایران» را از پاریس می کشید.

«گاندی» که بر کرسی قدرت نشست و خوش رقصی های «پدر کیا» تعطیل شد، سه سالی را در زندان «گاندی» آب خنک نوشید!

هشدار بختیار از دیکتاتوری نعلین درامواج طوفانی که سرتاسر ایران را فرا گرفته بود، نه تنها انعکاسی نیافت، حسین مکی در مقاله ای در «آبندگان» او را بر طبق «اسناد موجود، جاسوس انگلیس» خواند، چپی ها دشنامش دادند، جبهه ملی از خانه بیرونش کرد، دست راستی ها متهمش کردند که نقش بازی می کند و باعث خروج شاه از کشور شده و درخفا با روحانیون مشغول لاس زدن است

(تنها یک زن – وه چه زن شجاعی! – مهشید امیرشاهی در آن جو ترور فریاد سرداد «چرا کسی به کمک بختیار نمی آید؟»).

با شروع امامت امام خمینی و پیاده شدن «اسلام» نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر «و آغاز اعدام ها و تعطیل روزنامه ها و پرشدن زندان ها، کم کم واقعیت ها جانشین هیستری، شعارهای توخالی، ارزیابی های غلط و خانمانسوز شد.

اما چه سود؟

2/3 میلیون ایرانی با قبول خطر و هزینه سنگین کشور را ترک کردند، گروهی از «رهبران!» احزاب سیاسی از زیر تیغ شمشیر لاجوردی و خلخالی نجات یافتند و عازم خارج شدند و بتدریج دوباره جوی ماه های قبل از بهمن ماه 57 در غرب میان ایرانیان جاباز کرد، باین تفاوت که اگر آن زمان شاه و رژیم پهلوی مورد غضب بود، حال جمهوری اسلامی مورد غضب قرار گرفت و همه، آری همه (بجز تعدادی کمتر از انگشتان دست) از گذشته سیاسی خود و نقش خویش در بهمن ماه 57 سخنی بر زبان نیاوردند، گوئی آن زمان این توده 2/3 میلیونی مقیم خارج از کشور راهی خیابان هانشد، چارقند بسر نکرد، ریش بلند نکرد، فریاد «بختیاری اختیار» سر نداد.

و حال همه آن «رهبران و روشنفکران!» ی که نقش رهبری را بر عهده داشتند و مردم را بخوابان ها کشیدند و جاده انقلاب را آب و جارو کردند. حال همان «رهبران و روشنفکران» شکست خورده، بدون اعتراف به اشتباهات خویش، بدون بررسی نقش فاجعه آور خویش در انقلاب، دوباره پرچم رهبری را بردوش گرفته اند و قصد فاجعه دیگری را در سر دارند.

پاسخ به این پرسش ساده است. کافی است یکبار نشریات سازمان های سیاسی ، مقالات نویسندگان و روزنامه نگاران را در آن زمان مرور کنید، کافی است به 28 سال پیش برگردید و گفته ها، بحث ها، دادوچدل ها، راه پیمائی های خودتان را بیاد بیاورید تا قبول کنید که همه ، منجمله شخص شما آنروزها هیزم بیار انقلاب اسلامی بودید و اگر اشتباه نکنم گویا چهره روحانی امام را هم درماه دیده بودید!

ماملت فراموشکاری هستیم . مسئله فقط این نیست، مسئله این است که ما ناتوان ازاعتراف به خطا هستیم، شهامت برزبان آوردن اشتباهات خودرا نداریم ونمیدانیم که قبول اشتباه واعتراف به اشتباه ، سنگ اول بنای جامعه دموکراتیک است!

شاید این بلای خانمانسوز ریشه درمذهب شیعه ما دارد: تقیه ، دروغ مصلحت آمیز، تا درهرشرایطی گلیم خودرا نجات دهیم.

دراین تراژدی همه مقصربودند، توده ساده و« رهبران مادام العمر» احزاب سیاسی ، بااین اختلاف کوچک ! که توده ساده چشم به دهان « رهبر» دارد و چشم بسته دنبالش راه می افتد.

میدانم الان خواهید گفت : « بخدا قسم من ازروز اول مخالف بودم» !

پس ضروری می دانم واقعیت های آنزمان را لخت و عور، همانگونه که بود واتفاق افتادزیرگوشتان باصدای بلند تکرارکنم (چون می ترسم گوشتان باگذشت زمان کمی سنگین شده باشد!) تا شاید نقش خودرا درآنروزها بیاد بیاورید.وبازاین جمله استاندارد ساخته کشورگل وبلبل را تکرار نکنید که « کار، کارانگلیسی ها وامریکائی ها بود. »

ازحزب توده ونشریه« نامه مردم» شروع می کنم، فرقی نمی کند ازکدام حزب شروع کنم، سگ زرد برادرشغاله !

سراغ سایر نشریات واحزاب دیگر هم باید رفت؛ باید سراغ آقایان نویسندگان وشعراى خارج ازخط حزب توده هم رفت که به وجود «دادگاه» های شرعى اعتراض می کردند و معتقد بودندکه سران رژیم پهلوی احتیاج به محاکمه ندارندو همه بدون استثنا باید تیرباران شوند وسالها بعد در فرنگ در«نشریه حقوق بشر» ازبشرو حقوقش قلم فرسائی می کردند.

باید درکنار«سپاوش کسرائی و جلال سرفراز» ها، سراغ بسیاری ازشعراى غیرتوده ای هم رفت و درصفحات آیندگان و کیهان واطلاعات دوران « بهارآزادی» سرکشید ودم خروس را بیرون کشید!

تذکر این نکته ضروری است که با انتشار گوشه هائی ازروزنامه های « مردم» (و نه همه شماره های آن پس از انقلاب، که متأسفانه دردسترس من نیست). به هیچوجه قصدکشیدن « حزب توده ایران » را به پای میزمحاکمه ندارم، قباى «مدعى العموم» ی برتن من بزرگ وگشاداست !، انگیزه من ازانتشاراین دفترچه فقط وفقط زدودن گردفراموشی ازذهن شما وروشن کردن این نکته که « کار، کار انگلیس وامریکا » نبود! آشنی بود که خودمان پختیم وبقول بانوی فرزانه، هما ناطق «..... درانقلاب هم مدرس بودم وهم محقق! بداکه شورچنان ورم داشت که اندوخته ها و دانسته ها رابه زباله دانى ریختم ودرهمرنگی باجهل جماعت به خیابانها سرازیرشدم. ادیبانه تربگویم : گه زدم وبه قول صادق هدایت اکنون آن را « فاشق فاشق» می خورم وپشیمان ازخیانت به ایران. گوشه ای خزیده ام تاجه پیش آید. . . .» *

ازمهدى خرازى که با آرشیو « نامه مردم» اش، آرشیومرا غنى ساخت وبیاری برخاست، صمیمانه تشکرمی کنم!



ایرج هاشمی زاده، اطریش زمستان 1385

دونکنه ضروری:

(1 نوشته های درون گیومه [] ازمن است

(2 آنچه به نقل ازنامه « مردم » مابین حروف با حروف سیاه آمده ، عیناازنامه « مردم » اقتباس شده است.



« پدرکیا » !

نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، نوه شیخ فضل الله نوری

بخش اول : اندریاب دموکراسی ویر خور دیا سابر نیروها!

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی انتشار سند بسیار مهمی فاش ساختند :

مقدم مراغه ای برای امریکا جاسوسی میکرد

(مردم شماره 112، شنبه 18 آذر ماه 1358)

ارتباط حسن نزیه با توطئه ضد انقلابی اخیر در تبریز

مقدم مراغه ای جاسوس امریکا که زیر پرچم « آزادی » پنهان شده بود!

سرکوب ضد انقلاب در تبریز پیروزی بزرگ انقلاب است

حزب جمهوری خلق مسلمان در کدام جبهه قرارداد؟

آیات عظام خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند

(مردم ، شماره 113 ، دوشنبه 19 آذر ماه 1358)

بازار شهر تبریز برای تاکید بر خواست انحلال حزب خلق مسلمان، دوزخ تعطیل است

باهمکاری آشکار حزب ایران با حزب جمهوری خلق مسلمان در وقایع تبریز موقع آن رسیده است که بدین سؤال نیز پاسخ داده شود که : حزب ایران در کدام جبهه قرار دارد ؟

هرکه در مبارزه با امریکا تفرقه بیا فکند، جاسوس امریکا است / سخنان حجت الاسلام موسوی خوئینی

(مردم شماره 118، یکشنبه 25 آذر ماه 1358)

براساس اسنادی که در سفارت سابق امریکا در تهران بدست آمد:

عباس امیرانتظام جاسوس امریکا بود

سخنگوی دولت بازرگان و سفیر سابق ایران در سوئد دستگیر شد

(مردم شماره 122، پنج شنبه 29 آذر 1358)

چرا جاسوس امریکا معاون نخست وزیر شد ؟

کشف اسنادی در جاسوس خانه امریکا توسط « دانشجویان مسلمان پیرو خط امام » فاش ساخت و اثبات کرد که عباس امیرانتظام جاسوس امریکا بوده است ولی این آقای امیرانتظام یک « منبع » گمنام برای « سیا » نبوده ، بلکه مقام منبعی در دولت داشته ، معاون نخست وزیر و نیز سخنگوی دولت موقت انقلاب و سپس سفیر ایران در کشورهای اسکاندیناوی بوده .. (مردم شماره 123، شنبه 1 دی ماه 1358)

نظامی که امیرانتظام از آن دفاع میکند.

عباس امیرانتظام ، سخنگو و معاون دولت موقت ؛ هم اکنون بعنوان خیانت به انقلاب ایران در بنداست، انتظام که در خدمت سازمان جهنمی «سیا» قرار داشت ، تنها این وظیفه را بعهده نداشت که اخبار و اطلاعات را در اختیار جاسوس خانه امریکا بگذارد. او وظیفه مهمتری را هم برعهده داشت ، باتمام نیرومیکوشید آن نظامی را جانشین نظام فرو ریخته آریامهری کند، که منافع امپریالیسم امریکا را در ایران تامین کند. ما بی آنکه اظهار نظری کرده باشیم ، برخی از نظریات انتظام را بعنوان نمونه از سخنان او که در مصاحبه های رسمی بعنوان سخنگوی دولت موقت بیان کرده است استخراج کرده ایم تا خواننده به آسانی دریابد که انتظام از کدام مواضع دفاع میکرد

امیرانتظام در مقام سخنگوی دولت موقت گفت :

- (1) 900 عضو سفارت امریکا و چهل مشاور نظامی در ایران هستند که ما خودمان خواستیم که بمانند
- (2) ما امیدواریم که در آینده نزدیک سوتفاهم ها از بین برود و دولت امریکا هم سفیرش را انتخاب و معرفی کند
- (3) امیدواریم آنچه را فعال بر روابط ایران و امریکا تاثیر گذارده ، از بین برود و روابط دو کشور به حال عادی بازگردد
- (4) تا وقتی دستگاه اطلاعاتی ما بکار نیفتد، نمی توانیم عکس العمل فوری در قبال وقایع نشان بدهیم
- (5) متأسفانه اکثر وسای شرکتها از ایران فرار کرده اند و دولت برای آنکه بتواند کارها مجدداً به راه بیفتد، خواسته است که این افراد به کشور برگردند
- (6) قوانین گذشته در مورد حزب توده ایران، تا وقتی لغو نشده؛ به قوت خود باقی است

(مردم ، شماره 124 ، یک شنبه 2 دی ماه 1358)

آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از « خط » خودش دفاع کرده است

مصاحبه ای که آقای بازرگان با روزنامه « بامداد » (شماره سوم دی ماه) بعمل آورده و در آن از امیرانتظام دفاع نموده ، در نظر اول میتواند شگفتی برانگیزد، شگفتی از اینکه چگونه در شرایط کنونی میتوان بدفاع از کسی برخاست که طبق اسناد مکشوفه از لانه جاسوسی امریکا در مقام معاونت نخست وزیر باماموران « سیا » تماس های مجرمانه داشته ، برای تسهیل این تماس ها بعنوان سفیر ایران در سوئد منتقل شده و فرار بوده است که اود در راس سفارت ایران درواشنگتن بگمارند تا بوسیله او راه « بهبود مناسبات امریکا را با ایران » مجدداً بسود امپریالیسم تجاوزکار و غارتگریانکی هموار سازند .

ولی دقت بیشتری به سخنانی که آقای بازرگان در این مصاحبه ایراد داشته ، این شگفتی را برطرف میکند، زیرا این سخنان نشان میدهد که آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از « خط » خودش دفاع کرده است، « خطی » که امپریالیسم امریکا را دشمن نمیداند، « خطی » که معتقد است « چون وابسته بوده ایم ناچار باید وابسته بمانیم » . « خطی » که از تعمیق انقلاب بسود مستضعفین بیم دارد . « خطی » که احکام دادگاههای انقلابی را « آبروریزی » و تعقیب ساواکیها را « انتقام

جوئی « میخواند.»خطی» که بمدت نزدیک به 8 ماه باسماجت انقلاب ضد امپریالیستی وخلقى ایران را ترمز کرد و بخط « گام بگام» معروف شد .

آقای بازرگان نسبت به « خط گام بگام » خودش (که همان « خط» بورژوازی لیبرال سازشکاراست) صادق و درپیشبردآن سرسخت است . این « خط » به ناگهان پیدانشده ، ریشه ومبنای دیرینه دارد وبراین نظراستوار است که میتوان بکمک امریکا درایران رژیمى « مطلوب » برقرارکرد . یک « مشروطیت بدون شاه » روی کارآورد ... قضاوت مردم ایران درست است ، « خط گام بگام » که همان خط بورژوازی لیبرال سازشگار است خارج ازخط امام و برضد خط امام است و با منافع و مصالح انقلاب ایران مغایرت دارد

(مردم ، شماره 126 ، سه شنبه 4 دی ماه 1358)

رابطه نهضت آزادی با سفارت امریکا فاش شد

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی یک افشاگرى بسیارمهم ازفعالیت های نهضت آزادی برای حفظ منافع امریکا درایران پرده برداشتند :

امیرانتظام به عنوان عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی با سفارت امریکا رابطه داشت (نیزدرشت صفحه اول)

(مردم شماره 127، چهارشنبه 5 دی ماه 1358)

گروهک مائوئیستی « سازمان انقلابی» مدافع امریکا

سازمان انقلابی افغانها را جلو سفارت امریکا میبرد تا علیه شوروى شعاردهند

(مردم شماره 131، دوشنبه 10 دیماه 1358)

روزی که بختیارجانشین شاه شد!

یکسال ازآغاز خیانت تاریخی بختیارمیگذردو اوهمچنان باکمک حزیش درایران علیه انقلاب فعالیت میکند!

16 دیماه سال گذشته، بختیار فرمان خیانت خودرا ازامریکا و شاه دریافت کرد. یادکردن ازاین روزنه بخاطر اثبات خیانت تاریخی یکی ازسرسپردگان امپریالیسم امریکاست - که برهنگان آشکاراست - بل بخاطر یادآوری ازخطی است که با بختیار علیه انقلاب ایران متولد شد وهنوزهم به حیات خائنه خود ادامه میدهد.

... سرانجام شاپوربختیاررهبرحزب ایران وعضو رهبری جبهه ملی ماموراجرای « طرح ویژه » امپریالیستها برای خفه کردن انقلاب ایران شد . بختیار سالوسانه، زیرنام دکترمصدق پنهان شد و ازمجلس فرمایشی شاه رای تمایل گرفت

...بختیار دراولین مصاحبه مطبوعاتی خود دقیقا اعلام داشت که هدف او حفظ نظام سلطنت است . او گفت « شاهنشاه به مسافرت میروند وبعد برمیگردند. اعلیحضرت موافقت کردندکه سلطنت بکنند . طبق قانون اساسی دولت باید حکومت کند » (کیهان 16 دی)

بختیارخائن که دراوج شعارهای « مرگ برشاه » توده ها، شاه خائن را اعلیحضرت می نامید، درپاسخ سئوالی که رژیم سلطنتی باقی می ماند یانه، گفت «امیدوارم سوتفاهمات را بین شاه وملت حل کنیم » (همانجا)

برای « مرغ طوفان » ، 25 سال غارت وجنایت وکشتار 70 هزار ایرانی وسحرگاههای بی پایان اعدام وشکنجه گاههای قرون وسطائی، تنها « سوتفاهم » بین شاه وملت معنی میداد. ازهمین روبرود که وقتی ازاوپرسیده شد« آیا سلطنت درایران باقی میماند » گفت « بله . امیدوارم » !

درواقع بختیارفقط امیدوارنبود، اوماموریت نجات سلطنت ورژیم وابسته امریکاراداشت ودرست بخاطرهمین ماموربود که حرف ماه قبلش « من به هیچ وجه موافق حکومت نظامی ، آنهم به مدت طولانی نیستم » را پس گرفت وبعدازتکیه زدن براریکه قدرت گفت « حکومت نظامی را به تدریج لغومیکنم »

بختیارکه درهمان روزاول روی کارآمدنش تصریح میکرد « رژیم سلطنتی درایران به قوت خود باقی خواهد ماند، اما اعلیحضرت به سفرخواهند رفت» هرگزحکومت نظامی را لغونکردوبه کشتارتوده های میلیونی ادامه داد.

بختیاراین نوکرسرسپرده امریکا که ستاد ارتشش را ژنرال هویزر امریکائی اداره میکرد، درهمان آغاز مخالفت خودرا باحزب توده ایران نشان داد ومانند همه همپالکی هایش درسواک ودرباروسیا، حزب توده ایران را« وابسته به خارج » خواند . او همینکه وعده آزادی احزاب رادادبافعالیت مجدد حزب ما مخالفت کرد وگفت :

« کلیه احزاب که که غیرقانونی نیستند میتوانند شروع به فعالیت نمایند ودستجات ممنوع نیز میتوانند درصورتی که وابستگی به خارج نداشته باشند، پس ازرسیدگی درزمره سایرین درآیند » (کیهان 16 دی 1357)

چهره ریائی بختیارهیچکس را فریب نداد. امام همانروز اعلام کرد که دولت بختیار غیرقانونی است

....توده های خلق فریب بختیار را نخوردند ازهمان روز آغاز «سلطنت» بختیارتظاهرات میلیونی علیه او آغازشد و سرانجام توده ها درامواج توفانی خود «مرغ توفان» را به زیاله دانی تاریخ افکندند.

بختیار تا آخرین لحظات دوام رژیم به کشتار مردم ادامه داد و وقتی ارتش مسلح مردم طومار رژیم را درهم درنوردید ، ازایران گریخت.

فرار این دشمن کینه توز انقلاب ایران پایان کار او نبود... درایران هم دوستان وهمفکران بختیار... درحزب او که سالها رهبرش بود یعنی حزب ایران متشکل شده اند و ازطریق تبلیغ وترویج افکار بختیار وپخش نوارهای سخنرانی او درپاریس یاریش میسرسانند .

... ارگانهای انقلاب وبویژه شورای انقلاب باید برای زدن ضربه کاری به ضد انقلاب ، فعالیت هواداران بختیار را که عمدتا درحزب ایران وبانقلاب « ملی » فعالیت دارند ، خنثی وافشا نماید

(مردم شماره 136، یک شنبه 16 دیماه 1358)

افشاگری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام دیشب ادامه یافت

امیرانتظام بدستور امریکا وسایل سری نظامی امریکا را ازایران خارج میکرد.

(مردم ، شماره 146 ، یک شنبه 30 دی ماه 1358)

طبق سندی که دیشب توسط دانشجویان پیرو خط امام افشا شد :

بامداد ، تهران مصور، امید ایران وتهران تایمز زیرنظر امریکا کار میکردند، دانشجویان همچنین درپی افشای اسنادی روشن ساختند که «رهیانی» سردبیر بامداد، علیرضا نوری زاده، سردبیر امید ایران ، پرویز عرقان ومرتضی جعفری ، گردانندگان «تهران تایمز» و علیرضا فرهمند ازکارکنان سابق کیهان باجاسوسان امریکایی ارتباط نزدیک وهمکاری داشته اند.

(مردم ، شماره 149 ، چهار شنبه 3 بهمن ماه 1358)

طبق اسناد جدیدی که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام فاش شد:

احمد مدنی ازطریق ثابت پور، شهردار آبادان ، با جاسوسان امریکا رابطه داشت .

مدنی خیلی ضد روحانیت و ضد فلسطینی است

مدنی به سختی ضد کمونیست بود.

(مردم ، شماره 150 ، پنج شنبه 4 بهمن ماه 1358)

ضدانقلاب هنوز در رسانه های گروهی پایگاه دارد

سرنخ سینه چاکان « آزادی » مدافعان « دموکراسی»، مخالفان « فاشیسم آخوندی » ، دشمنان «استبداد عبا ونعلین» ودشمنان « حزب توده ایران » درجیب گل وگشاد عمو سام پیداشد!

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با افشای اسناد رابطه « بامداد»، « امیدایران»، « تهران مصور» و « تهران تایمز» با جاسوس خانه امریکا در تهران ، این واقعیت را با اسناد غیر قابل انکار تثبید کردند . . . نگاهی به نشریاتی که دم خروس « آزادیخواهی » آنها ازجیب عمو سام بیرون آمده ، باردیگرو واقعیت را ثابت میکند (1) لیبرالیسم، نقاب امپریالیسم . (2) حمله به حزب توده ایران:

« صفی پور» و « والا » عمال سابقه دار رژیم شاه مخلوع وقتی انقلاب دژهای رژیم را فرو ریخت، لباس « آزادی » خواهی به تن کردند . « صفی پور» که یکی از « امید های ایران » برای امپریالیسم بود به سراغ « دکترعلیرضا نوری زاده » رفت . نوری زاده در زمان اعتصاب مطبوعات ، همه زور خود را زد که اعتصاب را بشکنند و بعد هم در جلسه دیدار نویسندگان مطبوعات با بختیار، نوری زاده که مشاور مطبوعاتی « مرغ طوفان » بود، کوشید آنها را با رباب آشتی دهد اما باز هم موفق نشد، نوری زاده به یکی از روزنامه های عصر رخنه کرد و بعد از پیروزی انقلاب بعنوان خبرنگار همین روزنامه بخانه امام و دادگاههای انقلاب که آن موقع در مدرسه علوی تشکیل میشد راه یافت.(اکنون که ارتباط او با امریکا روشن شده ، باید این مساله هم تحقیق شود که در آن موقع نوری زاده چه وظیفه ای رادر ارتباط با امریکاییها داشته است). . . امید ایران در بست پایگاه بختیار بود ، عکس او روی جلد چاپ میشد و در « دادگاه مجله » از خیانت تبرئه میگردد. . . عبدالله والا هم سراغ مسعود بهنود اجرا کننده تیراوی یعنی تعریف نامه از شاه خائن و فحش نامه علیه کشورهای سوسیالیستی و حزب توده

ایران و بار نزدیک هویدا و امیر طاهری رفت . . . یکی دیگر از سنگرهای امپریالیسم روزنامه « بامداد » بود که به شیوه ای دیگر به مبارزه با انقلاب ادامه میداد

(مردم ، شماره 151 ، شنبه 6 بهمن ماه 1358)

سئوال از آقایان لیبرال

آقایانی که امام را به « اعتدال » فرامیخوانند، به ملاقات برژینسکی می رفتند، از انقلاب « پشیمان » بودند، کار دادگاههای انقلاب را « ننگ » می دانستند و نمایندههای مقابل لانه جاسوسی را « ننگ » دیگری می دانند، بهتر است به جای سفسطه و جنجال ، صاف و ساده بگویند که از پیشروی انقلاب خلقی خوششان نمی آید . . . مردم می پرسند : مگر شاهپوریختیار از میان شما برنخاست؟ مگر آقای سنجانی از میان شما نبود که کارش تاسف بره پاریس رسید، که امام را به « اعتدال » دعوت کرد و سپس صلاح خود را مدتی در ادامه همکاری ظاهری دید؟ مگر کسانی مانند مقدم مراغه ای که « کیابیا » در دستگاه شما بودند، آنچنان ماجراجوی سیاسی از آب در نیامدند؟ مگر خود مهندس مهدی بازرگان ، بلافاصله پس از انقلاب بارها نکو شد، ولو در لافافه ، رهبرانقلاب ایران را در نظر مردم کوچک کند و رسماً نگفت که سه سه بار از انقلابی که شده است ، پشیمان است ؟ مگر او بملاقات برژینسکی بی اطلاع امام نرفت ؟ مگر او محاکمات انقلابی را مایه « ننگ » و رسوائی « نخواند؟ مگر امیران نظام از میان آقایان برنخاست؟

(زیر این مقاله تصویری است از یک چوبه دار و در کنارش : مزدور امریکائی اعدام باید گردد)

(مردم شماره 172، چهارشنبه 1 اسفند ماه 1358)

سئوال از مقامات مسئول جمهوری ایران : بختیار چگونه از ایران گریخت؟

شاهپوریختیار خائن طی مصاحبه ای با مجله هفتگی اوانمان، چاپ بلژیک، در مقابل این پرسش که، طی 5 ماه اول انقلاب ایران در کجا پنهان شده بود، گفته است : « در ایران و هنگامی تصمیم گرفتم ایران را ترک کنم . . . بایک پرواز عادی توسط یک خط هوائی بزرگ از فرودگاه مهرآباد به پاریس آمدم»

پرسش ما و تمام مردم ایران از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران آنستکه : این مزدور جنایتکار و خائن ، در 5 ماه پس از انقلاب ایران ، توسط چه کسانی و چگونه پنهان شده بود و بالاخره توسط چه کسانی و چگونه از مرز فرودگاه مهرآباد ایران گریخت ؟

در انتظار پاسخ فوری و مقنع هستیم

(مردم شماره 203، یک شنبه 17 فروردین ماه 1359)

درستون « شوخی نیست . . . ! »

نشئه یا خمار؟

رفیقی پرسید : جواب احمد خان شاملو « شاعر جاودانه » را نمیدهید که باز هم در کتاب جمعه به حزب توده ایران دشنام داده است ؟

ظریفی جواب داد : اول باید دید جناب ایشان وقتی این فحش را میداده اند ، نشئه بوده اند یا خمار؟

(مردم ، شماره 228 ، چهارشنبه 17 اردیبهشت ماه 1359)

درستون « شوخی نیست . . . ! »

لقب جدید بختیار

رادیو مسکو به شاپور بختیار که تاکنون القابی چون « مرغ طوفان » ، « نوکری اختیار » ، « نخست وزیر منقل » و غیره . . . را داشت لقب بجای جدیدی داده است . جسد سیاسی !

علت پرروئی ضد انقلاب

فرخ روپارسا وزیر چندین و چند ساله هویدا در دادگاه گفت : « امیدوارم دادگاه عدل اسلامی وزرائی را که جزو مهره های حساس مملکتی و همچنین از مهره های حساس حزب رستاخیز بودند ، بخشیده است ، مرا نیز شامل عفو بنماید»

– متوجه شدید چرا ضد انقلاب پرور شده؟

(مردم شماره 231، یکشنبه 21 اردیبهشت ماه 1359)

درستون « شوخی نیست ...! »:

کتاب جمعه ویژه ! (نشریه احمد شاملو)

آیت الله خلخالی سرپرست اداره مبارزه بامواد مخدرشد (جراید)
- منتظر باشید « کتاب جمعه ویژه » علیه آیت الله خلخالی منتشرشود

(مردم ، 235، پنجشنبه 25 اردیبهشت ماه 1359)

« د کتریقائی » های انقلاب را بشناسید و سرکوب کنید

(مردم ، 236، شنبه 27 اردیبهشت ماه 1359)

برای سرکوب ستون پنجم امپریالیسم و فراهم ساختن زمینه اتحاد نیروها

« دکتریقائی » های انقلاب را بشناسید و سرکوب کنید

(مردم شماره 236، شنبه 27 اردیبهشت 1359)

بختیارخائن توطئه ضدانقلاب ایران را فاش میکند

شاهپوریختیار، معروف به « مرغ طوفان »، که پس ازآوارگی توسط مردم انقلابی ایران، 16 ماه است که همراه بادیگرعمال از مجازات گریخته امپریالیسم امریکا، فعالانه علیه انقلاب ایران توطئه میکند، پس از بازگشت خود از بغداد (که حضوری در عراق برای اولین بار توسط حزب توده ایران افشاشد) در مصاحبه ای با نشریه فرانسوی « پاری ماچ » مطالب مهمی را طرح کرده است

(مردم شماره 240، چهارشنبه 31 اردیبهشت 1359)

در جلسه علنی مجلس شورای ملی

اعتبارنامه خسرو قشقائی بعثت عضویت در « سیا » باطل شد .

... حجت الاسلام خلخالی گفت « اینجا نباید مثل زمان رژیم سابق مقررات خشک بمورد اجرا گذارده شود . اگر بعد از تصویب اعتبارنامه ای مسلم شد که صاحب اعتبارنامه جاسوس امریکا است یا ساواکی است ، باید اعتبارنامه آن شخص باطل شود ».

اعتبارنامه خسرو صولت قشقائی بعثت عضویت اودر سازمان جاسوسی امریکا (سیا) و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران باطل شد .

(مردم ، شماره 253 ، یکشنبه 18 خرداد ماه 1359)

« شوخی نیست ...! »:

ترپچه پوک و نام دهان پرکن

یکی از گروهکهای ضدانقلابی و مائوئیستی طی اعلامیه ای نام خود را اعلام کرده است . میدانید چیست ؟ « جنبش انقلابی سازماندهی کارگران خلقهای ایران » !

(مردم ، شماره 266 ، سه شنبه 3 تیر ماه 1359)

« قاسملو و همفکران » در سرانشیب انفراد و شکست

« قاسملو و همفکران » بهمان میزان از « ضد امپریالیست نبودن » طبقه حاکمه مینالند، که امپریالیسم امریکا ورژیم بعث عراق!

(مردم ، شماره 268 ، پنجشنبه 5 تیر ماه 1359)

« شوخی نیست . . . ! »:

ضدانقلابیون کمیاب !

هادی خرسندی را می شناسید؟

– ایشان در انگلستان سردبیریک نشریه ضدانقلابی هستند .

زهره یحیوی را می شناسید ؟

– ایشان در صدای امریکا علیه انقلاب ایران گوینده هستند .

– برای چه یاد این دو افتاده ایم ؟ مگر ضدانقلابی کم است ؟

– البته کم نیست ، ولی ضد انقلابی که درکشور نباشد و نامش هنوز جزو کارمندان وزارت ارشاد ملی باشد ، مثل این دونفر، کم است

(مردم ، شماره 270 ، دو شنبه 9 تیر ماه 1359)

حمله ضد انقلابیون فاشیست « گروه قاسملو » به دفتر حزب توده ایران در مهاباد

. . . ما ضمن محکوم کردن این عمل فاشیستی « قاسملو و شرکا » از همه مردم کردستان میخواهیم که چهره واقعی این سالوسان را تشخیص داده وقاطعانه به مقابله باین اوباشان برخیزند

(مردم ، شماره 273 ، پنج شنبه 12 تیر ماه 1359)

گروهک مائوئیست – ضدانقلابی « حزب رنجبران » ، در عرصه تئوری و عمل

مائوئیسم ، متحد امپریالیسم .

« حزب رنجبران » مدافع سرمایه داری وابسته، دوستدار امپریالیسم امریکا و دشمن متحدین انقلاب ایران است

(مردم ، شماره 279 ، پنج شنبه 19 تیر ماه 1359)

« شوخی نیست . . . ! »

تعطیل !

به کلیه اشخاص معتاد 6 ماه مهلت داده شد برای معالجه به درمانگاه ها و بیمارستانهای که وزارت بهداشت تعیین میکند، مراجعه کنند (بامداد 14 تیر)

– کتاب جمعه تعطیل شد !!!

(مردم ، شماره 281، یک شنبه 22 تیرماه 1359)

اسناد همکاری خسرو قشقائی با ساواک و سیا ، شاه و علم . . .

این اسناد که توسط مخبرکمیسیون تحقیق به خبرنگاران داده شد از میان اسناد ساواک ولانه جاسوسی امریکا بدست آمده است

(مردم ، شماره 282، دو شنبه 23 تیرماه 1359)

دست بقائی جاسوس و بقائی های امروز را از انقلاب کوتاه کنیم !

. . . دکتر بقائی کرمانی، جاسوس سیا که در کودتای خائنانه 28 مرداد شرکت فعال داشته و در کودتای اخیر نیز بارهبران اصلی آن رابطه نزدیک داشته است ، متأسفانه پس از مدت کوتاهی آزاد شد . رهائی او مستقیماً به امپریالیسم امریکا در زمینه سازی توطئه ها یاری میرساند . انقلاب ایران اگر این دست هارا قطع نکند و جاسوسان جنایتکاری چون بقائی ها را به مجازات درخور خویش نرساند ، مسلماً با توطئه های بزرگ تری مواجه خواهد شد.

(مردم ، 294 ، دوشنبه 6 مرداد 1359)

رادپو های ضدانقلابی بختیار واویسی

سگ زرد وشغال درخدمت یک هدف شیطانی : ملاقات قاسملو با بختیار، اوباشان قاسملو به دفترحزب توده ایران در مهاباد حمله کردند

(مردم ، 305 ، دوشنبه 20 مرداد ماه 1359)

آزادی بغائی ها، اسارت انقلاب است

بغائی جنایتکارباید دستگیرو محاکمه گردد و برای کشف شبکه های توطئه امپریالیسم امریکا مورد بازجوئی قرارگیرد
عوامل کودتا درصدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بودند؟

(مردم، 321 ، یک شنبه 9 شهریور 1359)

گروه قاسملو ، مدافع دردان ، اوباشان و مز دوران بعث

(مردم ، 323 ، سه شنبه 11 شهریور 1359)

پلیس انگلستان _ محافظ ضد انقلاب شاهنشاهی !

روز 19 مرداد 1359، حدود 1500 نفر از ضدانقلابیون فراری رژیم شاهنشاهی درلندن تظاهرات علنی داشتند. این عده ازسراسر انگلستان وبعضی ازکشورهای اروپائی آمده بودند. دوهزار پلیس انگلیسی ازضدانقلابیون محافظت میکردند.

آری، پلیس انگلستان؛ که دانشجویان مبارزایرانی را به « جرم » دفاع ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران مضروب میسازدوبزدان می افکند، محافظ ضدانقلاب شاهنشاهی است !

این فقط نمونه ای از « دموکراسی »، « آزادی »، و « حقوق بشر » از نوع امپریالیستی است .

این پلیس یکی ازکشورهای « جهان دوم » کذائی است، که برخیا بدنبال اتحاد با آن برضد « ابرقدرتها » هستند!

روزنامه مردم عکسی هم ازتظاهرات درکنارخبرچاپ کرده است

(مردم شماره 325 یکشنبه 13 شهریورماه 1359)

« روزنامه میزان» چه میزان درخط انقلاب ایران است ؟ [میزان نشریه نهضت آزادی مهدی بازرگان]

(مردم ، 328 ، سه شنبه 18 شهریور 1359)

ما پیروان خط برژینسکی را بهرلیاس که درآیند، افشا خواهیم کرد

مقاله ای برعلیه روزنامه میزان و نهضت آزادی

(مردم ، 331 ، شنبه 22 شهریور 1359)

چریک ها، با پای لنگ به دنبال مارکسیسم

چریک های اکثریت با حزب توده ایران مبارزه نمیکنند، دهن کجی میکنند واین عادت دوران کودکی است

(مردم ، 335 ، چهار شنبه 26 شهریور 1359)

قابل توجه امام جمعه تهران وزیرارشاد اسلامی

ورق پاره ای ضد انقلابی بنام « پیام جمعه » مجانا دربین نمازگزاران توزیع میشود

مائوئیست های امریکائی « رنجبر » زیر نام « اسلام » ورق پاره ای را که امتیازهم ندارد و گرداننده آن یکی ازرهبران چماقدران است ، درسطح وسیع منتشر و بطورمجانای توزیع میکنند

ما جدا از مقامات مسئول می‌خواهیم که انتشار این ورق پاره ضدانقلابی، که زیرنام «اسلام» به تفرقه افکنی بسود آمریکا مشغول است، جلوگیری کنند.

(مردم شماره 401، اول دیماه 1359)

درحاشیه مجلس

فعالیت ضدانقلابی گروهک پیکار

عطا مهاجرانی، یکی از نمایندگان مجلس در جلسه دیروز تاکید کرد که عوامل گروهک ضدانقلابی پیکار خود را در صفوف آوارگان جنگ جازده اند و زیرنام آنها تظاهرات راه می اندازند

این گفته نماینده مجلس، لزوم توجه به نقش مخرب های مائوئیستی را بیش از پیش مطرح میکند

(مردم شماره 401، اول دیماه 1359)

شوخی نیست . . !

اندر شناخت لیبرال واحوال وی

فریدون تنکابنی

ولیبرال، بروزن « شیره ساز» تاجری است با ترازوی نامیزان، از انقلاب سرخورده و پشیمان، و از وضع روزگار آزرده و پیریشان رنگری است که حنایش رنگی ندارد، باز هر لحظه تخم نیرنگی کارد و دام فریبی به میان آرد. گزافهانش مغل سلامت و قطاب یزدش به دور از حلاوت

سیاست را، هر روز در قیام و قعود، و عبادت را، هر شب در رکوع و سجود، بهر سود، لجوج و عنود، و سرمایه هر دم در عروج و صعود.

برادری را بی برابری خواهد. بر تعارف افزاید و از مبلغ کاهد. از بهر آزادی گریان و نالان و از انقلاب بیمناک و هراسان. برای آزادی اشک تمساح ریزد و با انقلابیون جسور و گستاخ، نه شاخ به شاخ، بل موزیانه ستیزد.

از وحدت خلق بیزار است و پراکندگی و دشمنی را خواستار، تابا بر خر مراد سوار شود و بر سر خلق هوار گردد.

هر دم تفرقه اندازد، و نردحیله و نیرنگ باز د و تخم عداوت و کینه کارد، شاید آب رفته به جوی باز آرد.

بیت :

آن که شیران را کند روبه خصال لیبرال است، لیبرال است، لیبرال

« خطر کمونیزم» را همه وقت و همه جا سراغ کند و آن را چماق کند و بفرق خلایق نواز د و طریق « القا ایدئولوژی » هموار سازد.

* * *

و بورژوا لیبرال، جانوری است اهریمن خصال که نیندیشد جز به جمع مال و گرد آوردن اموال، از هر ممر حرام و غیر حلال، با سرمایه دار وابسته در یک جوال وفی الواقع سگ زردی است برادرشغال.

در ظاهر موجودی است قشنگ و شیک، و دوستدار فرنگ و آمریکا، (همراه قافله، اما بادزد شریک)

جزا از آزادی سخن نراند، و برای آزادی یقه دراند، و پستان به تنور چسباند، و اشک حسرت از مژه چکاند.

لیک از کلاه دوزی، پف نم زدن داند، و خود کامگی را آزادی خواند.

سود و سرمایه اش بیش، و از بهر آن همواره در تشویش. مرادش از آزادی، آزادی خویش. دشمن دهقان و کارگرو پیشه ور، و از حکومت مستضعفان آزرده و پکر. مسلمانی اش به تسبیح و ریش، نه به بهبود حال خلق پریش.

پولم از پاروا اگر بالا رود / باز خواهم باز افزون تر شود / بهرمن آزادی غارت خوش است / انقلاب خلق « آزادی» کش است

هر زمان صد مکر و افسون میکنم / باری، ار لازم شود خون میکنم / گر که از در رفت آن آقا « سیا» / گویمش: از پنجره جانم بیا!

ترسد که انقلاب شمشیرعدالت بتردارد، و آنچه فروبرده، از حلقومش برآرد، که معاذالله (بل ان شا الله) اگر چنین شود، بیدرنگ جان سپارد.

مصرع : پول است نه جان است که آسان بتوان داد.

گاه ازملی شدن صنایع در رنج و عذاب، و گاه به خاطر بستن مدارس ممتازان در عتاب و خطاب. گاه انحصار تجارت خارج، رنج اوفزاید، و گاه از منع معامله ارز فغانش برآید.

الغرض، هرچه کند و سنگ حادثه بر سرش بارد، باز عبرت نیارد، و شکست انقلاب را آرزو دارد.

همچون «عموسام»، دشمن خط امام، البته شکست خورده و ناکام، با دانشجوی مسلمان جز ره عناد نیوید، و جزدشنامش نگوید. نام کمیته بر زبان نیارد و چشم دیدن پاسدار ندارد.

چون صدام، صد دام نهد، و آن گاه که ناکام شود، چون اسپند بر آتش جهد، و ناله و فریاد سردهد.

ای لیبرال، ناله و فریاد سرکنی / پنداشتی که مردم بیدار خرنی؟ / بس کشته داد ملت ما بهر انقلاب؟ خواهی ز روی نعش شهیدان گذرنی؟ / مستضعفان به عرصه پیکار بوده اند / مستکبری خواهی کسب ثمر کنی؟ / لولوبیردان ممه را، خوب گوش کن / باید که پنبه را تو ز گوشت به در کنی! / مردم به لیبرال مجالی نمیدهند / هر چند گریه سردهی و ناله سرکنی / صدمار میکنند ترا خوار و مفتضح / نیرنگ و مکر و توطئه صدمار اگر کنی / باجیب پریزول برفتند سوی غرب / یاران، تونیز به که خیال سفر کنی / مردان لیبرال « بزرگی » فراری اند / باید توهم بجنبی و فکر در کنی!

(مردم شماره 414، پنجشنبه 18 دیماه 1359)

« باند قاسملو » ساواکیها را برای همکاری علیه انقلاب می پذیرد

(مردم شماره 415، شنبه 20 دیماه 1359)

توطئه ضدانقلاب، مائوئیستها و لیبرال ها علیه انقلاب، به بهانه « بازگشایی دانشگاهها » را خنثی کنیم.

امام خمینی: هر گروهی که بیشتر مورد حمله بود و این اشخاص منحرف، بیشتر با و حمله میکردند، برای ملت مفیدتر است.

(مردم شماره 418، سه شنبه 23 دیماه 1359)

قابل توجه وزارت ارشاد اسلامی:

ضدانقلاب ورق پاره دیگری منتشر کرد

مائوئیست های امریکائی « رنجبر » که زیر نام « اسلام » ورق پاره ای بنام « پیام جمعه » را که امتیاز هم ندارد، مجانا در تهران توزیع میکنند، دست به انتشار ورق پاره بدون امتیاز دیگری بنام « احزاب » زده اند که این یکی هم مجانا توزیع میشود. . . ما باریگرا وزارت ارشاد اسلامی و دیگر مقامات کشور می خواهیم که مانع انتشار این ورق پاره ضدانقلابی شوند و اجازه ندهند ورق پاره ای که برخلاف قانون و علیه مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران منتشر میشود به انجام وظیفه ضدانقلابی خود ادامه دهد.

(مردم، شماره 420، پنجشنبه 25 دیماه 1359)



بخش دوم: اندریاب امپریالیسم جهانخوار امریکا!

[حزب توده هرروز، بدون استثنا، در «نامه مردم» از خطر حمله امریکا و «مزدوران امریکائی» هشدار میداد و ازدولت و نیروی های شبه نظامی رژیم مصر می خواست که آماده مقابله نظامی باشند، نمونه های زیرهیستری مصنوعی حزب توده را نشان میدهد که درپشت آن ایجاد جوتنفرو نفرت از «امپریالیسم جهانخوار امریکا و درکل غرب» و سودادن رژیم بدامن شوروی نهفته بود]

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تایید و مذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از توطئه گران اصلی برضد انقلاب ایران را محکوم میکند. 13 آبان 1358

(مردم شماره 71، یکشنبه 29 مهرماه 1358)

سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران، اشغال شد

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی:

رابطه با امریکا را میخواهیم چه کنیم؟

تااسترداد شاه خائن، اشغال سفارت ادامه دارد

(مردم شماره 84، دوشنبه 14 آبان ماه 1358)

امریکا ! امریکا ! سیاهش کسرانی

باشگاه فرومایگانی/ وفروودگاه خشم جهانیان/ بازار بزرگ بردگی قرن/ وارونه کیمیاگری تو/ که زندگی را خاکستر/ وعشق را روسپی میکند/ در جنگل عظیم صنعت/ بردختان سترک/ تفاله میوه های آدمی آویختست:

سیاه وزرد/ سفید و سرخ.

از کشتزارهای علمت چه میروید؟/ قارچ های اتمی/ تاجرهماره مستی تو/ که باروت به دنیا میدهد/ وبه بهای آن / گلاب میگیرد.

غول هزاردستی/ که بایگانه چشم آذرپیشانی / پی درپی/ پیرامون را میپائی.

بشنو!/ میآیند/ چنداچندوگروه گروه/ نه، غم آوای شبانه نیست/ سرود سرخ سحرگاه است/ که پامیگیرد.

نگاه کن/ ستارگان/ یکایک ازپرچم تو می گریزند/ ودردستت تنها/ پارچه ای میماند،/ بل، قاب دستمالی/ برای برق افکندن به کفش کهنه سرمایه .

آری، نگاه کن/ که ستارگان میگریزند/ چه، آفتاب برمیآید

تهران، دوشنبه 14 آبان 1358

(مردم شماره86، چهارشنبه 16 آبان ماه 1358)

سفارت امریکا ، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران ، اشغال شد

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی : رابطه با امریکا را میخواهیم چه کنیم ؟

مردم ایران فریاد میزنند مرگ برامریکا و آقای بازرگان بابرژینسکی ملاقات میکند

جوان سرخ موی امریکائی تصویرپیام امام را پاره کرد

این شاه امریکائی، درپیش پای ملت اعدام باید گردد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران :

امریکا باید شاه مخلوع را به دولت ایران مسترد دارد

حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژینسکی ، یکی ازتوطئه گران اصلی برضد انقلاب را محکوم میکند .

(مردم شماره 84، دوشنبه 14 آبان ماه 1358)

آوردگاه جلال سرفراز ، اردیبهشت 59

بالابلند برآمد/دستی به روشنی/ درگیسوان تیره فروبرد ماه

بربامها/ (هنگام کزکرانه دوری/ انبوه کرکسان/ روبادیارما/ پروازمیکنند)/ خلقی خروش برداشت/ خون درسرود و – رود سرود خون:/ یانکی بمیر!/ مرگ برآمریکا!

درمقدم پگاه/ آماج هرگلوله پرچم خونین سینه ها،/ دیدم چگونه دست پدرراپسرگرفت/ وباسرود رفت به آوردگاه

دلواپسان/ خاموش ایستادند/ بی باوران به خواب فرورفتند/ شاعرنگاه کرد/ ازقلب توده ها:/ تاچشم کارمیکرد/ تاریک روشنان شقایق بود/ درمعبرنگاه

(مردم شماره96، چهارشنبه 217 اردیبهشت ماه 1359)

کالای امریکائی نخریم !

فردرد مامصرف کالاهای امریکائی را برخورد تحریم کنیم ، تولید داخلی خودراارج دهیم وکالای امریکارابرسرش بکویم . باقطع ریشه تسلط امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا ازمیهن ما سرانجام دوران محرومیت هم پایان خواهدیافت و باتامین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه وعدالت اجتماعی نیزخواهیم رسید .

(مردم شماره 98، چهار شنبه 30آبان ماه 1358)

گزارشی ازشبهای ضد امپریالیستی درمقابل لانه جاسوسی امریکا :

دررزمگاه شبانه خلق . . .

صدها نفر هرسب با لای لای ضد امریکائی در کنار جاسوسخانه امریکا به خواب میروند

(مردم شماره 103، سه شنبه 6 آذر ماه 1358)

تیتردشت صفحه اول نامه « مردم » :

پراودا : خواست ملت ایران برای استرداد شاه ، منطقی است

(مردم شماره 110، پنج شنبه 15 آذر ماه 1358)

جیاب ؛ وزیر دفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام : امام خمینی شخصیتی استثنائی است ؛ برای حمایت از انقلاب ایران میتوانید به کشور شوروی متکی باشید که در صورت نیاز، به شما کمک خواهد کرد

(مردم شماره 114، سه شنبه 20 آذر ماه 1358)

امپریالیسم های اروپای غربی و ژاپن، هم امپریالیست اند و هم متحد امپریالیسم امریکا

(مردم شماره 121، چهار شنبه 28 آذرماه 1358)

بمناسبت پنجاهمین روز تسخیر جاسوسخانه امریکا « توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام »

دانشجوی خط امام بر تو درود ، برتوسلام

دوره اخیر انقلاب ایران ، بانام وچهره مبارزین راستینی که لانه جاسوسی امریکا را فتح کردند ، پیوند ناگسستنی یافته است

(مردم ، شماره 125 ، دو شنبه 3 دی ماه 1358)

اعلامیه « سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

همه باهم علیه امپریالیسم امریکا و عمال داخلی آن

امپریالیسم جنایتکار امریکا باردیگر بمنظور ضربه زدن به انقلاب بزرگ مردم ما به توطئه تازه ای دست زده است وبا ایجاد بلوا و آشوب بوسیله عده ای اوباش و چماق بدست در شهر قم درصدد ایجاد تفرقه و دودستگی در میان مردم ، تضعیف و هتک حرمت از رهبری انقلاب برآمده است .

ماباردیگر اعلام میداریم که پیروی از خط قاطع امام خمینی رهبر آشتی ناپذیر انقلاب شکوه مند ما شرط پیروزی بر امپریالیسم خونخوار امریکا ، دشمن اصلی همه خلقهای جهان است . ماباردیگر هموطنان عزیز را به هشیاری انقلابی و اتحاد علیه امپریالیسم امریکا، ضد انقلاب و سازشکاران رنگارنگ حامیان نفوذ امپریالیسم در ایران فرا می خوانیم واز همه اعضا و هواداران و جوانان مترقی وضد امپریالیست می طلبیم که در راه پیمائی فردا صبح شنبه 15 دیماه 1358 که بدعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم علیه دشمنان سوگند خورده انقلاب انجام میگردد شرکت کنند

زنده باد خط ضد امپریالیستی و قاطع امام خمینی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران 14/ 10/ 1358

(مردم شماره 136، یک شنبه 16 دیماه 1358)

[کیومرث زرشناس ، دبیر اول سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در تابستان 1367 در زندان اوین به خلق آویزان شد روانش شاد باد]

بختیار، تک خال جدید امپریالیسم امریکا

(مردم ، شمار 164 ، دو شنبه 22 بهمن ماه 1358)

امپریالیسم امریکا،

امپریالیسم امریکا است

(مردم شماره 174، شنبه 4 اسفندماه 1358)

باردیگر آ زیر میدهم :

امپریالیسم امریکا در کمین انقلاب ایران

ممکن است توطئه های خطرناک تری هنوز در پیش باشد

(مردم شماره 180، شنبه 11 اسفند ماه 1358)

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

(مردم شماره 185 و 186، پنج شنبه 16 و 18 اسفند ماه 240، چهارشنبه 31 اردیبهشت 1359 و 1358)

برای مجلس شورای ملی ، مردم به چه کسانی رای می دهند؟

نماینده مجلس شورای ملی، اگر ضد امریکائی نباشد، نماینده ملت نیست

(مردم شماره 189، سه شنبه 21 اسفندماه 1358)

خطر امریکا . باقی است . فوری است . جدی است .

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا . تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود.

سپاه پاسداران باید تقویت شود.

(مردم ، شماره 230، شنبه 20 اردیبهشت 1359 و شماره های 233، 234، 243)

در سالروز قیام خونین 15 خرداد مردم یکپارچه و مصمم شعار میدادند:

مرگ بر امریکا، دشمن اصلی ما

درد بر خمینی ، سلام بر شهیدان

(مردم ، شماره 252 ، شنبه 17 خرداد ماه 1359)

کمونیستهای امریکائی در کنار هواداران حزب توده ایران ، امپریالیسم امریکا را محکوم کردند.

امپریالیسم امریکا خود را برای اقدامات تجاوزکارانه تازه علیه ایران آماده میکند

ضرورت دفاع از انقلاب حکم میکند که هرچه زودتر عوامل امپریالیسم امریکا در ایران سرکوب شوند

(مردم ، شماره 261 ، چهارشنبه 28 خرداد ماه 1359)

دشمن اصلی - امپریالیسم امریکا - را فراموش نکنیم

چرا مطبوعات ، امپریالیسم امریکا را بفراموشی سپرده اند؟

(مردم ، شماره 266 ، سه شنبه 3 تیر ماه 1359)

بر اساس اسناد بدست آمده ، میسیونرهای مذهبی از جمله مراکز جاسوسی امپریالیسم امریکا در ایران بودند:

میسیونرها با گروهی از افسران ارتش ، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشتند .

چندی پیش یک مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران که تحت پوشش فرهنگی - تربیتی (اندیشه) به فعالیت های جاسوسی علیه انقلاب ایران مشغول بود، کشف شد. بر اساس اسنادی که از این مرکز جاسوسی بدست آمد؛

میسوینرهای مذهبی در ایران برای سازمانهای جاسوسی « سیا » ، « موساد » و « اینتلجنس سرویس » جاسوسی می کردند

(مردم، 319 ، پنج شنبه 6 شهریور 1359)

توطئه امریکا - بکمک لیبرال ها - علیه انقلاب ، در همان آغاز انقلاب فاش میشود

(مردم ، 331 ، شنبه 22 شهریور 1359)

شناخت دشمن اصلی - امریکا - مهمترین ویژگی خط امام

هربار که نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب میکوشند دشمن اصلی را از زیر ضربه خارج کنند، امام خمینی تاکید میکند : « امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است »

(مردم شماره 335 چهار شنبه 26 شهریورماه 1359)

طرح امریکا برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس خطرست جدی و فوری

سپاه پاسداران اصفهان فاش کرد : نقشه « سیا » برای ایجاد جنگ داخلی در ایران :

رئیس سازمان سیا : تمام تخم های یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است

سازمان سیا نقشه و عکسهای هوائی فرودگاه ها و پایگاه های هوائی ایران و اسامی خلبانان ایرانی را در اختیار دارد

(مردم شماره 403، چهارشنبه سوم دیماه 1359)

خطر امریکا جدی، فوری و باقی است

باید همگان را در مقابل تلاشهای خائنانه ضد انقلاب و خرابکاری و تحریک لیبرالها و مائویستها در ایجاد جبهه داخلی، به اتحاد دعوت کرد

(مردم شماره 405، شنبه 6 دیماه 1359)

هشدار! هشدار!

امریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم است

مردم قهرمان ایران ! زیر پرچم امام خمینی متحد شویم . در این صورت، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند

(مردم شماره 409، پنج شنبه 11 دیماه 1359)

امپریالیسم امریکا پشت دروازه های میهن انقلابی ماست

* رسانه های گروهی امریکا با تبلیغات بیسابقه ای افکار عمومی امریکا را برای مداخله نظامی در ایران آماده میکنند

* نیروهای نظامی امریکا، که در شرایط جغرافیائی مشابه خلیج فارس تمرین میکنند، بسرعت آماده انجام عملیات میشوند

* با اتحاد همه نیروهای خلق، زیر رهبری امام خمینی، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.....

دفترنامه « مردم » هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

(مردم، شماره 416، یکشنبه 21 دیماه 1359)

تیتربزرگ صفحه اول:

امپریالیسم امریکا هنوز به روی کار آمدن لیبرال ها در ایران امیدوار است !

تاکتیک دوگانه « مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب » امپریالیسم امریکا را مردم انقلابی و آگاه ما شناخته اند و آماده اند که با مقاومت متحد خود هر دو تاکتیک اهریمنی امپریالیسم امریکا را با شکست روبرو سازند

(مردم شماره 419، چهارشنبه 24 دیماه 1359)

دوسال بعد از فرار طاغوت:

هنوز بعد از شاه نوبت امریکا است

(مردم، شماره 420، پنجشنبه 25 دیماه 1359)

برای مقابله با توطئه های امپریالیسم امریکا، تشکیل جبهه ضد امپریالیست با کشورهای عضو جبهه پایداری از خواسته های مبرم روز است .

امریکا به نیروهای واکنش سریع در مصر و اسرائیل آماده باش داد

کیسینجر در قاهره با او ایسی درباره سرنگونی جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرد

(مردم شماره 422، یکشنبه 28 دیماه 1359)

بخش سوم: اندریاب ساواک واردوگاه های کاراجباری !

افشین شکنجه گرمعروف ساواک در تظاهرات ضد امریکائی ، شعار ضد شوروی میداد

(مردم شماره 82، شنبه 12 آبان ماه 1358)

تختی پهلوانی که در قلب توده ها جای جاودان خود را بازیافته است : 12 سال از شهادت تختی می گذرد و هنوز از قتل او فاش نشده است .

... ساواک سرانجام راه شهادت تختی را یافت . روز 17 دیماه سال 1336 روزنامه های تهران نوشتند ، « **تختی خودکشی کرد** » خبر ظاهر درست بود . جسد جهان پهلوان را در یک هتل یافته بودند . روزنامه های گوسفندی رژیم با سروصدا به تبلیغ خودکشی تختی باتریاک و قرص خواب آور پرداختند . اما توده هایی که بعد از بخش خبر خودکشی او خود را به پزشک قانونی رسانده بودند ، دهان به دهان از پزشک قانونی نقل کردند که جای ضربه در پشت گردن او و چند جای بدنش دیده شده است . ساعتی بعد علیرغم جنجال بلندگوهای تبلیغاتی رژیم ، همه به همه می گفتند : « **تختی را ساواک کشت** »

(مردم شماره 137، دو شنبه 17 دی ماه 1358)

لیست ساواکیها را منتشر کنید !

این خواست کلیه علاقمندان به سرنوشت انقلاب ماست

(مردم شماره 96، دو شنبه 28 آبان ماه 1358)

برای ساواکی ها اردوگاه کار اجباری بسازید

(مردم شماره 185 و 186، پنج شنبه 16 و 18 اسفند ماه 1358)

[این شعار و تقاضا تقریباً در اکثر شماره های مردم دیده میشود]

ما هشدار میدهیم !

نقشه های ضد انقلاب

آتش زدن خرمینها و کشتزارها، ایجاد اغتشاش در شهرها، ایجاد اغتشاش در مناطق اقلیت های ملی

در روستاها عمده ترین بخش این اقدامات آتش زدن کشتزارها و خرمنهاست . باینکار ضد انقلاب میخواهد

– دهقانان را خانه خراب کند وازانقلاب روگردان سازد

– دشواریهای دولت جمهوری اسلامی را تشدید کند

– کشور را دچار مصیقه خواربار سازد

(مردم ، شماره 241، پنجشنبه 1 خرداد 1359)

ضد انقلاب را سرکوب کنید ، قبل از آنکه فرصت توطئه یابد

« یکی از اتباع اسرائیل در نامه ای که به شورای انقلاب اسلامی ارسال داشته واین نامه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول خرداد منتشر شده ، فاش میکند که :

برحسب دستورات مستقیم کارتر، برای سرنگونی رژیم آیت الله خمینی نقشه ای تهیه شده است »

[روکردن این نوع «اسناد» همیشه از شاهکارهای حزب توده بود! . « یکی از اتباع اسرائیل » !!! نقشه کارترو اسرائیل را رومیکند! یا «یک ساواکی فعال»؟!] دنباله مقاله را بخوانیم :

« چنانکه گواه آن بودیم ، این نقشه زیر عنوان « نجات جان گروگانها» وارد عمل شد ولی درنیمه راه ناموفق ماند.

روزنامه « الشعب » چاپ بیروت (چه شماره ، چه تاریخی !)

. . . روزنامه الشعب چاپ بیروت می نویسد : « درآستانه تجاوز امریکا ، ملاقاتی پنهانی میان نماینده ویژه کاخ سفید و شاه سابق صورت گرفت که نمایندگان فرماندهی نظامی مصر و اسرائیل نیز در آن شرکت داشتند ، دراین ملاقات اقدامات مربوط به هماهنگی میان نیروهای انتظامی و گروههای مخالف رژیم انقلابی ایران بررسی شد . . .

نامه یک ساواکی فعال که مجاهدین انقلاب اسلامی آنرا منتشر ساخته ، تأییدی براین مطلب است . ساواکی فعال می نویسد :

« توجه داشته باشید توطئه گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریباً بالای ساواکی و افسران گارد و نوکرشاهی کرده وزیر چترجیره خواری خود آنها را قرارداده اند ، تا آنها هم تمام افراد زیر دست خود را که فراری و بابه لطف دولت موقت بخشیده شده اند جمع آوری کند . . . ایجاد آشوب در شهرها و شرکت در توطئه ها بعنوان گروه های طرفدار این سازمان یا آن سازمان ویا ظهور در نقش «حرب الهی متحجر» . . . باید قبل از آنکه ضد انقلاب وارد عمل شود، تمام مواضع آنها را درهم کوبید

(مردم ، شماره 244 ، دوشنبه 5 خرداد ماه 1359 ، سرمقاله روزنامه)]

سران ساوک کمیته خرابکاری تشکیل داده اند

(مردم ، شماره 261 ، چهارشنبه 28 خرداد ماه 1359)

الاتحاد، ارگان حزب کمونیست اسرائیل :

مزدوران ایرانی تحت رهبری اویسی در اسرائیل تعلیم می بینند.

(مردم ، شماره 263، شنبه 31 خرداد ماه 1359)

برای ساواکی ها اردوهای کارتشکیل دهید ، دستگاه ساواک را بشکنید، ساواکی ها را معرفی کنید: ... امام خمینی آنگاه که خواست روحانیون بد را به شدیدترین لفظ محکوم کند گفت در چشم من روحانی بد از ساواکی هم بدتر است . چرا مردم از ساواکی ها تا این حد متنفرند؟ علت آنرا نه تنها در نقشی که ساواک در کشتار و آزار بهترین فرزندان ایران داشته است بلکه همچنین در شخصیت کسانی که به عنوان کارمند ساواک سیاست کلی رژیم را دربرحمانه ترین وکثیف ترین شکل ممکن اجرا میکردند باید جستجو کرد . کسانی را بخدمت ساواک می پذیرفتند که باصطلاح معروف بتوانند پستان مادرشان را ببرند، ساواکی سگ درنده رژیم بود

درهمین شماره : تصمیم دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در قطع حقوق بازنشستگان ارتش، ژاندارمری و شهربانی جمهوری اسلامی ایران که ساکن خارج از کشور هستند، اقدامی مثبت علیه فعالیت این ضد انقلابیون و کاهش صدور ارز به خارج از کشور است .

درادامه محاکمه عاملان فاجعه سینمارکس :

طرح عملیات ساواک درجنایت سینما رکس فاش شد

(مردم، 322 ، دو شنبه 10 شهریور 1359)

[انتقام ساواکی ها !]

لیست ساواکی هارامنشترکنید ، شعاری بود که حزب توده ایران تقریبا هر روز در نامه « مردم » باتیتدرشت خطاب به رژیم اسلامی چاپ میکرد .

وقتی شتر جلوی خانه حزب توده هم خوابید و سران حزب توده بجرم جاسوسی روانه زندان شدند، بر دیوارهای تهران این شعار دیده میشد:

لیست توده ای ها را منتشر کنید !!]

بخش چهارم: اندریاب بندوراهنمائی و راه گشائی !

درتاریخ همیشه دو نوع مذهب وجود داشته :

(1) مذهب وعاظ السلاطین که ستمکشان را تخذیرمیکرده تا به بردگی خود خو بگیرند

(2) مذهب خمینی ها که مردم را برضد بردگی وستم برمیانگیخته وبرمیانگیزد

مارکسیست ها با مذهبیونی ازمزمره دوم همگام هستند وباید همگام باشند

(مردم شماره 134، پنج شنبه 13 دی ماه 1358)

پاکسازی ارتش ضرورت انقلابی مبرم

پاکسازی ارتش - دریک کلام - ضرورت انقلابی است که باید بدون فوت کمتری وقت ، بانهایت جدیت ودقت وبه وسعتی که تمامی ارتش را آماده برای نوسازی کند ، با قاطعیت انجام گیرد

(مردم شماره 180، شنبه 11 اسفند ماه 1358)

اعلامیه کمیته مرکزی: وحدت عمل انقلابی راباید دردانشگاهها احیا وتقویت کرد

درهنگامیکه ملت ما درنبرد بغرنج و دشواری بامپریالیسم خونخوارامریکا وهمه دستیاران امپریالیستش، ازاروپای غربی گرفته تا ژاپن، درگیراست ودرزمانی که طبق رهنمود بادرایت امام خمینی، درپیام بمناسبت قطع رابطه بامریکا، اتحادوهمبستگی همه نیروهاو هواداران همه مسلکها، برای مقابله با شیطان بزرگ به یک ضرورت تاریخی مبرم بدل شده است، باکمال تاسف تشنج شدیدی سراسردانشگاهها ومراکزآموزش عالی کشوررا فراگرفته است

. . . نهادهای طاغوتی دردانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور، میتوان گفت هنوزدست نخورده باقیست . این نهادها باید متناسب با نیازهای مبرم انقلاب ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی میهن ما ازبنیاد دگرگون شوند. دردانشگاهها ومراکز آموزش عالی کشورهنوز عناصر طاغوتی بسیاری مقامهای مسئول و کرسیهای تدریس را دراختیار دارند . این عناصر باید تصفیه شوند... این یک واقعیت است که بخش مهمی ازاداره کنندگان نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی فردای ایران مستقل دردانشگاهها ومراکزآموزش عالی کشور تربیت میشوند ودراین زمینه نقایص جدی وجود دارد ولی بنظرما، واقعیت دیگرآنست که بخش عمده و تعیین کنند اداره کنندگان کشورما دردانشگاهها و مراکزآموزش عالی کشورهای امپریالیستی یعنی کشورهائی که دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران هستند، تربیت میشوند . هم اکنون اکثریت مطلق مهمترین مقامات مسئول را تحصیل کرده های امریکای جهانخوارو اروپای غربی همدست امریکا تشکیل میدهند. هم اکنون تعداد دانشجویان ایرانی که درامریکا و اروپای غربی به تحصیل مشغولند ،

بمیزان زیادی ازمرز صد هزار تجاوز کرده و سالیانه میلیاردها تومان برای مخارج آنان از محصول دسترنج ملت ما و ثروت ملی ما برای تحصیل و زندگی آنان ازکشور خارج میشود . ولی همانطورکه میدانیم باکمال تاسف ، تاکنون فقط درصد ناچیزی ازاین فارغ التحصیلان ودانش جویان درخط دفاع ازدستاوردهای انقلاب ایران باقی مانده اند ودرآینده باقی خواهند ماند.

این واقعیت بما هشدار میدهد که توجه بیش ازحد به یکطرف امرو نادیده گرفتن طرف دیگر- که جهت عمده نیزهست - مسائل ومشکلات را حل نمیکند.

(مردم شماره 215، یکشنبه 31 فروردین ماه 1359)

پیشنهاد جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره مذاکره با ایران ، ابتکارمهمی است که باید از آن استقبال کرد

(مردم شماره 240، چهارشنبه 31 اردیبهشت 1359)

سینما های ایران درتسخیر فیلم های امپریالیستی

از69 فیلمی که درتهران نمایش داده میشود، 59 فیلم متعلق به کشورهای امپریالیستی است، که ازاین تعداد، 31 فیلم امریکائی است .

درمرکز، جنوب، غرب وشرق تهران حتی یک فیلم مترقی هم نمایش داده نمیشود.

ازمیان 69 فیلم روی پرده ، تنها 6 فیلم آن مترقی است .

(مردم ، شماره 253 ، یکشنبه18 خرداد ماه 1359)

درد بر پاسداران صدیق و جانباز انقلاب

پاسداران انقلاب تاکنون وظایف مهمی رادردفاع ازدستاوردهای انقلاب ، درمقابل توطئه های ضد انقلاب انجام داده اند

پاکسازی صفوف سپاه پاسداران، وظیفه مبرم وعاجل مسئولان امراست

درفردای انقلاب وحتى مدتها بیش از آن ، ازدل کوچه ها، ازمیان زحمتکشان، نیروی خلقی برای سرنگونی رژیم منغورسلطنتی وسپس پاسداری ازدستاوردهای انقلابی که باخون 70.000 شهید آبیاری گردیده بود ، جوشید

(مردم ، شماره 260 ، سه شنبه 27 خرداد ماه1359)

چه دست هائی درکارایجاد تشنج اند ؟

ضد انقلاب میکوشد باعمده کردن مساله « حجاب اسلامی » خودرااززیرضربه خارج سازد و باایجاد تشنج ونارضائی انقلاب ورهبری انقلاب را آماج حمله کند .

(مردم ، شماره 274، شنبه 14 تیرماه 1359)

اعلام جرم نسبت به آقای صادق قطب زاده

جناب آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور

آقای صادق قطب زاده وزیرامورخارجه جمهوری اسلامی ایران، بکرات به بهانه ها وعناوین مختلف درمجموع حزب توده ایران ومسئولین آنرا، بنام ، با فحش و افترا وتوهین مورد حمله قرار داده ودراین رابطه الفاظ رکیک وخارج ازنزاکت بکاربرده که دراکثر مطبوعات کشور مانند کیهان ، اطلاعات ، بامداد، جمهوری اسلامی وغیره درج گردیده است .

درشان جمهوری اسلامی که خودرا پای بند معنویات میداند نیست که وزیرش مفتری دروغ پرداز باشد وحتى عفت کلام ونزاکت را رعایت ننماید .

این اعمال آقای قطب زاده همچنین مخالف نیت واوامر امام خمینی است که درهرفرصت مردم را باتحاد واتفاق ومبارزه علیه امپریالیسم امریکا دعوت نموده وآنانرا ازنفاق ونفاق افکنی برحذر داشته وتصریح نموده است که همه قلمها وسلاحها باید علیه امریکا نشانه روی شود نه علیه مبارزین.

بنابمراتب بالا بدینوسیله علیه آقای قطب زاده اعلام جرم میکنیم ومصرانه خواستاریم طبق قوانین ومقررات مربوط مورد تعقیب جزائی قرارگیرد وبه مجازات وپرداخت خسارات معنوی محکوم گردد .

اسناد ارتکاب جرم تقدیم بازپرس مربوط خواهد گردید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیر اول ، نورالدین کیانوری .

رونوشت : دادستان تهران

تیتیر مقاله دیگری در همین رابطه :

آیا سیاست وزارت امور خارجه ایران در راه منافع انقلاب و جمهوری اسلامی است ؟

(مردم ، شماره 275 ، یکشنبه 15 تیر ماه 1359)

قطب زاده مخفیانه درسوئیس با بختیار ملاقات کرد:

روزنامه گتی اولوس چاپ ترکیه گزارش میدهد که در تاریخ بیستم و بیست و یکم ژوئن، صادق قطب زاده با بختیار جنایتکار و سازماندهان کودتای ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران درسوئیس ملاقات کرده است. این روزنامه می نویسد که در این ملاقات مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است و شرکت کنندگان توافق کرده اند که برای همکاری ضد انقلابیون داخل و خارج ایران به منظور سرکار آوردن رژیم سرسپرده امریکا تشریک مساعی کنند. این روزنامه همچنین گزارش میدهد که قطب زاده در جریان اقامت خود در نروژ و سوئد در نیمه اول ماه ژوئن ، محرمانه با نمایندگان دولت امریکا دیدار و گفتگو کرده است، این روزنامه می افزاید که قطب زاده معتقد است که مقاومت «ناپردانه» علمای مذهبی ایران به رهبری آیت الله خمینی مانع عمده در راه برقراری مجدد مناسبات ایران و امریکا است .

به نظر میرسد که این آخرین تلاشهای آقای قطب زاده برای پیشبرد سیاست آمریکائی «نه شرقی فقط غربی» اوباشد. قطب زاده تاکنون بخوبی در جهتی عمل کرده است که با اهداف امپریالیسم امریکا در ایران تطبیق میکند، وی برای در خواب کردن مردم و منحرف کردن اذهان و جدا کردن انقلاب ایران از متحدان خویش در جهت توصیه برژینسکی است که زمینه را برای پیروزی توطئه های امپریالیسم امریکا ایجاد میکند از هیچ کوششی دریغ نورزیده است و . . . اکنون؟

به نظر میرسد که « پیروزی های » آقای قطب زاده به پایان نزدیک می شود . این طور نیست ؟

(مردم ، شماره 293 ، یکشنبه 5 مرداد 1359)

[در رابطه با قطب زاده ، نامه مردم در یکی از شماره های خود _ که متأسفانه در آرشیو من نیست _ خبری باین مضمون منتشر کرده بود :

« روزنامه دیلی پست _ یا چیزی شبیه این نام _ چاپ قبرس خبر میدهد که قطب زاده با سیا در ارتباط بوده و مامور سیا است»

سؤال اینجاست که آیا اصولاً روزنامه ای بنام « دیلی پست » در قبرس وجود دارد ؟ و اگر وجود دارد در چه شماره و چه تاریخی این مطلب رانوشته است ؟ و مهمتر از همه بر پایه چه سند و مدرکی ؟

دردوران دانشجویی یکی از رفقای توده ای در جلسه انجمن دانشجویان در پشت تریبون از پیشرفت صنایع شوروی ارقام نجومی ارائه داد که واقعاً نجومی بودند!

پس از ختم جلسه در قهوه خانه ای پرسیدم رفیق این ارقام را از کجا گرفته ای ؟ در پاسخ گفت ارقام را خودم رقم زده ام !! . گفتم خوب حال اگر دوستان چپه ملی یا سوسیالیست منبع ارقام را از تو خواستند، چه جوابی میدهی ؟ گفت : میگویم ماهنامه کومسلوف نشریه دانشجویان شوروی . حالا بروند نشریه و ارقام را پیدا کنند !!]

آموزش نظامی و تامین سلاح سپاه پاسداران ازوظایف ارتش است

ارتش موظف به آموزش نظامی کمیته ها و ارتش 20 میلیونی است

(مردم ، 323 ، سه شنبه 11 شهریور 1359)

تقویت سپاه پاسداران ، تحکیم انقلاب است

زمانی که حرکت خروشان توده ها ، بساط خیانت دودمان پهلوی و خدایگان آن ، امپریالیسم امریکا را از سر راه روید، برآسمان انقلاب ، ستارگانی پدیدار شدند، که پاسداران انقلاب اسلامی؛ نام گرفتند

(مردم ، 326 ، شنبه 15 شهریور 1359)

کشورهای سوسیالیستی درهفتمین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران انواع لوازم و صنایع موردنیاز ایران را عرضه داشتند واعلام کردندکه آماده اند، بدون هیچ شرط سیاسی، همه صنایع سبک وسنگین را دراختیارایران بگذارند.

اکنون وقت آنست که بایستن قراردادهای برابرحقوق وباسود متقابل باکشورهای دوست، زمینه برای استقلال کامل اقتصادی ایران فراهم شود.

(مردم شماره 354 شنبه 19مهرماه 1359)

بخش پنجم: اندریاب واقع نگری، ازجمله سینما رکس!

دردومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان:

باانحد انقلابی خلق، توطئه های امپریالیسم امریکا را افشا وسرکوب کنیم

محاکمه ومجازات سریع عاملین فاجعه سینمارکس خواست مردم ایران است

دیروزدومین سالروزکشتارسینما رکس آبادان وروز تجلی خشم خلق بود. تجلی خشمی که ازشینه های سوزان مردم قهرمان ما بصورت فریادهای « مرگ برامریکا» زبانه کشیده وقلب دشمنان انقلاب راآماج شعله های خویش کرد. تجلی خشمی که پس ازگذشت 2 سال ازفاجعه کشتارمردم بیگناه درسینما رکس آبادان، هنوزجوشندگی و توفندگی روزهای نخست خودرا حفظ کرده بود.

دیروزمردم اهوازوآبادان؛ به دعوت ارگانهای انقلابی شهر؛ عزای عمومی برپا داشتندوطی یک راه پیمائی باشکوه، به سوی مدفن صدها تن ازمردان ، زنان، پیران، جوانان وکودکانی که درآتش جنایت امپریالیسم سوختند، شتافتند.آنان یکپارچه ومصمم برسرمزار آن عزیزان پیمان بستند که تانابودی کامل تمام وابستگی ها به امپریالیسم امریکا، تاسرکوب تمامی عوامل ومزدوران شیطان بزرگ وتاپیروزی کامل انقلاب ضدامپریالیستی وخلق ایران ازپا ننشینند ومبارزه خودرا علیه تمامی دسایس وتوطئه های شیطانی امریکای جنایتکارادامه دهند.

مردم قهرمان خوزستان خواهان محاکمه سریع وانقلابی عاملان این جنایت هولناک شدند و خاطره قربانیان بیگناه فاجعه سینما رکس رادرفریادهای رزم ودلاوری خود گرامی داشتند.

دیروزدومین سالگرد سینما رکس بود. فاجعه ای که درآن 1000 تن ازمردم ایران، درآتش نفرت امپریالیسم نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم ایران سوختندوداغ ننگ دیگری برپیشانی رژیم وابسته وجنایتکارشاه مخلوع باقی گذاردند.

دوسال پیش درچنین روزهایی عمال جنایتکارشاه مخلوع، این دست پروردگان مکتب جنایت و شقاوت امپریالیسم امریکا، به کردار اربابان هیتلر منش خود، درسینما رکس آبادان کوره آدم سوزی برپا کردند، راههای فرارمردم بیگناه را که به تماشای فیلم مشغول بودند، بستند وباگازهای مخصوصی که ا زاسرائیل واردکرده بودند، بیش از1000 تن ازشاچیان سینما را به آتش کشیدند. آنها میخواستند که بااین جنایت هولناک ضدبشری به خیال خود ازشوئی عزم مردم ایران درسرنگونی بساط ظلم وغارتگری رژیم شاه سابق را سست کنند، و ازشوی دیگربانداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزین ضد امپریالیست و ترقیخواه ایران ، بین صفوف متحد خلق درنبرد با امپریالیسم امریکا ورژیم وابسته اش تفرقه بیندازند. تبلیغات بلند گوهای مزدوررژیم گذشته دراین جهت بخوبی نمایانگرمقصود پلید این سیه دلان بود. اما باوجود تمامی این فعالیتها، نقشه آنان باشکست مواجه شد و« رایشتاک» شاه سابق، برخلاف انتظارش، بدل به آوار مهیبی گشت، که برسراو رژیم فاسد ومزدورش ویران شد.

گورستان آبادان، که رژیم میخواست ازآن صدای نوحه وناله بازماندگان فاجعه برخیزد، انعکاس دهنده خشم ونفرت خلق گشت. غرش « مرگ برشاه» و « مرگ برپهلوی خائن» فضای شهررا به لرزه درآورد و رژیم شاه سابق را بیش ازپیش به وحشت انداخت. یورش مکرر دژخیمان شاه سابق به گورستان آبادان، تیراندازی به سوی مردم بیگناهی که درپی این حادثه به خیابان ها ریخته بودند وسرانجام صحنه سازیهای دلکان درباری برای سرپوش گذاردن براین جنایت عظیم، همگی بیانگر ضربت مهلکی بودکه این فاجعه، برعکس انتظارعاملانش به رژیم شاه سابق وارد آورده بود.

کوششهای رژیم شاه سابق برای بهره برداری سیاسی از این جنایت، در جهت ایجاد شکاف بین نیروهای خلق برایش سودی نداشت، مردم قهرمان، با اتحاد پولادین و نبرد حماسه آفرینشان، غول بزرگ تجاوز، غارت و جنایت را سرنگون کردند و ضربه سترگ و عظیمی بر پیکر امپریالیسم امریکا وارد آوردند.

بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، مردم قهرمان ما بویژه اهالی خوزستان و بازماندگان شهدای سینمارکس آبادان، انتظار داشتند که دادگاههای انقلاب بطور سریع وقایع جزئیات این فاجعه را روشن کند و عاملین جنایتکارانرا به مجازات رساند، لیکن مقامات مسئول به این انتظار بحق مردم ووقع چندانی نگذاشتند و تظاهرات و درخواست های مکرر مردم برای تشکیل دادگاه مجرمین، تاچندی پیش با بی توجهی روبرو بود. تنها چند هفته پیش دادگاه انقلاب اسلامی آبادان با انتشار لیست 32 نفر از متهمان این جنایت، آنان را احضار کرد. این عمل گرچه با تاخیر بسیار انجام گرفت، لیکن اگر بطور جدی و پیگیر انجام گیرد، میتواند به خواست بحق مردم زجر دیده خوزستان و تمامی مردم قهرمان ایران جامه عمل بپوشاند.

محاکمه و مجازات جنایتکاران این فاجعه هولناک نه تنها بیانگر عزم و شور مبارزاتی خلق در نابودی تمامی عاملین کشتار و شکنجه دوران 25 ساله حاکمیت رژیم شاه سابق است، بلکه نشان دهنده استواری آنان در تصمیمشان برای نابودی و ازهم گسستن تمامی پیوند های اسارت و وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای خونخوار است.

مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی آبادان باید باتوجه به این خواست برحق و انقلابی مردم، بدون هیچگونه مسامحه و سستی، دژخیمان راه پای میز محاکمه کشند.

مادر دومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان، ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان آن و ابراز همدردی با بازماندگان این جنایت عظیم، همپای مردم قهرمان ایران خواستار مجازات سریع عاملان آن هستیم و پیمان می بندیم که در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای جنایتکار، که نقشه های توطئه گرانه اش علیه انقلاب هر روز فزونی می یابد، مانند همیشه منادی اتحاد و تفاهم انقلابی باشیم. اتحاد و تفاهمی که تنها ضامن غلبه توطئه ها و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران است

(مردم شماره 312، چهارشنبه 29 مردادماه 1359)

آغاز محاکمه متهمان فاجعه سینما رکس

سرانجام پس از مدت ها، که از تقاضای گروه های مختلف مردم مبنی بر محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس گذشت، دیروز صبح اولین جلسه محاکمه متهمان، به ریاست و حاکمیت شرع **حجت الاسلام موسوی تبریزی**، در محل سینما نفت آغاز شد.

حجت الاسلام موسوی تبریزی، که حاکم شرع دادگاه انقلاب تبریز نیز هست، در اولین جلسه داگاه از جمله، در مورد توطئه هایی که علیه انقلاب ایران جریان دارد، سخن گفت. سپس **نقیبی** دادستان انقلاب، کیفرخواست تنظیمی علیه متهمین را قرائت کرد.

لازم به تذکر است که از 32 متهم احضار شده به داگاه، تنها 26 نفر در دادگاه حاضر بودند و محاکمه 6 نفر دیگر بصورت غیابی انجام خواهد پذیرفت.

ما ضمن ابراز خرسندی از تشکیل دادگاه انقلاب، برای بررسی این جنایت هولناک، امیدواریم که مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی با قاطعیت و جدید در کشف جزئیات این حادثه شوم و مجازات مسببین آن اقدام کنند و بدین ترتیب باردیگر نشان دهند که دادگاههای انقلاب تبلور خشم توده ها علیه جنایتکاران و مزدوران امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای جهانخوار هستند. محاکمه و مجازات سریع این جانیان پاسخ مثبتی به خواست مردم انقلابی ایران و مخصوصا بازماندگان این فاجعه عظیم خواهد بود.

(مردم شماره 317، سه شنبه 4 شهریورماه 1359)

اعترافات تکان دهنده در محاکمه عاملین فاجعه سینما رکس آبادان

یکی از مامورین آتش نشانی گفت : « وقتی دود از سینما خارج شد، متوجه شدم که بیشتر اجساد در مقابل راهروی خروجی و در خروجی رویهم انباشته و سوخته اند، و این امر میرساند که تماشاچیان چه جنب و جوشی برای خروج از سینما داشتند»

نخستین جلسه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس صبح روز دوشنبه 59/6/3 با شرکت صد هاتن از بازماندگان این فاجعه، در سالن سینمای نفت آبادان؛ به ریاست **حجت الاسلام موسوی تبریزی** تشکیل شد. در این دادگاه به جرائم 34 نفر از متهمین، که 7 نفر از آنها فراری و غایب هستند رسیدگی خواهد شد ... در قسمتی از کیفرخواست حسین تکبعلی زاده، متهم ردیف اول این فاجعه آمده است :

« برابر ادله، شواهد، مدارک و اسناد بدست آمده ؛ آتش سوزی سینما رکس تصادفی و غیر عمدی نبوده، بلکه رژیم گذشته و عوامل سرسپرده آن رژیم و مقامات محلی وقت با تمهیدات قبلی و توطئه حساب شده قصد لوٹ ساختن حرکت انقلابی مردم مسلمان و نیز با آتش زدن سینما رکس قصد بهره برداری تبلیغاتی علیه مردم مسلمان و روحانیت مبارز را داشت »

در قسمتی دیگر از این کیفرخواست ، براساس اعترافات صریح متهم آمده است :

« وی باتفاق سه تن از دوستانش به وسیله « تینر » آغشته بمواد روغنی، سینما را بطور کمر بندی به آتش کشیده و نهایتا منجر به آتش سوزی صدها تن از مردم بیگناه شده، که سه نفر اخیر نیز در آتش سوزی جان می سپارند و حسین تکبعلی زاده موفق به خروج از سینما میشود و خود را از انظار پنهان میکند. وی پس از دستگیری ابتدا مطالبی خلاف واقع و متناقض اظهار میدارد و در تاریخ 57/10/4 با صدور قرار زندانی و در تاریخ 57/11/23 از زندان خارج ولی متعاقبا دستگیر میشود، وی در مراحل بازجویی به آتش زدن سینما رکس اعتراف میکند»

در این جلسه حسین تکبعلی زاده، کارگرنقاش، ضمن اعتراض نسبت به مطرح کردن مسائل خصوصی و خانوادگی ، در دفاع از خود گفت « از شما می خواهم آنهایی را که در بستن درهای سینما دست داشتند، بگیرید. مقصران واقعی آنها هستند، چرا که در غیر اینصورت عده زیادی میتوانند از مرگ نجات یابند» ... متهمین ردیف 2 تا 5 این واقعه براساس کیفرخواست دادستان عبارتند از: متهم ردیف 2 سرتیپ علی اصغر ودیعی رئیس وقت ساواک منحل خوزستان، متهم به شرکت و طرح آتش سوزی و تهیه مقدمات ایجاد حریق سینما و شکنجه و دستگیری مبارزین و تلاش برای تحکیم رژیم منحط پهلوی

متهم غایب ردیف 3، سرتیپ اخراجی شهربانی رضا رزمی؛ رئیس شهربانی های قم و آبادان، متهم به شرکت فعال در آتش سوزی سینما رکس ، کشتار مردم بی دفاع قم و آبادان ، قیام علیه استقلال مملکت

متهم غایب ردیف 4، سرهنگ محمد علی امینی، معاون وقت شهربانی آبادان، متهم به معاونت در آتش سوزی و قتل و آزار مردم

متهم ردیف 5، ستوان یکم بهمنی، افسر کلانتری مرکز در زمان وقوع آتش سوزی، متهم به عدم گزارش به موقع جریان آتش سوزی سینما رکس به آتش نشانی

به غیر از این عده ، 29 نفر دیگر به اتهام شرکت در آتش سوزی سینما در این دادگاه محاکمه میشوند

(مردم شماره 319 پنج شنبه 6 شهریور ماه 1359)

در محاکمه متهمین:

جزئیات و چگونگی به آتش کشیدن سینما رکس آبادان فاش شد

سومین جلسه رسیدگی به پرونده متهمین آتش سوزی سینما رکس آبادان، روز سه شنبه 4 شهریور ماه تشکیل شد .

در این جلسه، حسین تکبعلی زاده، متهم ردیف اول، در جریان دفاع از خود، پرده از جزئیات فاجعه سینما رکس آبادان برداشت . وی پس از توضیح در مورد چگونگی آشنائی خود با چند نفر از عاملین آتش سوزی، جزئیات برنامه آتش زدن سینما سهیلا، که موفق به آتش زدن آن نشدند و چگونگی به آتش کشیدن سینما رکس آبادان را شرح داد.

وی در قسمتی از دفاعیات خود گفت :

« ما اول قصد داشتیم سینما سهیلا آبادان را آتش بزنیم، که بعد از ریختن تینر روی راهروی سینما، که دستنشونی و نوات سینما در آن قرار دارد (منظور سینما سهیلا) هنگام زدن کبریت ، که دوبار این کار را انجام دادیم ، راهرو آتش نگرفت و این به خاطر خشک شدن تینر بود. سپس با چند نفر از دیگر رفقایم، که جهت انجام دادن این کار آمده بودیم ، به علت انجام نشدن نقشه، به بیرون از سینما آمدیم و تصمیمی گرفتیم که تیرا باروغن مخلوط کنیم و روز بعد یعنی 29 مرداد به همین سینما، یعنی سهیلا برویم و نقشه را عملی کنیم»

تکبعلی زاده سپس جریان وقایع شب 28 مرداد 57 را شرح داد و گفت:

« همان شب حدود ساعت 8 بود که من ویدالله و فلاح سرکوچه مان ایستاده بودیم، که فرج آمد، یک شیشه با خود آورده بود و اصرار داشت که همان شب برویم سینما سهیلا را آتش بزنیم، من گفتم فردا اینکار را بکنیم و او اصرار کرد و تصویب شد که همان شب برویم»

رئیس دادگاه: « فکرنمکنید فرج می خواسته حتما همان روز سینما آتش بگیرد؟»

متهم: « نمیدانم ممکن است» و سپس ادامه داد:

« بالاخره قرار شد برویم و فرج رفت و من ویدالله رفتیم جگری محل شام بخوریم. فرج و فلاح آمدند آنجا و دوباره به خانه رفته و همان شیشه ها را پر کردیم . هر کدام یک شیشه برداشتیم و بطرف سینما سهیلا رفتیم ، که بلیط بگیریم. گیشه سینما تعطیل بود و قرار شد برگردیم خانه، ولی فرج گفت بریم داخل شهر گشتی بزنیم، ببینیم چه خبر است. از طرف سینما رکس رفتیم حسینه اصفهانیها بنیم سخنانی هست یانه، چشممان افتاد به سینما رکس، فرج گفت « برویم برای این سینما» و بدون اینکه منتظر شود ما حرف بزنیم ، چهار بلیط گرفت و رفتیم داخل سالن نشستیم ، یکرعب بعد که تقریبا اوایل فیلم بود، فرج گفت « بلند شویم برویم وقت آن است »

رئیس دادگاه : « چقدر طول کشید فرج رفت و برگشت ؟ »

متهم : « حدود 10 دقیقه »

رئیس دادگاه : « فقط رفت دستشویی و برگشت و نمی دانید جای دیگری رفته و با کسانی حضورا و یا تلفنی حرف زده باشد ؟ »

متهم : « نمیدانم و نمی توانم نظری بدهم »

رئیس دادگاه : « فکر نمی کنید که آنموقع ، موقع رفتن دستشویی نبوده و برنامه ای داشته ؟ »

متهم : « من نظری ندارم و نمیدانم »

رئیس دادگاه : « نکته همین جاست که طرف بانهایت شدت اصرار داشته همان روز نقشه عملی شود و وقتی سینما سهیلان شده ، به سراغ سینما رکس آمدند و در این ده دقیقه که از داخل سالن بعنوان دستشویی بیرون رفته ، چه کرده و با چه کسی صحبت کرده و چه کار کرده ؟ »

سپس متهم ادامه داد : « نصفه های فیلم بود که گفت بیرون برویم »

رئیس دادگاه : « پس از برگشتن از توالت چقدر نشست و بعد گفت برویم بیرون ؟ »

متهم : « حدود 15 تا 20 دقیقه »

سپس **حسین تکبعلی زاده** چگونگی پخش تینر و غنی در سالن انتظار و آتش زدن سینما را شرح داد و گفت :

« فرج ویدالله رفتند داخل سالن نمایش و من زودتر از فلاح مواد را ریختم. سومین نفری که مواد را زودتر تمام کرد ، من بودم و آدمم سر آن پیچ دوسالن ، آنجا ایستادم و نگاهی به اطراف کردم ، اما هیچکس نبود. بعد فلاح هم موادش را تمام کرد و من کبریت زدم. وقتی کبریت را انداختم ، تقریباً دور تا دور سالن آتش گرفت ، گر گرفت »

تکبعلی زاده در مورد وحشت و هیاهوی تماشاچیان داخل سینما گفت :

« بعد که صحنه آتش را دیدم وحشت زده داخل سالن نمایش دویدم. فلاح را در آنجا ندیدم و بالاخره جسدش هم پیدا نشد. نشستیم پهلوی فرج ویدالله . خواستم به آنها بگویم و داد بزنم ، اما نمیتوانستم . دوسه دقیقه بعد یک نفر از پشت در داد زد که سینما آتش گرفته است . تماشاچیان همه جیغ کشیدند و به طرف پرده سینما ، که به درخروجی ختم میشد ، رفتند و به حساب خود میخواستند از آنجا بیرون بروند »

در این موقع مادران چند تن از شهدای این فاجعه بشدت منقلب شده بودند و یکی از آنها فریاد زد :

« کثافت ، هنوز صدای آنها را می شنوی ! »

هنگام دفاعیاتش ، چند بار تشنج به **حسین تکبعلی زاده** دست داد ، بطوری که نتوانست به دفاعیات خود ادامه دهد. به همین سبب چند دقیقه به نامبرده استراحت داده شد تا بتواند بر اعصاب خود مسلط شود.

متهم در ادامه دفاعیاتش ، چگونگی فرار خود را از سینما شرح داد . او گفت :

« وقتی مردم بادر بسته سینما مواجه شدند ، به طرف دیوار سینما ، که پشت آن به خیابان امیری آبادان متصل است رفته ، تا آن را خراب کنند و نجات یابند و در این لحظه فیلم قطع شده بود و چراغها روشن شد ویدالله پهلوی من بود شاید فلاح در آتش سوخته بود و من دیگر اورا ندیدم. بعد یدالله گفت یک کیسول آتش نشانی نزدیک دری است که به بالکن میخورد و یدالله کیسول را برداشت که شاید از آتش جلوگیری کند و در این لحظه چندتن از تماشاچیان بالگد زدند و در « 30 ریالی » را شکستند و عده ای هجوم بردند بطرف در ، که من هم در اثر فشار آنها بیرون آمدم »

رئیس دادگاه : « وقتی شما سینما را آتش زدید ، چرا با وحشتی که داشتید ، دوباره داخل سالن نمایش شدید ؟ »

متهم : « نمی دانم ، همینطوری رفتم داخل و فرج گفته بود که کبریت بزن و بیا داخل »

رئیس دادگاه : « کسانی که طراح این نقشه بوده اند و بوسیله افرادی مانند حسین متهم ردیف اول ، که این طرح را پیاده کرده اند ، حتی نمیخواستند یکی از این افراد هم زنده بماند ، که مبادا روزی گوشه ای از این طرح ننگین برای ملت شکافته شود و فرج هم که اصرار داشت در همان روز قضیه اتفاق افتد ، چرا به ایشان گفته بعد از آتش زدن داخل بیا ؟ جز این است که این آقایان برنامه ای تنظیم کرده و پیاده کرده اند ، چیز دیگری نمیتوان گفت »

رئیس دادگاه سپس در مورد مواد آتش زای شیشه از متهم سنوال کرد : « فکر میکنید که مواد داخل شیشه های کوچک می توانسته سینما را آنطور آتش بزند ؟ همانموقع توسط کارشناسان وقت گفته شد که موادی میتواند اینقدر سریع وقابل

اشتعال باشد، مانند بنزین واکتان، که پوست بدن و همه چیز را می سوزاند، آیا با دوستان خود مانند فرج یادت نمی آید که حرفهائی دراین مورد زده باشید واطلاع دارید که یکی ازبستگان فرج ساواکی بوده باشد؟»

متهم: « اوساواکی نبوده، بلکه بوسیله ساواک دستگیرشده و مسئله به اینصورت نبوده»

رئیس دادگاه: « او (فرج) نگفته بود که « تینر» را ازکجا خریده ودرکجا مخلوط کرده بود؟ »

متهم : « نمیدانم کجا، ولی وقتی آورد، مخلوط کرده بود»

رئیس دادگاه : « ازکجا فهمیدید مواد « تینر» بوده وچیزدیگرنبوده ؟ »

متهم: « فرج گفته بود « تینر» است »

رئیس دادگاه : « کارشناسان گفته اند بنزین هواپیما بوده»

متهم: « نمیدانم. من به گفته فرج اکتفا کردم»

رئیس دادگاه: « تو مواد را بونکردی»

متهم : « بوی موادی که داخل سینما سهیلا ریختم، مشخص بود که مال « تینر» است »

رئیس دادگاه: « بوی مواد سینما رکس رانفهمیدید؟»

متهم : « نه »

دنباله جلسات دفاعیات متهم ردیف اول ودیگر متهمان به جلسه بعدی دادگاه موکول شد.

(مردم شماره 320 شنبه 8 شهریورماه 1359)

یکی ازشهود دادگاه ویژه فاجعه سینما رکس گفت :

بعضی ازکسانی هم که ازسینما خارج شده اند، توسط ساواک کشته شده اند

درادامه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس آبادان؛ که درروزجمعه 7 شهریورماه تشکیل گردید، نکات تازه ای ازاین فاجعه فاش شد.

دراین جلسه دادگاه، یکی ازشهود، که خودشب حادثه شاهد آتش سوزی بودگفت:

« هنگامی که به تنهائی برای خاموش کردن آتش سالن انتظارسینما، که درآتش میسوخت، ازپلکان بالارفته وقسمتهائی ازسالن انتظاررا خاموش کردم، که ناگهان شیئی محکم به سرمن اصابت کرد ودیگرچیزی نفهمیدم. وقتی چشم بازکردم، خودم را دربیمارستان یافتم، هنگامی که دربیمارستان بودم، پس ازمدتی چند مامورشهربانی به بیمارستان آمده ومرا باخود به شهربانی برده و مورد بازجویی قراردادند»

اوسپس ادامه داد: « ممکن است بعضی ازکسانی که ازسینما خارج شده اند نیز توسط ساواک وماموران دیگر کشته ودفن شده باشند، خودمن شب بعد ازحادثه درگورستان بودم وگروهی را که لباس شخصی ولباس ماموران ژاندارمری به تن داشتند، دیدم که سه جسد رابه گورستان آورده ودرحالی که درون پارچه ای پیچیده بودند، دفن کردند»

درادامه شهادت شهود، محمد بذرکار، برادرفرج بذرکار، یکی ازاعمالان فاجعه، که درسینما سوخته است درجایگاه حضوریافت اוגفت :

« من یکی ودوهفته قبل ازوقوع حادثه متوجه شدم که فرج برادرم با حسین ارتباط دارد و اعلامیه های امام را می خوانند وبه سخنرانیه ونوارها گوش میدهند، ولی مادرم ازاین موضوع خبرنداشت، تا اینکه شب فاجعه من خواب بودم که مادرم ناگهان مرا بیدارکرد وگفت « محمد بلند شو فرج نیست» . گفتم « مگرچطورشده؟ »

گفت « سینما رکس آتش گرفته » . صبح آنروز مادرم به گورستان شهررفت ومن درمنزل ماندم. چندساعت بعد رحیم میرصفیانی پسردائی من آمد خانه وبه من فوری گفت : هرچه کتاب واعلامیه هست جمع کن وببربیرون، چون ممکن است که ماموران حمله کنند به اینجا. فردای روزحادثه شنیدم که حسین فرارکرده و فرج وفلاح و یدالله که بااوبودند، سوخته اند»

اوسپس ادامه داد: « مساله مهم این است که حسین دردفاعیاتش گفته غیرازما چهارنفرکسی خبرنداشت . پس رحیم میرصفیانی چرا روز بعد ازحادثه بجای اینکه به مردم شهرداغدیده ها کمک کند واجساد راازسینما بیرون آورد و به گورستان

ببرد، به منزل ما آمد و به من گفت: «اعلامیه ها را جمع کن و ببر؟ این میرساند که ایشان، که ساواکی هم بوده است، دراین ماجرا دست داشته است»

درپی اطلاعات تازه برادرفرج، رحیم میرصفیانی طبق دستور دادستان دستگیرشد و تحت بازجویی قرار گرفته است

(مردم شماره 321 یکشنبه 9 شهریورماه 1359)

درادامه محاکمه عاملان فاجعه سینما رکس

طرح عملیات ساواک درجنایت سینما رکس فاش شد

یازدهمین و دوازدهمین جلسه محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس آبادان، دیروز و پریروز، درآبادان پشت سرگذاشته شد. درجلسه یازدهم محاکمه، ابتدا یکی ازشهود بنام حسین نجارزاده احضارشد. وی طی سخنانی گفت:

«آنشب شاهد بودم که همه ماموران فحش میدادند، آنها به امام هم فحش میدادند که چراخودش همراه بامردم درآتش نمیسوزند»

سپس متهم ردیف هفتم، بنام سرگرد مسعود خنیفر، به جایگاه احضارشد. وی ازجمله گفت:

«... نمیدانم این آتش نشانی پالایشگاه که درخاورمیانه پی نظیراست، چطورشد که سینما را خاموش نکردند! عملیات پلیس را سرهنگ امینی رهبری میکرد و تیمسار رزمی به اطاق خودش رفته بود»

شاهد بعدی دادگاه، علی محمدی گفت:

«نزدیک کافه لادن ایستاده بودم، دیدم یکباره برق سینما قطع شد و صدای جرقه آمد و برق خیابانها قطع شد ... سرهنگ امینی آمد و بعد 10 تا 15 مامور آمدند و جلوی درسینما را گرفتند و گفتند که چهار خرابکار رفتند بالا و میخواهند خرابکاری کنند. پس از آن گفتم: بگذارید باماشین خودم بزنم درسینما را بشکنم، اما نگذاشتند، بعد چهار طرف سینما را ماموران بستند»

متهم ردیف هشتم، بنام سرهنگ سیاوش امینی آل آقا نیز در جایگاه متهمین حاضر شد و ازجمله گفت: «دوازده سال قبل به مدت 6 ماه به همراه گروهی دیگر از افسران در اسرائیل دوره دیده ام»

دادستان دادگاه در توضیح پرونده این متهم گفت: «وی در زمان ستوان دومی در ساواک دوره دیده و در سال 50 با کسب اجازه از شاه به منظور طی دوره به کشور «مروارید» اعزام شده و بعدا کشف رمز کردیم و فهمیدیم از «مروارید» کشور اسرائیل است. در سال 46 و 47 از شاه ترفیع گرفته و بخاطر جشن های 2500 ساله تشویق شده و به ساواک گزارش داده است که در آتش سوزی سینما رکس بمب منفجر کرده بودند ...»

شرکت گسترده ساواک در طراحی عملیات

دادستان دادگاه سینما رکس آبادان در چهارمین روز محاکمه عاملان این جنایت به نوار و اسناد و مدارکی که از ساواک و شهربانی آبادان بدست آمده است اشاره کرد و گفت:

«این نوار در حدود 3 ساعت است و در آن مقالات سرهنگ امینی و سرگرد پیکرستان بوده و دقیقا گویاست که با کمک از یک خانم و عملیاتی که ساواک ترتیب میدهد، بوسیله همین خانم فعالیت میکنند. فعالیت ساواک و شهربانی در شناسایی این افراد حاکی از این بوده است که ساواک در جریان جزئیات این فاجعه بوده است و در آبادان عملیات گسترده و خاصی را بنام (عملیات سهیلا) داشته اند.

دادستان در این جلسه به ماهیت ساواک و رژیم ضد خلقی شاه و کارهای ضد مردمی عاملان این جنایت و حشیانه و ضد بشری اشاره کرد و در این باره مطالب مشروحی را بیان داشت.

دادگاه، تریبونی برای افشای جنایات رژیم شاه سابق

آقای نقیعی، دادستان ویژه پرونده فاجعه هولناک سینما رکس، در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان، که در شماره روز 9 شهریور این روزنامه چاپ شده است نکات جالب توجهی را بیان داشته است. وی درباره متهمین و فراریان این فاجعه گفته است:

«آنها که در مظان اتهام هستند از رئیس شهربانی وقت تا معاونین او گرفته و مامورین شهربانی را تشکیل میدهند، که البته یک سری متهمان رده بالا تا مسافانه مثلا سرتیپ رزمی قبل از پیروزی انقلاب فرار کرده، و بقیه هم بعد از انقلاب بوسیله کسانی که اینجا صاحب سمت در کمیته بوده اند، فراری داده شده اند و الان هم متواری و غایب هستند. البته دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد و حکم غیابی صادر خواهد شد. دولت باید به هروسيله ای که میتواند و تاحدی که امکان دارد، سعی کند این فراریان را استرداد نماید، چون اینها کسانی نیستند که در خارج از ایران ساکت بنشینند. افرادی

نظیرمهندس حائری شهردار وقت ومهندس عزیزی رئیس سازمان آب فراری هستند. واینها افرادی بودند که باگرفتن تضمین قرار وثیقه آزاد شدند وباجودی که ما اسامی آنها را درروزنامه اعلام کردیم، خودرا معرفی نکرده اند»

درارتباط با شرکت مستقیم رژیم شاه سابق دراین جنایات، دادستان گفته است:

« آنقدردلایل وقرائن دردست هست که این کارتوسط رژیم انجام گرفته که گمان میکنم با برگزاری دادگاه خودبخود این مسئله برای همه روشن خواهد شد. این یک کارسازماندهی شده ازپیش بوده است وجزرژیم هیچکس اینکاررا انجام نداده است . هرچند عامل اجرایی ویک عده ازعوامل اجراییش آدمهایی ساده واحیانا غیروابسته بودند. این دادگاه میتواند یک تریبونی باشد برای افشای یک صدهزارم ازجنایاتی که آن رژیم کرد. ولی خوب متاسفانه مادست بدامن هرکس شدیم ، سند ومدرکی بما نداد. مثلا سازمان اسناد ملی انقلاب اسلامی، باوجود نامه ایکه خود آقای قدوسی نوشت وباجود مراجعات روزانه، مابه هرجاکه فکرمیکردیم مطلب بدرد بخوری ممکن است باشد مراجعه کردیم، بجزشهربانی کل،هیچکس چیزبمانداند.

کلا مقامات مسئول ازدادن اسنادومدارک ایا دارند وخودداری میکنند. اسناد فراوانی وجودداردکه آدم وقتی که برخوردمیکند ازغفلتی که ارگان های اجرایی داشتند ازافشای جنایاتی که دررژیم سابق صورت گرفته تعجب میکند»

دادستان دریان مصاحبه درجواب این سوال که : « آیا افرادی که دستگیرشده اند واقعا مقصرند» گفت :

« اینهایی که دستگیرشده اند اکثرشان مقصردواگرکسان دیگری مادراین رابطه پیداکردیم، که مقصودخیل بودند، مردم همه موظفند که اینها را دستگیرکرده وتحویل دهند، بنابراین جهت ندارد که اگرکسی مقصربوده ، ماازتحویلش خودداری کنیم. البته وظیفه من وقتی اینجا آمدم فقط این بوده است که پرونده رابرای تحویل بدادگاه تنظیم کنم . ولی بهرحال تحقیقاتی را کرده ام»

(مردم شماره 322 یکشنبه 10 شهریورماه 1359)

[برای شناخت عاملین فاجعه سینما رکس رجوع کنید به مجله چشم انداز ،شماره 20، بهار1378 چاپ پاریس ، گزارش مفصل وجالب : « آبادان، 28 مرداد 1357، سینما رکس » از « شیدا نبوی»

دراین گزارش مصاحبه شیخ علی تهرانی با علیرضا میبیدی پرده ازاین جنایت وعاملین اصلی آن برمیدارد:]

« شیخ علی تهرانی، شانزده سال بعد، مرداد 1373، همه حرفهائی راکه آنزمان زده بودعوض میکند. اوشوهرخواهرسیدعلی خامنه ای است وسالها بود به دنبال اختلاف با خمینی به عراق پناهنده شده بود، درآغازانقلاب حاکم شرع مشهد بود چندماه قبل ازاینکه به ایران برگردد، درمصاحبه با رادیو صدای امریکا می گوید:

من به اصرار خمینی به آبادان رفتم تا به پرونده سینما رکس رسیدگی کنم. من کلیه جزئیات پرونده را خواندم ودرجریان آن متوجه شدم که درزمان شاه ، مدرسین حوزه علمیه قم تصمیم گرفتند برای آنکه آبادان را هم به هیجان بیاورند(چون آبادان یکی ازشهرهایی بود که هیچ امکان رخنه انقلابی درآن متصور نبود) آنجا را هم به آتش بگشانند. درجریان مطالعه پرونده متوجه شدم که سینمایی که قرار بود به آتش کشیده شود، سینما رکس نبود ولی بعد برنامه عوض شد وسینما رکس به عنوان هدف انتخاب گردید . درآن هنگام چهارنفر از مدرسین حوزه علمیه قم طرح مشترکی را برای به آتش کشیدن سینما به امضاء رساندند. دقیقا نمی دانم چه کسانی ، ولی تصورمیکنم یکی ازآنها شیخ حسینعلی منتظری بود. اجرای این طرح به سه مامور واگذار شد که آنها به آبادان رفتند، سینما را به آتش کشیدند ودونفرازآنها درجریان حریق، زنده زنده درآتش سوختند امایکی توانست ازاین فاجعه جان سالم به دربرد وزنده بماند. اوبعدازاین اقدام دچار ناراحتی شدید وجدان شد، چون هیچکس فکرنمیکرد مقدار تلفات این آتش سوزی تااین حد باشد. من نزد خمینی رفتم وگفتم آقا! من چطور میتوانم حق را ناحق جلوه بدهم؟ وقتی که مشتی بیگناه را گرفته اند و میخواهند اعدام کنند وعاملان اصلی آتش سوزی همه مصدرازند؟ وقتی درراه مشهد ازرادیو اتومبیل شنیدم که تعدادی افراد بیگناه را به جرم این جنایت فجیع به ناحق اعدام کرده اند، خون گریستم ، والله گریه ام گرفت (مصاحبه باعلیرضا میبیدی برای رادیو صدای ایران، امریکا، چاپ شده درنیمروز، شماره 277(سال ششم ، جمعه 21 مرداد 1373)

روزنامه اطلاعات در29 مرداد 1357 گزارش میدهد:

(... از700 تماشاگرکوچک وبزرگ که درسالن سینما رکس آبادان سرگرم تماشای فیلم بودند درجریان آتش سوزی تنها 100 نفرتوانستند خودراازمهلکه نجات دهند وبه بیرون فرارکنند و600 نفردیگردرمیان جهنمی ازآتش سوختند..) [

باب ششم : اندریاب حقیقت و انسانیت !



شاه مخلوع مرد

طبق گزارش خبرگزاری ها و نیز دفتر ریاست جمهوری مصر، شاه خائن دیروز مرد

محمدرضا، فردی که در طول 37 سال حکومت جابرانه و خون آلود خود ده ها هزار نفر از مردم آزادی خواه و حق طلب ایران را به خاک و خون کشاند، هزاره‌نفر از جوانان این کشور را زیر شکنجه تکه تکه کرد، ثروت های مردم را غارت کرد و در اختیار اربابان امپریالیست خود قرارداد و اقتصاد این کشور را به نابودی و فرهنگ آن را به انحطاط کشانید، گروهی را به غارت مردم گماشت و 35 میلیون انسان را به ورطه فقر و گرسنگی ورنج فروبرد، دیروز رهسپار عدم شد.

محافل مطلع مصری اعتقاد دارند که شاه مخلوع بدست امریکا به قتل رسیده است

بی شک این توطئه جدید امپریالیست امریکا نیز با آگاهی و هشیاری مردم انقلابی ایران عقیم خواهد ماند. هدف مبارزات انقلابی مردم کشور ما نه مرگ شاه مخلوع که قطع تمام وابستگی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی کشور ما به امپریالیسم امریکا است. [دقت کردید، محافل مطلع مصری (!!!)]

(مردم، 294، دوشنبه 6 مرداد 1359)

شوخی نیست . . . !

تیرتوپ !

«... جسد شاه مخلوع را شش ملوان ازارابه توپ دار بداخل مسجد حمل کردند در حالیکه جسد را داخل مقبره می گذاشتند بعنوان احترام (!) بیست و یک تیرتوپ در قاهره شلیک شد. . . .» اطلاعات 8 مرداد

ظریفی میگفت : چقدر دلم میخواست تیرهای توپ را من بسوئی که خودم میخوام شلیک میکردم!!

(مردم شماره 299 دوشنبه 13 مرداد ماه 1359)

یکسال از کشتار مشهد، که در آن 500 نفر شهید و 2000 نفر مجروح شدند، گذشت

روزی که از خیابانهای مشهد خون جوشید

دهم دیماه، سالگرد یکی از خونین ترین جنایات شاه خائن است. سال پیش در چنین روزی گرازهای شاه مخلوع شهر قهرمان مشهد را درهم کوبیدند و به کشتاری دست زدند که حاصل آن تنها 500 شهید بود. چنین کشتاری بعد از جنایت 17 شهریور بیسابقه بود.

(مردم شماره 131، دوشنبه 10 دیماه 1358)

محاکمه شاه مخلوع به عنوان بزرگترین خائن، بزرگترین جانی، و بزرگترین دزدتاریخ باید تدارک شود.

... سیاستی را که این خائن درعرصه صنایع، کشاورزی، مالی و بازرگانی پیاده کرد، موجب گردید که مشتی سرمایه داروزمین داربزرگ وابسته، صاحب ثروتهای افسانه ای شوند و میلیونها مردم زحمتکش بخاک سیاه بنشینند. بی مسکن، بی بهداشت، بی غذای کافی، بازحمت شاق شبانه روزی، میلیونها انسان شریف بامرگ ناشی از فقر در جنگی نابرابر قرار گیرند و همچون برگ خزان، بویژه کودکان معصوم، درگورستان بزرگ ایران بریزند ... اوبزرگترین جانی تاریخ است. اودر سال 1325 بیش از 20 هزار نفر مردم بیگناه آذربایجان را قتل عام کرده، او درهمان حال در کردستان به کشتار بی امان پرداخته، اودر خرداد 1342 بیش از 15 هزار نفر از مردم مبارز ما را به شهادت رسانده، اوبدنبال کودتای 28 مرداد برای ایجاد رعب به خاطرایجاد زمینه امضا قرارداد با کنسرسیوم نفت، ده ها افسر میهن پرست را تیرباران کرده، او در مدت سلطنت استبدادی خود هزاران نفر از بهترین جوانان ما را در میدانهای اعدام، در کوچه و خیابان و بیابان و در سیاه چالها کشته، او هزاران نفر را زیر شکنجه بهیمی یا کشته و یا مثله و معلول کرده، اودر جریان انقلاب پیروزمند ما ده ها هزار نفر مرد و زن و کودک و سالخورده را در خون غلطانده است، اواز کشتار لذت میبرده است، به زنش «ثریا» که ازدیدن سیل خون حالت تهوع باو دست داده، گفته است که بگذار ادامه دهند تا از «ابهت ماکم نشود»، اواز شکنجه لذت میبرده است، بازنش «فرح» سه بعد از نصف شب از خواب برخاسته تا «منصوری» را که زیر شکنجه «ابراندامت کرده بود» تماشا کند. اوبدست خود آدم کشته است. تمام جنایات این جانی جرقه ای مبتلا به سادیسم، باید مستند در فصل جنایتکاری او دقیق و منظم گردآوری شود تا دنیا بداند او چه حیوان خونخواری بوده و امپریالیسم امریکا چه گرگ خون آشامی را بر ملت ایران مسلط کرده بوده است

(مردم شماره 93، پنج شنبه 24 آبان ماه 1358)

2 سال از قیام قهرمانانه مردم تبریز گذشت بمناسبت قیام مردم تبریز در 29 بهمن ماه 1356

ضدانقلاب هنوز در آذربایجان سرگرم توطئه است باید با ازمیان بردن زمینه های موجود که میراث رژیم شاه خائن است، فعالیت ضدانقلاب را خنثی کرد.

دو سال از قیام خونبار تبریز میگذرد. در روز 29 بهمن ماه سال 1356، مردم دلیر تبریز به دادخواهی خون شهیدان قم برخاستند.

در این روز از جانب چند تن از آزادیخواهان و علمای تبریز به خاطر چهل و ششمین کشتار قم، عزای عمومی اعلام شد؛ دهها هزار نفر از مردم ستم کشیده، که از جوار جنایتهای رژیم منحوس پهلوی به جان آمده بودند، به خیابانها ریختند و به تظاهراتی که آمیزه ای از سوگواری برای شهدای قم و اعتراض به شرایط اختناق و استبداد حاکم بر ایران بود دست زدند ... رژیم شاه مخلوع که تاب دیدن هیچگونه تظاهراتی را نداشت، پلیس را به میدان فرستاد و تظاهرات آرام آنها را بخون کشید ... در این هنگام رژیم دست به دامان ارتش شد، سربازهای خود را به خیابانها فرستاد، تانکها را به حرکت انداخت، هلیکوپترها را پرواز درآورد، غرش فانتوم های خود را برخ کشید و از راه زمین و هوا بمردم بی سلاح دمنشانه حمله شد ...

جسد دهها شهید عزیز بردستهای خلق بود و عزمی که در سینه برای ادامه نبرد می جوشید. در این روز حماسه آفرین 400 نفر شهید و نزدیک به 10 هزار نفر مجروح میشوند ...

(مردم، شماره 170، دوشنبه 29 بهمن ماه 1358)

بخش هفتم: اندریاب هنرکرنش!

استغفار آیت الله خلخالی و نگرانی مردم

خبر مربوط به استغفار آیت الله خلخالی حاکم شرع بآنکه خوشبختانه مورد قبول قرار نگرفت و هرگونه نگرانی را از بابات این استغفار احتمال انعکاس آن روی ادامه کار دادگاههای انقلابی برطرف کرد، باتعجب و تاسف همه میهن پرستان روبرو شد.

اظهارات آقای یزدی وزیر امور خارجه درباره سمت آقای خلخالی در دادگاههای انقلابی و پاسخ و استغفار آقای خلخالی بدنبال آن، انگیزه این تاسف و تعجب بود. ما صرف نظر از هر سلیقه شخصی که درباره نحوه کار دادگاههای انقلابی وجود داشته باشد، اعلام میداریم که کار دادگاههای میبایست ادامه یابد و از انقلابیون مقتدری نظیر آیت الله خلخالی برای ادامه کار این دادگاهها میبایست استفاده شود. سخنان وی درباره خاندان پهلوی و همدستان شاه مخلوع و حکم اعدام این تبهکاران مورد تأیید خلق بپاخاسته ایران است و نباید موجب نگرانی برخی از مسئولان اجرائی سیاستهای دولت شود

آری، پشتیبانی می کنیم . . .

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پس از اینکه مدتی از « چپ » و راست نسبت « فرصت طلبی » به حزب ما داده شد و در عمل این اتهام، در برابر استواری حزب در موضعگیری اصولی ضد امپریالیسمی، رنگ باخت، و پس از اینکه بدنبال اتهام « فرصت طلبی »، طعنه « دنباله روی » به حزب ما زده شد و در عمل معلوم گردید که این طعنه نیز آلوده به غرض ضدیت با حزب است و در نتیجه در بین مردم بی اثر شد، اینک در این اواخر « دلسوزی » بحال حزب ما آغاز شده است !

افرادی که غالباً با حزب ما اساساً مخالفند، ناگهان برای حزب ما « دلسوز » شده اند . با چهره ای « متأثر » سر میجنبانند و میگویند : شما، نمیگویم، دنباله روی میکنید، ولی در پشتیبانی از امام « زیاده روی » میکنید ! برای رعایت انصاف باید افزود که این « دلسوزی » به برخی دوستان حزب نیرسرایت کرده است و بهمین دلیل لازم دانستیم سخنی چند در این باره بیان داریم یعنی روی سخن مابیشتر باین دوستان است تا بآن مخالفان، زیرا دوستان را بی غرضند و در اشتباه و مخالفان از موضع مخالفت هر روز شیوه ای بکار می بندند.

آری ، ما از امام پشتیبانی میکنیم، از مشی قاطع و آشتی ناپذیر امام در مبارزه برضد امپریالیسم عموماً و برضد امپریالیسم امریکا خصوصاً پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه لزوم مبارزه قاطع با بازمانده نفوذ امپریالیسم در ایران پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه ضرورت ریشه کن کردن ضد انقلاب پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه مخالفت با هر نوع اختناق، در زمینه ضرورت رعایت اصول انسانیت و عدالت و آزادیها پشتیبانی میکنیم .

مشی اصولی و سیاست بنیادی حزب در این زمینه های مهم، بویژه در زمینه مبارزه ضد امپریالیسمی، با نظریات قاطع و پیگیر امام انطباق دارد و بنابراین ما از امام که پشتیبانی میکنیم از سیاست خودمان دفاع کرده ایم، و وقتی راه خود را پیگیری کنیم، از امام پشتیبانی کرده ایم .

اگر منظور از « زیاده روی » اینست که مادر مطبوعات خود پیوسته بر لزوم آتش توپخانه سنگین انقلاب برضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، که دشمن اصلی و آشتی ناپذیر خلق ماست، تکیه میکنیم؛ ماین « زیاده روی » را ادامه خواهیم داد، زیرا ما وظیفه خود میدانیم که بقدر توان خود، قدرت رزمنده توده ها را برای ریشه کن ساختن نفوذ این دشمن اصلی در تمام عرصه های زندگی در ایران بسیج کنیم . اگر منظور از « زیاده روی »، اینست که ما برگشته های امام در زمینه مبارزه ضد امپریالیسمی، در زمینه دفاع از انقلاب ایران، در زمینه حمایت از زحمتکشان تکیه میکنیم، ماباین « زیاده روی » نیز ادامه خواهیم داد، زیرا امام رهبر انقلاب ایران است، سخنان ایشان در میان توده ها نافذ است و بنابراین تکرار و تکیه بر این سخنان، باز هم کمکی است بهمان بسیج توده ها برای مبارزه قاطع و پیگیر برضد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، برای مبارزه در راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب.

بعلاوه باید افزود که ما، بین مذهبی و غیر مذهبی مرز نمیکشیم و بنابراین طبعاً ما در همان جبهه ای قرار میگیریم که مذهبی ها و غیر مذهبی های انقلابی، ضد امپریالیسم، استقلال طلب، آزادیخواه و مترقی قرار دارند و طبعاً در برابر آن غیر مذهبی ها و غیر مذهبی های ضد انقلابی و مترجعی قرار میگیریم، که بگفته امام « بدتر از ساواکی اند »

پس ما همانطور که فرصت طلب نبوده ایم و دنباله روهم نبوده ایم، زیاده روی هم نمیکنیم. تنها کاری که میکنیم پافشاری در جهت اتحاد عمل برضد امپریالیسم، برای رهائی ایران از اسارت و ظلم، برای تامین آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم است.

این را دوستان حزب ما باید بدانند. مخالفان خود داند؛ آنها هر چه دل تنگشان می خواهد بگویند. ما به مشی اصولی خود، بی وقفه و بدون انحراف ادامه خواهیم داد

(مردم شماره 40، دو شنبه 25 تیرماه 1358)

نامزد های حزب توده ایران برای مجلس خبرگان

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق احسان طبری، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق انوشیروان ابراهیمی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از آذربایجان

رفیق حسین جودت؛ عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از آذربایجان

رفیق علی خاوری خراسانی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از خراسان

رفیق محمد علی عموی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق عباس حجری بجستانی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق رضا شلتوکی، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از کرمانشاه

رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازمازندران

رفیق آصف رزم دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق صابر محمدزاده؛ عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق مریم فرمان فرمانیان فیروز، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از تهران

رفیق علی لامعی، مسئول سازمان حزب توده ایران در شهرستان بهشهر ازمازندران

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از اصفهان

رفیق حسین آذر، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان، از اصفهان

رفیق علی اکبر مایل زاده، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، از خوزستان

(مردم شماره 47، چهارشنبه 10 مردادماه 1358)

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پيرو اطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما از نامزدهای غیرحزبی برای مجلس خبرگان، اینک به اطلاع میرساند که در کرمانشاه، اعضا و هواداران و دوستان حزب، علاوه بر رفیق رضا شلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به حجت الاسلام سید یونس موسوی رای خواهند داد.

حزب توده ایران، ضمناً اعلام میدارد که در هر نقطه ای که آیت الله صادق خلخالی نامزد باشند، به ایشان رای خواهد داد

کمیته مرکزی حزب توده ایران؛ 1358/5/9

(مردم شماره 47، چهارشنبه 10 مرداد ماه 1358)

توضیح

بنابه اطلاع رسیده، متأسفانه برخی مطالب مندرجه در مقاله ای که به مناسبت روز شهادت علی ابن ابی طالب در روزنامه مردم نگاشته شده بود، در برخی نقاط مورد تعبیراتی قرار گرفته که گویا قصد برخورد خاصی نسبت به شخصیت مذهبی خلیفه سوم در میان بوده است.

چنانچه بارها گفته ایم، روش حزب ما احترام به مذهب و معتقدات مذهبی است و قصد اهانت به هیچیک از ادیان و مذاهب را ندارد و از این کار کمترین سودی نمیبرد.

ما بنوبه خود از این جریان سخت متأسفیم و احترام صادقانه خود را به همه ادیان و مذاهب، بویژه به دین اسلام که دین مردم کشور ماست و از آن جمله به مذهب جعفری اثناعشری و مذاهب اربعه اهل تسنن یکباردیگر تصریح میکنیم

(مردم شماره 54، شنبه 27 مرداد 1358)

تلگرام گروهی از اعضای کانون نویسندگان ایران به امام خمینی

قم - دفتر امام

حضور عالی آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر آزموده و رهشناس انقلاب اسلامی ایران

در تائید سیاست استوار ضد امپریالیستی آن بزرگوار

درهم پیوستگی باموج بزرگ و تازه جنبش رهائی بخش ملی ایران، که با اشغال لانه فتنه انگیزی و جاسوسی سفارت امریکا از سوی جوانان عزیز و ارجمند دانشجوی ما می رود تابه اوج قله پیروزی برسد.

درهمگامی باقشرهای انبوه زحمتکش و محروم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرار عدل و برابری، و نیل به حد آبرومندی از رفاه درسایه کارشریف و بارور را دنبال طبیعی و ضروری انقلاب سیاسی میدانند.

و به امید آن که خلق قهرمان ایران بامجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تا استقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی و فرهنگی کشور را به نحو اکمل تحقق بخشد، و درسایه این چنین استقلال واقعی، حقوق و آزادیهای مدنی و اجتماعی را برای همه افراد مردم و شرکت عملی شان را در اداره امور ملی و محلی، بدور از هرگونه تبعیض تأمین کند.

ما امضاکنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران، که به فعالیت اخیر این کانون معترض بوده و هستیم، اعلام میداریم که صف مبارزه ما همان صف واحد انقلاب به رهبری امام است و از این پس نیز، همچنان که در گذشته، نیروی اندیشه و قلم و بیان هر یک از ما وقف خدمت به خلق و انقلاب خلقی و اسلامی ایران خواهد بود

باسلام و درود گرم انقلابی

محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسرائی - امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنکابنی - محمد تقی برومند

15 آبان 1358

* * *

طبق آخرین اطلاعی که «مردم» بدست آورد، نامه فوق طی یک روز (16 آبان) به امضای 14 نفر دیگر از اعضای کانون نویسندگان ایران نیز رسیده است، بشرح زیرین:

مهدی اسفندیار فرد - هانیبال الخاص - علی امینی نجفی - محمود برآبادی - جاهد جهانشاهی - محمد خلیلی - جلال سرفراز - اسدالله عمادی - محمد قاضی - کامبوزیا گویا - غلامحسین متین - ناصر مودن - جمال میرصادقی، هوشنگ ناظمی (نیک آئین) - رحیم نامور

(مردم شماره 87، پنجشنبه 17 آبان ماه 1358)

پشتیبانی اعضای کانون نویسندگان ایران از تلگرام 5 عضو سرشناس کانون

محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسرائی - امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنکابنی - محمد تقی برومند، به امام خمینی - افزوده میشود.

طبق اطلاع رسیده آقایان زیر نیز پشتیبانی خود را از تلگرام 5 عضو سرشناس کانون نویسندگان ایران به امام خمینی اعلام داشته اند.

امیرحسین آریان پور، ناصر ایرانی، اصغر الهی، محمدرضا اصلانی، محمدپور هرمان، ناصر پورقمی، جعفر جهانبخش، بهرام حبیبی، بهالدین خرمشاهی، بهرام داوری، رکن الدین خسروی، محمد زهری، منوچهر شیبانی، احسان طبری، نازی عطیمی، محمد رضا فشاها، کامران فانی، بهزاد فراهانی، جعفر کوش آبادی، پرویز مسمجدی، محمدعلی مهمید، کیومرث منشی زاده، نصرت الله نوحیان (نوح)، اسماعیل نوری علا

(مردم شماره 91، سه شنبه 22 آبان ماه 1358)

پشتیبانی نویسندگان متعهد از منشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی

تاکنون 41 نویسنده، شاعر، مترجم، محقق و روزنامه نگار عضو کانون نویسندگان ایران، در تلگرامی به امام خمینی، رهبر انقلاب، پشتیبانی خود را از منشی ضد امپریالیستی و خلقی امام اعلام داشته و از اشغال سفارت آمریکا حمایت کرده اند.

متن تلگرام باین شرح است

قم - دفتر امام - 15 آبان 1358

حضور عالی آیت الله العظمی، امام خمینی، رهبر آزموده و رهشناس انقلاب اسلامی ایران

در تائید سیاست استوار ضد امپریالیستی آن بزرگوار، درهم پیوستگی باموج بزرگ و تازه جنبش رهایی بخش ملی ایران که با اشغال لانه فتنه انگیزی و جاسوسی سفارت آمریکا از سوی جوانان عزیز و ارجمند دانشجوی ما، می رود تا به اوج قله پیروزی برسد.

درهمگامی باقشرهای انبوه زحمتکش و محروم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرار عدل و برابری، و نیل به حد آبرومندی از رفاه درسایه کارشریف و بارور را دنبال طبیعی و ضروری انقلاب سیاسی می دانند.

و به امید آن که خلق قهرمان ایران با مجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تا استقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی و فرهنگی کشور را به نحو اکمل تحقق بخشد، و در سایه این چنین استقلال واقعی، حقوق و آزادیهای مدنی و اجتماعی را برای همه افراد مردم و شرکت عملی شان را در اداره امور ملی و محلی، بدور از هرگونه تبعیض، تامین کند.

ما امضا کنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران اعلام میداریم که صف مبارزه ما همان صف واحد انقلاب به رهبری امام است و از این پس نیز، همچنان که در گذشته، نیروی اندیشه و قلم و بیان هر یک از ما، وقف خدمت به خلق و انقلاب خلقی و اسلامی ایران خواهد بود.

باسلام و درود گرم انقلابی

محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسرانی - امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنکابنی - محمد تقی برومند

نویسندگان زیرین هم پس از ارسال تلگرام به قم، متن آنرا امضا کرده اند

امیر حسین آریان پور - مهدی اسفندیار فرد - ناصر ایرانی - هانیال الخاص - علی امینی نجفی - اصغر الهی - محمود برآبادی - ناصر پور قمی - جاهد جهانشاهی - جعفر جهانبخش - بهرام حبیبی - محمد خلیلی - رکن الدین خسروی - بها الدین خرمشاهی - بهرام داوری - شیخ مصطفی رهنما - جلال سرفراز - احسان طبری - نازی عظیمی - اسدالله عمادی - بهزاد فراهانی - کامران فانی - محمد قاضی - جعفر کوش آبادی - کامبوزیا گویا - جمال میرصادقی - ناصر مودن - غلامحسین متین - محمد علی مهمید - پرویز مسجدی - کیومرث منشی زاده - هوشنگ ناظمی (نیک آئین) - نصرت الله نوحیان (نوح) - رحیم نامور - کاظم هزیرآزادی

(مردم شماره 93، پنج شنبه 24 آبان ماه 1358)

پشتیبانی نویسندگان متعهد از مثنی ضد امپریالیستی و خلقی امام گسترش می یابد

تاکنون 53 نویسنده، شاعر، مترجم، محقق و روزنامه نگار عضو کانون نویسندگان ایران، در تلگرامی به امام خمینی، رهبرانقلاب پشتیبانی خود را از مثنی ضد امپریالیستی و خلقی امام اعلام داشته و از اشغال سفارت امریکا حمایت کرده اند.

اسامی 40 نفر از این نویسندگان متعهد همراه با متن تلگرام، روز پنج شنبه در «مردم» به چاپ رسید. اینک نام 13 نفر دیگری که متن را تأیید کرده اند، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

محمد پورهرمزانی، منوچهر شیبانی، محمد زهری، محمدرضا اصلانی، محمدرضا فشاهی، حسن اصغری، جلال علوی نیا، حسن غلامعلی پور، کامبیز صدیقی، عبدالله عسگری، فرهاد عابدینی، مجید دانش آراسته، اسمعیل نوری علا

(مردم شماره 94، شنبه 26 آبان ماه 1358)

اگر محتاج اسلحه شدیم

«اگر محتاج اسلحه باشیم، از هر کجا که بدون قید و شرط بتوانیم بگیریم، خواهیم گرفت»

این گفته آقای بنی صدر، سرپرست وزارت خارجه است. گفته درستی است حاکی از موضعگیری درست در زمینه تسلیح ارتش، که در پاسخ به سوال خبرنگار «اطلاعات» بیان شده است.

... آیا ما میتوانیم بدون قید و شرط اسلحه از خارج دریافت کنیم؟ آری میتوانیم، باین دلیل میتوانیم که هستند کشورهای که هم درجه جهانی مبارزه برضد امپریالیسم قرار دارند و هم طرفدار استقلال کشورهای زیرنفوذ امپریالیسم و در نتیجه طرفدار انقلابهای رهایی بخش، از جمله انقلاب ایرانند

(مردم شماره 96، دوشنبه 28 آبان ماه 1358)

سخنرانی رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمین چمن دانشگاه پلی تکنیک

... از خوشبختیهای این انقلاب آنست که رهبری آن در دست مردی است مانند امام خمینی، که جاذبه سیاسی را با نقوای روحانی همراه دارد و در اتخاذ تصمیم، قاطع و با کفایت است و با توجه به مشخصات عصر ما (یعنی عصار فول قدرت امپریالیسم) ضربات خویش را جانانه و صائب وارد میسازد. هم اکنون نام خمینی به نوازشی مهرانگیز برای خلقها، بغرشی خشمگین برای قشرهای انگل و غارتگر نه تنها در مقیاس میهن ما، بلکه در مقیاس جهانی بدل شده است و میشود و روش بیخردانه و پرفیس و افاده امریکا؛ که چشمش برای دیدن واقعیت عصر ما نابیناست، بر حیثیت این نام می افزاید. بیهوده نیست که روزنامه دپلی اکسپرس که از شنیدن نام خمینی گوشش آزرده میشود، برای ژرنالهای باصطلاح لایق ایرانی، که بتوانند چرخ حوادث را به عقب بازگردانند، آه میکشد.

توده های عظیمی که بدنبال این رهبربحرکت درآمده اند، نه تنها ازسنان انقلابی غنی ایران بهره میگیرند، بلکه ازچهره های روشن مذهب اسلام وتشیع نیزالهام می پذیرند. درمیان این چهره ها، اینروزها بجاست از **حسین بن علی** نام ببریم که برراس قیام کربلا، تاآخرین نفروتا آخرین قطره خون خود علیه دشمنی قسی وکین توزانه سلسله پلید اموی ایستاد.

بدین مناسبت اجازه میخواهم چندکلمه درباره **حسین**، این شهید جاوید تاریخ تشیع، که یاد کرد سوگ او وقهرمانی اودرمبارزات حق طلبانه ما ایرانیان نقش مهمی داشت، سخن گویم، بویژه آنکه سنت یادکرد ازروز عاشورای حسینی وبزرگداشت **ابوعبدالله حسین بن علی امام سوم شیعیان**، ازطرف حزب ما ودر روزنامه «مردم» سنت دیرینه ایست. حزب ما و روزنامه ارگان ما درآن هنگام که عزای حسینی تنها برای گریه واقعی یا گریه نمائی بود، می نوشت که باید نمونه جانبازی **حسین** علیه یزید بن معاویه سرمشق هرمسلمان قرارگیرد. سرمشق نبرد بی امان علیه ظلم و سیطره غارتگران.

خوشبختانه درانقلاب اخیرایران، سنت **حسین** وعاشورای او نقش مثبت وسازنده انقلابی ایفا کرد و هم اکنون نیزاین سنت، این یادکرد، ازحالت یک سوگواری عبث بیرون آمده، وبگفته **امام خمینی**، دلها را درراه وروشی شهادت جویانه هماهنگ میکند.

مبارزه **حسین** بایزید، به تضاد عمیق دوجناح مردمی واشرافای قریش یعنی خاندان بنی هاشم و آل سفیان بازمیگردد. ابوسفیان خودپس ازآنکه ازلشکر مهاجران وانصاربه رهبری پیغمبر **اسلام** شکست خورد وسالوسانه به اسلام تن درداد، ولی کینه این جناح اشرافای قریش علیه جناح مردمی آن (که بنی هاشم باشند) کماکان باقی بود. این کینه تا پیغمبر اسلام میزیست ودرنتیجه حیثیت عظیم وچیرگی ناپذیرش، آتشی بوددرزیرخاکستر. وقتی پیغمبر درگذشت این تضاد شعله ورشد. پس ازقتل **علی**، معاویه بن ابی سفیان میدان را برای تصرف مجدد قدرت؛ خالی ازرقیب یافت.

درآن هنگام مسلمین به دوگروه یا نخله تقسیم شده بودند. نخله غربی بدنبال حاکم دمشق، یعنی معاویه افتادند. نخله شرقی که کوفه را مرکز خودفرا می نمودند وغالبا ازایرانیان واعراب شیفته خاندان رسالت بودند، باسیطره امویان ازدرمخالفت درآمدند. آنها دائما به **حسین بن علی** نامه میفرستادند که حاضرند بخاطر امامت وپیشوائی او جانبازی کنند.

معاویه درزندگی خود ازدشواری کارخبرداشت. پسرش یزید، مردی هرزه گرد وشراپخوار وزن باره و بی تدبیر بود. بدستور معاویه او می بایست به محض رسیدن به خلافت **حسین بن علی** و عبدالله بن زبیر را به بیعت وادارد واگر این دو ازبیعت تن زدند، آنها را بی درنگ گردن بزند تابعدهادچارمخمصه نشود.

ولی **حسین** توانست ازخطر بگریزد وبه مکه برود وسپس به اجابت دعوت مکرر کوفیان به عراق عرب روی آورد ولی سپاه اعزامی عبیدالله بن زیاد، فرماندار عراق (بدستوریزید) راه را بر **حسین** دردشت کربلا سد کرد واو و هفتاد ودو تن ازیاران وفادارش را به شهادت رساند وخاندانش را به اسارت به دمشق فرستاد. این شهادت سرشار ازحماسه ازسوئی وقساوتها وردالتهای مخالفان **حسین** ازسوئی دیگر، واقعه ای کم نظیر درتاریخ پدید آورده است.

شگفت نیست که مردی چون **حسین**، که به پارسائی ودلیری شهره وازراه **فاطمه بنت محمد**، نوه پیغمبر اسلام بود، درسال 63 هجرت نبوی چنین تنها و بی یاور بماند. پس ازدردگذشت پیغمبر اسلام، مشتی جاه طلبان دون صفت، که قدرت امویان را بامطامع خود سازگار می یافتند، گرد معاویه را گرفتند. سخن ابوهزیره، که زمانی ازصحابه رسول بود، درحق این طایفه صادق است. او میگفت: «الصلوه خلف علی اتم وطعام معاویه ادسم التل یوم الحرب اسلم» یعنی نمازتمام وکمال همان نمازی است که شما پشت سرعلی می خوانید و پلوی چرب وچیل را تنها برسرسفره معاویه میتوان خورد و اگر سالمترین جارا درروز جنگ خواهانید، به پشت تپه ها پناه ببرید! الحق که شعار کامل همه فرصت طلبان واعضا «حزب باد» است، که درهمه اعصار وجود داشته اند و متاسفانه تاامروز هم وجود دارند. درمقابل این ارادل، **حسین** برآن بود که «ان الحیوه عقیده و جهاد». یعنی معنای زندگی درایمان داشتن و درراه این ایمان خود پیکارکردن است. وی درخطابه خود، روزعاشورا، دربرابر لشکر یزیدبن معاویه گفت: «میدان جنگ برای من بمثابه محراب نماز ودعا است و من باهمان هیجان وشوق بدان روی می آورم».

یزید بن معاویه، شکست فاحش نیاکان خودرا دربرابر «غزوه بدر» ازیاد نبرده بود و بهمین جهت وقتی دربارگاهش پرده ازسر بریده **حسین** برگرفتند؛ باشادمانی بانگ برآورد: «لیت اشیاخی به بدرشهدوا» یعنی «ایکاش نیاکان من درغزوه بدرشاهد این منظره می بودند» همین جمله نشان میدهد که چه کینه عمیقی دردل این طاغوت متفرعن اموی نسبت به شخصیت انقلابی **حسین** وجود داشت

(مردم شماره 104، چهارشنبه 7 آذر ماه 1358)

مادرهمه پرسی قانون اساسی میگوئیم: آری!

حزب توده ایران ازهمه اعضا وهواداران خود وهمه مردم ایران دعوت میکند که بخاطرتحکیم اتحاد همه نیروهای خلقی درنبرد علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا وبخاطر پشتیبانی ازرهبری ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی هرچه وسیعتردرفرا دوم قانون اساسی شرکت کنند و به این سند، رای مثبت دهند. . . **کمیته مرکزی حزب توده ایران**

(مردم شماره 105، شنبه 10 آذر ماه 1358)

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ازهمه زنان دعوت میکندکه متحداً به قانون اساسی نوین رای مثبت دهند

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ... بخوبی به نواقص قانون اساسی و بخصوص مواد مربوط به زن واقف است اما برآنیم که امروز مردم ایران، اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک ، باید در یک جبهه واحد همگام شوند

. . . امام خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران همیشه مقام زن را والاداشته و نقش زن ایرانی را درانقلاب بسیارارجمند شمرده و بارهاخطاب به زنان گفته اند: « درمسائل سیاسی خودتان، درمسائل اجتماعی خودتان، دخالت کنید ازهرچیزکه برخلاف مسیرملت باشد، انتقاد کنید»

(مردم شماره 106، یکشنبه 11 آذر 1358)

امام خمینی :

ما بنا براین داریم که امورهرجاراخوداهالی آنجا، خودآنهائی که درآنجا هستند ، انجام دهند
حاکم وولی امر نمیتواند به یک ناحیه بیشترازناحیه دیگر توجه کند. یک طرف کشوررازیادترازطرف دیگرکشورآبادکند

(مردم شماره 121، چهار شنبه 28 آذرماه 1358)

سلامت امام را آرزو مندیم

سلام به امام ، سلام به وحدت خلق است
اعتمادبه امام ، تکیه دادن به نیروی توده هاست
طپش قلب امام ، استمرار انقلاب است
دوام عمرامام ، دوام انقلاب است
راه امام ، ادامه انقلاب است
صدای امام ، فریاد خلق است : شیطان بزرگ امریکااست
سلامت امام ، آرزوی توده های میلیونی خلق است

ما، ازخلقیم

ما، با خلقیم

ما، با خلق :

سلامت امام را آرزومندیم

(مردم ، شماره 150، پنج شنبه 4 بهمن ماه 1358)

امام ازبیمارستان قلب، درلحظه ای حساس باقلب همه مردم سخن میگوید

پیام وحدت درراه خلق . پیام انسانی و انقلابی

امام خمینی ، مردیکه باروشن بینی ژرف، باسیاست صائب و باقاطعیت پولادین خود انقلاب مارا رهبری کرد، دریکی ازلحظات دشوار برای سلامت خودش ، درفکر مردم وفکرانقلاب است

کسی نیست که پیام تکان دهنده وعمیقاً انسانی وانقلابی اوراازبیمارستان قلب تهران شنیده باشد و باردیگربه عظمت روح و صلابت اندیشه رهبر انقلاب آفرین نگفته باشد.

رهبر، دربستربیماری است ، رهبری که توده های میلیونی به او وسلامت او می اندیشند ، ولی اوبا درک عمیق حساسیت لحظه ، درفکرمردم ودراندیشه انقلاب است و لازم می بیند که علیرغم منع پزشکی و به بهای سلامت خویش، آنچه را که درقلب دارد بهمه بگوید، بمردم بگوید، لحظه حساسی است، متصل ومتحد باشید، چه حالا وچه فردا، نزاع و نفاق نکنید، بهم اعانت کنید، نشان دهید که رشید هستید

(مردم ، شمار151 ، شنبه 6 بهمن ماه 1358)

صبح ازسپیده دم / وقتی که خانواده ام را ازخواب/ بیدارمیکنم/ درکسب نان و آب حلالی به وسیع خویش / من کارمیکنم
بادشمن بزرگ / درهرکجا که هستم وهرجبهه ای که هست / پیکارمیکنم
همراه باخلاق/ هم راه میروم/ هم رای میدهم/ جان را زعشق آینه کردار میکنم.

باکوچک وبزرگ / دارم نشست و آمد ورفت وبگومگو/ آری کلام حق را / درکوچه ها وبرزن و میدان شهر وده / تکرارمیکنم
/ وان روز اگر رسد / جان را براه حق ایثارمیکنم

اینگونه ، ای خجسته، ترا میدهم تن

(مردم ، شمار152 ، یک شنبه 7 بهمن ماه 1358)

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی

رهبرعالیقدرانقلاب، امام خمینی

خبربیماری وانتقال شما به بیمارستان برای همه اعضای حزب توده ایران وهواداران آن خبری سخت تکان دهنده وبسیار دردناک بود . نقش قاطع شما دررهبری انقلاب بزرگ مردم ایران وتداوم آن درجهت ضد امپریالیستی و خلقی، آن چنان سرنوشت ساز و عظیم است که هیچ انقلابی راستینی نمیتوانست جز بانهایت نگرانی چنان خبری را دریافت کند.

نخستین سخن شما درپیام تاریخی روز 4 بهمن ماه ازبیمارستان قلب که گفتید:

« حال خودم الحمدلله بدنیست » وسپس اطمینان هائی که حضرت حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی و پزشکان معالج داده اند، برای همه ما مایه بسی خرسندی است . همه ما ازصمیم قلب آرزومندیم که سلامت کامل خودرا هرچه زودتربازیابید و نقش برجسته خویش را دررهبری امورکشوروپیش برد انقلاب ما کماکان ایفا کنید وباهمان روشن بینی ژرف وسیاست صائب قاطعیت پولادینی که وجه مشخصه رهبری شماست، انقلاب ایران رادرجهت غلبه برانواع خطرات و مهلکه هائی که آنرا احاطه کرده، غلبه بردسایس رنگارنگ ضد انقلاب - امپریالیسم امریکا وعمالش - هدایت نمائید.

انقلاب ایران وکلیه مردم زحمتکش ایران به وجود شما، به رهبری قاطع وبی تزلزل شما، به خط امام خود، نیازحیاتی دارند . صادقانه امیدواریم که سالهای سال موهبت سلامت وفعالیّت پرتثمرشما ارزانی انقلاب ومردم ایران باشد

باتقدیم درود های صادقانه وآرزوی صمیمانه تندرستی . **کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیراول : نورالدین کیانوری**

(مردم شماره 153، دوشنبه 8 بهمن ماه 1358)

سالروز بازگشت امام به ایران گرامی باد

امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد

امام آمد. این جمله کوتاه خبری ، ثمردادن 2500 سال نبرد خلق های ایران، سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم وتدارک نبرد آینده با امپریالیسم خونخواررایک جا درخوددارد.

امام آمد. دراین دو واژه ساده ، تاریخ معاصرایران، آوای غریو خلق، فریادهای شهدا، متجلی است .

امام آمد. وآن روز، امسال یک ساله است. آنروز امام، بعداز17 سال تبعید، به ایران بازمیگشت. ماجرای 17 سال نبرد امام باشاه خائن ، خود بخش مهمی ازتاریخ معاصرایران است

(مردم ، شمار156 ، پنج شنبه 11 بهمن ماه 1358)

باوقارپرنده دورپروازی ... جلال سرفراز. 12 بهمن ماه 1357

می آیی/ سنگین می آیی / باوقارپرنده ای دورپروازدرگرداب آسمان / که باران سربش ازپای درنیندازد.

می آیی / تادروازه های بسته تاریخ را بگشائیم/ بامردمی که پیش ازاینست به گرمی ستوده اند/ درفوران خون شهید / که آزادی را ارج می نهاد.

شکوه پروازت را / برتوده نگران خاک وطنم می بینم/ وبرجمجمه پوک خنیاگران مرگ / که با اشاره چشمی ازپایشان درانداخته ایم.

درنگاهت

آینه ای میبینم، به وسعت آزادی

(مردم ، شمار156 ، پنج شنبه 11 بهمن ماه 1358)

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به محضرمحترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

رهبرعالیقدرانقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران نخستین سالگذشت انقلاب بزرگ و شکوهمند مردم ایران و آغاز قرن پانزدهم هجرت نبوی را به شخص آن حضرت که بحق رهبر گرانمایه این انقلاب شناخته شده اید، ازمیم قلب شادباش میگوید.

این انقلاب عظیم وتاریخ ساز، نظام فرتوت سلطنت مستبده را، که طی هزاران سال دراین سرزمین منشا آنهمه بیدادهاو فسادها بود، برانداخت وبرای نخستین بار، نظام مردمی جمهوری را درمیهن ما برپا ساخت .

این انقلاب نه تنها انقلابی علیه استبداد شوم سلطنتی بود، بلکه ازآن بالاتررایت طغیان مقدس علیه امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوارامریکا، را برافراشت وناچیزی وناتوانی این قدرت سلطه گررا برجهانیان آشکارکرد.

این انقلاب نه تنها به چنین قیام حماسه آمیزی دست زد، بلکه رهائی مستضعفین ایران وجهان رااز اسارت وستم مستکبرین وظیفه خودشمرد ویدینسان ازانقلاب مهم سیاسی ، به یک انقلاب بزرگ اجتماعی نیز بدل شد.

همه این برکات ونعمات انقلابی مدیون قاطعیت وجانبازی کم نظیر توده های میلیونی زحمتکشان وهمه میهن دوستان ایران و درایت وروشن بینی وسرسختی انقلابی شماست که تحسین واعجاب جهانیان را برانگیخت ونام شمارادرردیف بزرگترین نامهای تاریخ جای داد.

انقلاب درتداوم خود بوجودشما نیازدارد.بیماری شما همه مردم ایران وازآنجمله مارا سخت رنجه ونگران ساخت . ازمیم قلب آرزومندیم که انقلاب بتواند درزیر رهبری شخص شما، راه خویش را ادامه دهد وکشتی آن ، علی رغم توطئه دشمنان رنگارنگ ، به ساحل مراد بپیوندد.

دراین آرزو، برای شما تندرستی وعمرطولانی وکامیابی بردشمنان مستضعفان ایران وجهان را خواستاریم ومانند همیشه ازتلاش مقدس شما بسود مردم ایران واستقلال وآزادی وسعادتش، باصمیمیتی بی خلل، پشتیبانی خواهیم کرد ودراین راه برای اجرای همه وظایف ملی ومیهنی خویش آماده ایم . **کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیراول : نورالدین کیانوری**

(مردم ، شمار164 ، دو شنبه 22 بهمن ماه 1358)

تبریک جمعیت ایرانی هواداران صلح

به حضورعالی امام خمینی رهبربزرگ انقلاب اسلامی ایران

نخستین سالگرد انقلاب کبیرایران را که به رهبری قاطع آن حضرت وباجانبازی ونثارخون جوانان وطن به پیروزی رسید، به حضورامام بزرگوار ومردم انقلابی ایران تبریک میگوئیم.

به پیروی ازرهنمود امام که فرمودید، سلامت وصلح جهان جزبانابودی مستکبران حاصل نخواهدشد، ونیزبااعتقادبه این حقیقت که امروز مهمترین وظیفه هواداران صلح، دفاع ازانقلاب ومبارزه قاطع با امپریالیزم جنگ افروزامریکاست، باردیگر پیمان می بندیم که بادل وجان درخط امام کوشنده باشیم وبارامانتهی که بدوش گرفته ایم، به سرمنزل امن وسعادت جهانی برسائیم.

دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح

دوام عمروعزت امام را آرزومندیم

(مردم شماره 166 ، چهارشنبه 23 بهمن ماه 1358)

سلامت امام خمینی مایه خرسندی است

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، سلامت خود را براساس گزارش پزشکان، کاملاً بازیافته و تا آخر هفته جاری بیمارستان را ترک میکنند.

پزشکان اعلام کرده اند: « حال امام فوق العاده خوب است و تمام آزمایشات و نوارها حاکی از سلامت کامل امام است »

بازیابی سلامت امام خمینی، برای حزب توده ایران مایه نهایت خرسندی است. در این لحظات حساس که وجود امام مانند همیشه نقش بسیار مهمی در روند انقلاب ایران دارد، رفع بیماری ایشان برای توده ها و حزب توده ایران مزه بزرگی است.

مباردیگر دوام سلامتی امام خمینی را آرزو میکنیم و اطمینان داریم که توده های میلیونی زیر رهبری ایشان تاریخ را بر سر خود میگردانند.

حزب توده ایران در این نبردستارگ همراه خلق و رهبر انقلاب می رزمند و خواهد رزمید.

(مردم، شماره 171، سه شنبه 30 بهمن ماه 1358)

آیت الله خلخالی:

ماباکمال قدرت زمینها و اموال منقول و غیر منقول را از فتودالها گرفته و مصادره میکنیم

(مردم شماره 174، شنبه 4 اسفندماه 1358)

شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

در آستانه دومین بهار آزادی و بمناسبت عید نوروز، عید همه خلق ستمکش و امیدوارما، کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباش های گرم خود را به حضور شما تقدیم میدارد و تندرستی و شادکامی شما را آرزو میکند.

خیرو برکتی که رهبری شما برای انقلاب ما و کشور ما و همه مردم زحمتکش ما به همراه دارد، آنچنان قاطع و اثربخش است که تردید نداریم همه زجرکشیدگان و محرومان جامعه، همه نیروهای اصیل انقلابی و مترقی، و در میان آنها کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران، که چشم امید به ثمرات انقلاب بزرگ ما دوخته اند، در این آرزوی قلبی و صمیمانه همصدای ما هستند

ما راه درازی برای پیشبرد انقلاب و رسیدن به هدفهای ضدامپریالیستی و خلقی آن در پیش داریم و برای پیمودن این راه، بوحث کلمه و عمل همه نیروهایی که این انقلاب عظیم را به پیروزی رساندند، نیازحیاتی است. بشهادت تاریخ و انقلاب ما، رهبری شما نقش قاطع در نیل به این اهداف و در پیمودن این راه دارد.

آرزو داریم در سالی که میآید، انقلاب ایران در نبرد علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و بقایای رژیم مخلوع و در جهاد سازندگی برای بنای ایرانی مستقل، آزاد و آباد، برای سعادت توده مردم، زیر رهبری پیگیر و مدبرانه شما و به نیروی متحد همه مردم انقلابی ایران، به پیروزیهای بازم بیشتر و بزرگتری نائل آید.

ایران، دبیر اول: نورالدین کیانوری

(مردم شماره 195، سه شنبه 28 اسفند ماه 1358)

درود و افتخار بردانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بدنبال موضع قاطع و سازش ناپذیر امام در مبارزه با امپریالیسم جهانخوار و جنایتکار آمریکا، استقامت و پایداری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در باقی ماندن گروگانها در دستهای محنت کشیده مردمی که از امپریالیسم غدار تازیانه ها خورده اند، سهم اساسی داشته است.

(مردم شماره 207، پنج شنبه 21 فروردین ماه 1359)

تسلیم به امام خمینی و همه شیعیان جهان

طبق پیام امام خمینی شهادت آیت الله سید محمد باقر صدرو همشیره ایشان بوسیله رژیم جنایتکار بعثی عراق مسلم شده است

ما این ضایعه را به امام خمینی و همه شیعیان جهان صمیمانه تسلیت می گوئیم .

(مردم ، شماره 218 ، چهارشنبه 3 اردیبهشت ماه 1359)

پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

ما نهضت خودمان را مدیون زنان میدانیم « امام خمینی»

بیستم جمادی الثانی، روزتولد فاطمه(ع)، بانوی بزرگ اسلام ازطرف مقامات جمهوری اسلامی ایران بعنوان روز زن درایران برگزیده شده است.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران این روز را به همه بانوان ومادران ایرانی تهنیت میگوید. زنان ایران باشرکت فعالانه خود درهمه مراحل انقلاب نشان دادندکه درجامعه مادیر هیچ نیروئی نمیتواند مانع شرکت زنان درتعیین سرنوشت کشورشود.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، وظیفه سنگین و پرمسئولیت زنان ومادران را درحفظ و دفاع ازانقلاب ضد امپریالیستی، مردمی وشکوهمند کشور، درلحظه حساس کنونی یادآورمیشود.

دشمن درکمین است، اورابراندازیم

جامعه نودرجلوی ماست، آنرا باهم بسازیم

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران 1359/2/14

(مردم شماره 227، سه شنبه 16 اردیبهشت ماه 1359)

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالروز تولد امام خمینی

حضورحضرت آیت الله العظمی ، امام خمینی ، رهبر و بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران

شادباش سالروز تولد امام را با سپاس میلیونها مردم محروم خود قرین ساخته ایم، مردمی که بحق رهایی خودراازستم امپریالیسم امریکا، وحکومت پهلوی - سلاله جباران؛ خیانتکاران ومزدوران، ناشی ازدرایت امام ونقش قاطع رهبری او میدانند .

قاطعیت وپیگیری امام درمبارزه، تندباد خشم توده ها را برفراز میهن ما به گردش درآورد، گرگ خونخوارازترس عقب نشست و گزمه ها و شخنه های رژیم بیداد او، رمارم گریختند. به شادی این رهائی برای امام سالیان دراز حکومت برقلوب محرومان جامعه را آرزو میکنیم .

امام باتکیه برنیروی لایزال توده ها، طلسم بسته استیلای امپریالیسم متجاوز را شکست و ما به شکرانه این نعمت بزرگ، برای امام سالیان دراز دیگر عمر پربار آرزومندیم.

اگرپایداری واستقامت امام دربرابر خیانتکاران، سازشکاران وعناصر مردد، متزلزل، ترسو و دودل نبود، چه بسا که روند رهایی درنیمه راه متوقف می ماند . به شکرانه این رویداد نیک، آرزوی سلامت کامل امام دردلهایمان شعله میکشد.

آرزومندیم که امام خمینی ، رهبر باتدبیرانقلاب، سالیان دراز بمانند وباهربری قاطع خود انقلاب را، که دراین روزها درخطرجدی است، به پیش رانند.

همگی آرزومندیم . کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیراول - نورالدین کیانوری . 1359/2/16

(مردم ، شماره 228 ، چهارشنبه 17 اردیبهشت ماه 1359)

امام خمینی : . . . شما موظفید، هم وظیفه شرعی وهم وظیفه قانونی دارید که دستگاه رادیو تلویزیون را ازگروههایی که منحرف هستند ویا ارتباط با رژیم سابق داشتند ودرخدمت آنها بودند، تصفیه کنید واشخاصی که فاسد هستند که موجب فساد میشوند هم تصفیه کنید . . . مهمترازهمه قضیه اخباراست که باید کاملاً دقت شود که اشخاصی منحرف درآن راه نیابند. . . فیلمهایی که ازخارج به ایران می آید ، اکثراً استعماری است . لذا فیلمهای خارجی استعماری را حذف کنید، مگرسدردصد صحیح باشد . . . باردیگر تذکر میدهم که آنجارا ازوابستگان رژیم سابق تصفیه کنید، البته مصاحبه اشکالی ندارد، ولو اینکه یک کمونیست بیاید وحرفش را بزند وهمانجا ازشخص دیگری جواب بگیرد . این مانعی ندارد ازسخنان امام درباره رادیو تلویزیون

(مردم ، 236، شنبه 27 اردیبهشت ماه 1359)

مردم تهران دیروز درراه پیمائی وسیعی حمایت خودراازاقدامات قاطعانه حجت الاسلام خلخالی اعلام داشتند عصردیروز مردم تهران بمنظورحمایت ازاقدامات قاطعانه وانقلابی حجت الاسلام خلخالی علیه قاچاقچیان مواد

مخدر، سودگران مرگ ونیستی، راه پیمائی کردند .این راه پیمائی بدعوت جامعه اصناف تهران ازدانشگاه تاجلوی لانه جاسوسی امریکا برگزار شد . مردم تهران درطول مسیرباحمل پلاکاردهائی حمایت بیدریغ خودرا ازافدامات انقلابی حجت الاسلام خلخالی اعلام کردند ودرشعارهای خود، خواهان بسط وگسترش این قاطعیت انقلابی درتمام عرصه و دربرخورد بانواع مشکلاتی که درمقابل رشد وگسترش انقلاب ضد امپریالیستی وخلقى ما سد ایجاد کرده اند، شدند

(مردم ، شماره 247 ، شنبه 10 خرداد ماه 1359)

اتحاد مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی و پیروان راه سوسیالیسم علمی

ضرورت حیاتی وتاریخ و مطمئن ترین وثیقه برای تامین پیروزی قطعی ونهائی انقلاب ایران است

هفدهمین سالگرد قیام 15 خرداد را به امام خمینی، رهبرانقلاب، به مردم ایران وهمه نیروهای انقلابی صمیمانه تهنیت میگوئیم

(مردم ، شماره 251 ، چهار شنبه 14 خرداد ماه 1359)

فریاد پردرد امام خمینی

امام خمینی درگفتارتاریخی خود دربارهبر خانواده های شهدا ومعلولین انقلاب باردیگر باصراحت ، قاطعیت وصمیمیت خاص خود اعلام کرد که دستاوردهای انقلاب ایران را دردوران پس ازسرنگونی رژیم شاه کافی نمی داند و تاآن حد کافی نمیدانده لازم میشمارد، درمقام رهبری انقلاب ، دربارهبر مردم ایران عذرخواهی کند . . . امام مانند همیشه صادقانه سخن میگفت و سخنانش دردل دردمندان انقلاب ایران می نشست

(مردم ، شماره 271 ، سه شنبه 10 تیر ماه 1359)

اخبار مجلس :

دربایان مجلس ماده واحده ای رادرباره تغییر نام « مظهرعدل مظفر» به « مظهر عدل علی » تصویب کرد .

(مردم، شماره 293 ، یکشنبه 5 مرداد 1359)

بیماری حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

درجلسه دیروزمجلس علی اکبرپرویش اعلام کرد که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به علت بیماری وانجام یک عمل جراحی بستری است. ما امیدواریم رئیس مجلس شورای اسلامی هرچه زودتربهبود یابد ودرجلسات مجلس حاضرشود

(مردم شماره 397 چهار شنبه 26 آذر ماه 1359)

امام خمینی :

هرکس ازافراد ملت، اسلحه را کناربگذاردوبایددرملت واردبشود... آنها را می پذیرم

ساده اندیشی است که ماگمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هرطورکه میخواهندباشند، باید بیایند وماازشان استفاده کنیم .

امام خمینی ازجمله گفتند:... ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است وعلم میزان است . علمی الهی هم میزان نیست ، علم توحید هم میزان نیست ، علم فقه هم وفلسفه هم میزان نیست

(مردم شماره 415، شنبه 20 دیماه 1359)

پوسترحزب بمناسبت روزجهانی « زن »!!

هیچ جنبشی بدون دخالت زن توده‌ای نیست!



زن همکار انقلاب تا مرز شهادت

بخش هشتم : اندریای خیرچینی !

آیا راست است :

که رئیس شعبه بازار بانک ملی ازحامیان رژیم شاه مخلوع بوده وهنوزهم بنفع رژیم سرنگون شده سلطنت تبلیغ میکند؟
(مردم شماره 177، سه شنبه 7 اسفندماه 1358)

آیا راست است

که آقای اسحق فرهمندیور، معلم خصوصی بهمن، پسرغلامرضا پهلوی، خودرا ازطرف جامعه یهودیان نامزد نمایندگی مجلس شورایملی کرده وصلاحت او، علیرغم تذکرات مکرر یهودیان ایران، ازطرف وزارت کشور تأیید شده است ؟
(مردم شماره 189، سه شنبه 21 اسفندماه 1358)

توطئه کودتا درهم شکسته شد .

رفیق نورالدین کیانوری درجلسه پرسش وپاسخ درباره کودتای نوژه :

... کودتا شکست خورد اما وظیفه ما چیست ؟

... چشمها و گوش هایمان هفت برابرباشد وبدانیم فعالین ضد انقلاب را درهرگوشه ای تشخیص دهیم و باسرعت آنرا منتقل کنیم، اگر نمونه هائی پیدا بشود که این نمونه ها قابل توجه هست، آنرا منتقل بکنیم به مرکز وازاین جا ما بتوانیم باجمع کردن نمونه های مختلف اطلاعات مختلف، ازجاهای مختلف، بتوانیم فعالیت ضد انقلاب را خلاصه چشم بینائی نسبت به آن داشته باشیم و کمک بکنیم ازاین راه برای مبارزه علیه ضد انقلاب. این مسئله فوق العاده مهم است و وظیفه هرانقلابی درشرایط کنونی است . درهرجائی که هست چه درداخل حزب هست ، چه جای دیگر.

ما حتی ازهوداداران حزب، حتی نیروهای دیگری که هوادار حزب هم نیستند، ازضد امپریالیستها و انقلابی های دیگری هم که درجامعه ما همسند، فعالیت میکنند وباحزب ماهم روی خوشی ندارند یا انتقاد دارند، ازآنها هم خواهش میکنیم که بوسیله سازمانهای خودشان یا بوسیله سازمان ما، بوسیله نامه، هرچه که هست، هرگونه پدیده فعالی ضد انقلابی را می بینند، این پدیده را حتما بما اطلاع بدهند. حتی کافی است مثلا، چون یک وقت می بینید یکنفر یک اعلامیه گروه نقاب یا گروه آریا ، یا گروه بختیاررا دریک اداره پخش میکند. ممکن است ازاین آدم مابه یک سازمان مهم ضد انقلابی، پی ببریم . این را کوچک نگیریم رفقا. هرگونه دمی که ازضد انقلاب پیدا میکنید، این دم میتواند جنبش را به نتایج مثبت برساند . بایستی چشم و گوش انقلاب را هرچه که ممکن هست شنواترکرد، بیناترکردواین وظیفه یکایک افراد انقلابی درتمام طیف نیروهای انقلابی ایران هست ، نه فقط و وظیفه حزبی افراد حزب توده ایران و هواداران آن

(مردم ، شماره 280 ، شنبه 21 تیر ماه 1359)

شبکه ضد انقلاب را درمیان تاکسیرانان کشف کنید ودرهم کوید!

شبکه عوامل ضدانقلاب درمیان تاکسیرانان بسیارفعال است . اینان بواسطه تماس گسترده ای که بامردم دارند علیه انقلاب تبلیغ میکنند ، نارسائیهای انقلاب و خرابکاریهای ضد انقلاب را برجسته میکنند، آنرا به پای رهبری انقلاب می گذارند، برای رژیم پیشین و تو طئه گران جنایتکاری چون بختیارها، آه می کشند و رژیم منفورپهلوی را می ستایند

این مزدوران که بطورعمده عوامل ساواک جنایتکارهستند وسازمان یافته به درون این عرصه مهم رسوخ کرده اند، آخرین شایعات و تبلیغات ضد انقلاب را که بوسیله شبکه سیاسی ضد انقلاب ساخته وپرداخته میشود درمیان مردم منتشر میسازند . اینان همچنین نقش مهمی درخبررسانی، برقراری ارتباط میان عناصرمختلف ضد انقلاب ایفا میکنند و

برای حصول به این مقصود(شبکه ضد انقلاب را که خودرا زیرپوشش تاکسیران پنهان ساخته است مورد پیگرد وشناسائی قراردهند) ما (یعنی حزب توده) پیشنهاد میکنیم که مسئولین باتعین مرکزی برای بررسی این امر، مردم را فرا بخوانند که اطلاعات خویش را درمورد تاکسیرانان ضد انقلابی دراختیار این مرکزقراردهند، دراین زمینه مراجعه به تاکسیرانان زحمتکش و مومن به انقلاب، که شناخت بیشتری نسبت به عناصر مشکوک درمیان تاکسیرانان دارند، بازده این امررا فزونتر خواهد کرد وکشف این شبکه مخرب را تسهیل خواهد نمود

(مردم، 332 ، یک شنبه 23 شهریور 1359)



بخش نهم : اندریاب ادبیات توده ای !

رفیق کیانوری که آمد؛ انبوه جمعیت ازجاکنده شد. هزاران دست ، مشت شده، هزاران صدا هلهله، یک صدا، صداهاشد. صداهاشوروسرود بود. صداهادرود به رهبری حزب بود

(مردم شماره 71، یکشنبه 29 مهرماه 1358)

ازسپیده دمان تا آفتاب ژاله

به شهیدان راه انقلاب

مرابه سپیده دمان خواندی/ به سرزمین آفتاب

اماخود، درصبحی سربی فام/ درمرززمین وآسمان/ محوشدی

ای شهید! / این پایانی بود برای طلوع دگر باره ات / آنگه که خون تو بر طاق سربینه آسمان پاشیده شد / و اینک تو خود آسمان شده ای / و دمی دیگر آفتاب خواهی شد / و مرا به سپیده دمان فرا خواهی خواند

(مردم شماره 131، دوشنبه 10 دیماه 1358)

وطن فروشی که می گریخت شبنم

همه اورادیدند که می گریخت / و بالایوشش درباد تاب میخورد / بستوه آمده، بی لگام / باجمدانهای انباشه / ولی بامغرتھی / باباری از خیانت بردوش / همه اورا دیدند که میگریخت / همه اورادیدند.....

(مردم شماره 132، سه شنبه 11 دیماه 1358)

حزب احسان طبری . دی ماه 1358

بسی از تورو تافتند، بگذار! / ولی تو، چاووش، تو، کاروان سالار / از سیردر سنگلاخ نفرسودی / وز رزمیدن نیاسودی
سربازت بی توقع پوینده / در تیربار زجر وافترا / بشوق ستیغ آینده؛ / و چون کاستی را تیرگی / و راستی را چیرگی روزی است / شکیب بسیار / تا صبح پیروزی است .

تو آموختی از مغاک خود برون خزیدن / نام انسان را سزیدن / تا طارم نور بالا فراختن / چون زرد بوته رنج گداختن / از دل بستگی گسستن / به وارستگی پیوستن .

تو آموختی به کوی امید درآمدن / چون خورشید درخویش سرزدن / زیستن را نه موئیدن ، بل سرودن / وز خاره ستبرنگ روزن گشودن.

تو آموختی پیکار آرمانی را / شگرد شگرف ارانی را / چه پرتور هادر نهانت / چه جاده ها: عطر آمیز / و گلگشت شهیدانت / آتش افشان / شورانگیز ، / و ریشه جاویدانت / مژده گو از رستاخیز،

ای مادر، ای آموزگار / در بندهای جادو هشیارم کن ! / وز بهر سلوکی رنجبار / سزاوارم کن !

(مردم شماره 146، یکشنبه 30 دیماه 1358)

رهنمون فردا ها . به حزب

گل قاصد / جهان روشنایی را پیام آور / از افق آمد / از شقایق زار ایثار / از کوچه های بخون تپیده / از معراج آرزو / بادستی بر رهاورد، / برای دوست / با سینه ای پراز کین ، / برای خصم

با پرچم سرفراز رهایی / ابری باران زا / در خشکسال آرزوها / لب تشنگان را چشمه / نامردمان را دشنه / شعر ظفر و شوق سفر / پیامی از سرزمین به زردی / نشسته چهره ها / کلامی از عصیان شعله ها / با عشق زلال و خشم پایدار / امروز هم چون دیروز / ای حزب من! / رهنمون باش! / رهنمون فرداها. **ژاله**

(مردم شماره 155، چهارشنبه 10 بهمن ماه 1358)

توضیح

تاکنون در « مردم » اشعاری بنام « ژاله » و یا « ژاله ن » چاپ شده است. شایان ذکر است که این اشعار از ژاله بدیع (اصفهانی) نیست .

(مردم شماره 181، یکشنبه 12 اسفندماه 1358)

پیغام سیاوش کسرانی

آمد / توفنده گردبادی از راه / ستار بود / جوان تر / تازه نفس تر / آگاه

ایوان و بام خانه میلرزید / آرام ایستاد بدرگاه / سیمای مهربانش در جام شیشه ها / تصویر هر چه چهره دلخواه / دستی بروی سینه برآورد / بی کلام / با سینه اش شقایق خون بود / در سایه روشن اطاقم، / گویا

پچیداین صدا / باز آمدم، بگو! / تبریز منتظر بشما میدهد پیام!

شب بود و در گرفتگی ابردل سیاه / رخ مینمود ماه اسفند 56

(مردم شماره 170، دوشنبه 29 بهمن ماه 1358)

ازانتشارات حزب توده ایران

بزودی منتشرمیشود

* زندگی دوباره

* زمین بکر

ازآثار رفیق لئونید برژنف

کتاب **زمین کوچک** که به تازگی انتشاریافته است، نخستین اثر ازاین آثار سه گانه رفیق لئونید برژنف است .

(مردم شماره 171، سه شنبه 30 بهمن ماه 1358)

درگردهم آئی انتخاباتی بزرگ حزب توده ایران

... درقسمت بعدی برنامه ، رفیق **مریم فیروز** عضوکمیته مرکزی وکانیدای حزب توده ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی ازتهران سخن میگوید، هزاران دهان آواز معطرمهربانی و صداقت راندا میدهند:

درود برشیرزن حزب ما!

رفیق **مریم** از زنان، ازانقلاب، ازمشگلات وازمبارزه سخن میگوید، رفیق **مریم** درگوشه ای ازسخنان خودوصیت نامه هوشی مین را میخواند

« کوه ها برای همیشه ماندگار هستند

رودها برای همیشه روان هستند

خلق ما برای همیشه زنده و جاویدان است

آنگاه که ما بر مهاجمین امریکائی پیروز شویم

کشوری ده برابر زیباتر برپا میسازیم »

ورفیق **مریم** گفت « مردم ایران بر امریکای جهانخوار پیروز شده اند، ولی این پیروزی را باید حفظ کرد. اودر کمین است . مابا انتخاب نمایندگان شایسته می توانیم این وظیفه بزرگ را به انجام رسانیم . تنها با انتخاب نمایندگان دلسوز وفداکار میتوان کشوری صدها بار زیباتر ساخت »

سخنان **رفیق مریم همچنان** « بادرود برشیرزن حزب ما » بدرقه میشود

(مردم شماره 192، شنبه 25 اسفندماه 1358)

پیام به امریکا

چه می خواهی توای دژخیم دوران

از ایران سرزمین قهر و عصیان؟

ز پشتیابی ضحاک خونخوار

نداری شرم ؟ شرم ت باد از این کار

تو خوددانی که این جلاد تاریخ

گسسته حلقه ی زنجیرشاهی است

که با او بسته شد شهنامه ی ما.

ونامش مرده درتاریخ ما باد

دگران روزگاران برنگردد

که بنشیند کسی برتخت بیداد

کنون ایران پیروزسرافراز

زرنج قرن ها آزاد گشته است

دهان بچه های کوچه حتی

بجای خنده پرفریاد گشته است

که روزانفجارخشم وکین است

که ایرانی حماسی آفرین است

شرارسینه ها - آتشفشانهاست

نفس ها شعله ورازسوزجان هاست

که هشیاراست ویداراست ایران

ونبض قرن تیداراست ایران.

تجاوزگربود محکوم تاریخ

جزایش نفرت است و انتقام است

شکستت را چه زودازیاد بردی

که جاویدان بیاد ویتنام است

شود بی شبهه جنگ افروز مغبون

مکن بازی دگر باآتش و خون

ژاله (اصفهانی) آذر 1358

(مردم شماره 209، یکشنبه 24 فروردین ماه 1359)

جشن خلق

جشن خلق . جشن درکارخانه . جشن درمزرعه. جشن در خیابان. جشن برمزارشهیدان.

دستی ازکارگر، بر بازوی دهقان، بازوی دهقان برشانه ماهیگیر.

جشن خلق. جشن در جنوب تهران. جشن در کپرهای بوشهر . جشن در روستای سیستان.

دستی از نفتگر، برشانه بزرگر، بازوی برزگر برشانه سوزن بان.

جشن خلق. جشن درواحه سوزان یزد. جشن درشالیزار. جشن در باغ های نیشابور.

دست تهران، بر بازوی کرمان. بازوی کرمان برشانه انزلی. دست هادردست ، مشت بزرگ:

- ایران:

جشن خلق. جشن ایران . زیر باران شکوفه های گیلان.

مادری: پسر م تیر باران شد . . . / زنی : شویم در شکنجه گاه / کودکی: پدرم در خیابان و شلیک دژ خیمان. . .

صدای خلق :

– مرگ برامریکا. . .

سرود خلق :

گسست رابطه باشیطان، عشق می ورزیم . پای میکوبیم . شادمانیم .

غریو مردمان:

– برکنیم ریشه امریکا

کارگری : تاکارسرود رهائی بخواند درکارخانه، درمزرعه

زنی: درشالیزار

مادری : تاکپرهای بوشهر بمیرد

سوزن بان: تاقطارها شقایق بیاورند وعشق درایستگاههای تنهائی گل کند

ومردمان :

– تاآزاد شود ایران

ازیوغ سرمایه

و توده ای . . .

ازخلق درمیان خلق ، باخلق

پای می کوید، سرود میخواند :

– وطنم ! ایران :

تیرباران شدم تازنده بمانی

خلقم ! کارگر! برزگر!

ازمعبرخونین شکنجه گذشتم

تافتح کنیم باغ های فردا

دستم را بگیرایران من

همه باهم بخوانیم یکصدا

ایران ، یک دهان:

– مرگ برامریکا . . . [نام شاعرذکر نشده است]

(مردم شماره 209، یک شنبه 24 فروردین ماه 1359)

ای بی خبران ، مارا آئینی است !

ای بی خبران مارا آئینی است / آئینی درخدمت انسان وبهروزیش / تابناک مانند خورشید، گرما بخش مانند آتش/ با استغنا درویشان وایثارعاشقان/ باشورپیامبران و فهرمانان.

حقیقت را رها از شائبه سالوس می پرستیم/ عدالت رادردسته‌های پینه بسته می پرستیم/ زیبایی را در راستای زندگی می پرستیم/ عشق را دریوند جانها می پرستیم / رزم را بادیوان آدمیخوار/ وفارادرزم دشوار می پرستیم.

همه جانبازان راه حق در نزد ما مقدسند/ و همه یاران ستم و دروغ در نزد ما ملعون!

و این ایمان را چشمداشتی نیست/ نه به سکه زر و نه به غرفه رضوان/ نه به کرسی ریاست و نه به تاج پیروزی/ و این ایمانی است چون بنفشه های محجوب / که بخاطر خرسندی خلق / در پای تندیس تکامل نهاده میشود. ا. ط.

(مردم شماره 213، پنج شنبه 28 فروردین ماه 1359)

روزبه

خون به کاکل/ می خرامد/ در چمنزاران آتش/ مردمیدان/ مردافسانه/ سیاوش

برگ و بارش/ مهربانی / روزگارش / داستانی / از تبارش می گریزد/ مرد آتش / بی غل و غش

روزبه / روزش به ازبه / روبه میدانی پرازخوکان فربه/ می رود بامردمانش / « توده » های همزبانش / تافروآرد/ چوآرش/ سردو سنگین / نیزه برمرزمانش

بادهایش می رباید/ خاروخس/ خاشاک و خاکستر/ درسرش سودای انسان/ آتشش را شبگزار/ – وین چنین مغرور/ می شود رویین سرودش/ رایتی/ جان بخش و مرگ آور

روزبه/ روزش به ازبه/ بسترش رود مذاب خلق:

بردیوان دیوان/ تابیفروزش خشم اخگر/ فرود آیش / صیقل خورده جان خنجر جلال سرفراز

(مردم شماره 231، یکشنبه 21 اردیبهشت 1359)

بفرمان رهبر، به پیمان حزب سیاوش کسرانی، شهریور 59

سرود آمادگی

ندا میدهد انقلابت که باز/ چراغ نکه دار و آماده باش / به فرمان رهبر، به پیمان حزب/ به پیوند با خلق آزاده باش

سپاه ددان از کران تا کران/ زهرسو گرفته ترادرمیان/ براین حلقه ننگ و نامردمی/ نگینی ز خون شجاعت نشان

برآور زداد و زدانش علم/ فراهم کن از خلقها توده ای / که همراه وهمگام و همدستان/ بسازیم فردای آسوده ای

به پیوند این دست و بازوی کار/ بشوریم برفوج سرمایه دار/ نمایم و پیکارپایان دهیم / دگرگونه سازیمشان روزگار

ممانیم تک قطره های جدا/ در این شط تاریخ ، یکجا شویم/ برآریم از موجها ؛ موجها/ گران سنگ و جاوید دریا شویم

وقت است سیاوش کسرانی . 16 مرداد 59

ای توده ، نگارنده تاریخ شمائید/ وقت است که بازش بنویسیم بیانید/ دریای زجا کنده افراشته بالید/ بس موج بلند که شمائید، شمائید/ چون ماه بسی در تک شبها بنشستید/ امروز چوخورشید براین بام برآئید/ بیدار بمانید و فروزنده جاوید / آخرنه شما چشم و چراغ همه مائید!/ از راه گشایان ، کمرروقله گرفتید/ دشمن به کمین است در این تنگ ، بیائید

(مردم ، 303 ، شنبه 18 مردادماه 1359)

راه را باز کنید! سیاوش کسرانی 27 آذر 1359

باشما هستم من/ سود و سرمایه وسودا به طمع باختگان!/ باشما شعله به بازار در انداختگان/ مردم و مردمی از کالا نشناختگان!

به عبث راه مگیرید به خلق/ در گذرگاه چنین سیلی جاخوش مکنید!/ خوش گرفتید ازین پیش مراد دل خویش/ پس ازین بیهده اندیشه ناخوش مکنید!

کی بود عقل پذیر/ پیرهن برتن توفان کردن؟/ به کمندی کت امواج خروشان بستن؟/ گردبادی به قفس افکندن؟/ یاحریقی را درمشت به دام آوردن؟!/ ازشماپان، همه، می پرسم من. بروید!/ بانگ وفریاد به جای دگر آغازکنید!/ خلق ازین راه گذردارد، ای!/ باشما هستم من/ راه را بازکنید!

(مردم شماره 400، یک شنبه 30 آذر ماه 1359)

کاروان امید سایه

کجا بودی ای کاروان امید؟ که عمری دلم انتظارت کشید

ارمغان به حزب توده ایران

ای رهسپران بارگاه مهر/ ای پرده دران سحراهریمن/ درمقدمتان فشانده تریاد!/ کلخنده پرسپاس مردوزن/ کاندررھتان به شوق افشانند.

این راه دراز را نهایت نیست/ وین کوره همی شود فروزان تر/ این بلبل نکته دان خوش آواز!/ ای مژده سراي روزرخشان تر؟ / این خلق بتو امیدها دارد.

بنای ره نبرد را برمن/ بپذیر مرا به سلک یارانت/ دردل نبود مرا جزاین امید/ کز برتوره گشای ایمانت: / شایسته نام « توده ای » گردهم.

بدخواه ترا مجال افسون نیست/ امید ستمگران رود بر باد/ توشادشوی و خصم نافرجام/ باشوق زدل برآوردم فریاد/ چون می شنوم پیامت از « مردم » .

درهمهمه تلاش هستی ساز/ درخامشی بزرگ کوهستان/ درسینه هرجوان ایرانی/ پیچید به شکوه و شور بی پایان/ آوازه حزب توده ایران .

رئوف - رشت - آبان 59

(مردم شماره 422، یکشنبه 28 دیماه 1359)

قصیده دراز راه رنج تا رستاخیز سیاوش کسرائی ، آذرماه 1357

ازخانه بیرون زدم/ تنها/ که درخود نمی گنجیدم/ چنانکه جمعیت درخیابان و/ خیابان درشهر/ نه / دلکاسه ، حوصله ی دریا نداشت

جانوری بودم/ شاید ازدهائی/ که دهانم / درکاربلعیدن «شهید» بود و/ دمم/ «پل چوبی» را نوازش میکرد/ های های/ افسانه ازواقعیت جان میگرفت

هرگام/ ازهرگوشه ی شهر/ برراهی واحد میدوید/ پاهای، فرش تازه می بافت : / قالی تاریخ

نوپائی و نوزبانی/ کالی درکردار/ ورزش سبک برآمدن/ باهم آمدن/ امادرمجموع/ سماع جادویی اتحاد/ مزارع سیاهیوش آدمی/ باغچه مشت های سفید و/ سرود سرخ / شهادت برپرچم و / کینه/ درشعر میگرددید/ پیری درپیاده رو میگريست و / آینده/ دست دردست پدر/ یابرسینه مادر/ همراه میآمد

دیوارها/ دفتر وقایع و آرزو بود و/ آشننامه های خلق

بصف میرفتیم که صف شدن را/ بسالیان/ تومان آموخته بودی:/ هرسپیده دمان درصف تیرباران شدگان / به نیم شبان درصف

زندانیان/ به نیمروز درصف طویل ملاقات کنندگان/ بشامگاهان درصف خواربار/ وهرگاه و بیگاه درصف نفت/ واینک صف درصف / برابر تو بودیم ای مردمی شکن!

توده ی تیره ای بودیم/ خال کیودغم/ برگونه شهر/ ودربرابر دشمن سربی/ کوره ای گداخته ازخشم/ نه تبری برای کشتن/ اما گرمائی بکفایت برای ذوب کردن

گرچه بسوگی عظیم / برخاسته بودیم / ولی حضورهمگان/ شادی آورده بود/ شورآورده بود/ درکربلای حاضر/ حسین / نه مرثیه که حماسه میخواست

به کربلای تو آمدم / حسین ! / نه بدان گذرگاه که امتی اندک/ باتوماندند و/ ماندگارشدند/ باتو آمدم بیدان مهلک/ که معبرملتى است/ ونه بدین تو/ که بآئین تو/ ازسرصداقت / بشهادت

باتوآمدم / تا عاشورا را باعشاربرم/ بعشرات برم/ تااین گلگونه را / درشت کنم/ درشت ترکم/ وشنلى ازخون برآرم / شایسته اندام بمردم

درمن بنگر حسین !/ نفتگرم/ خدمتکارم/ آموزگارم/ طواف و باربرم/ قلمزن واندیشه گرم/ نهال نا زک اندوه نه / درخت خون/ ازریشه ی سهمگین حسرت.

درپیگیری رد خون ، حسین ! / به کسان رسیدم/ به بسیاران/ تا شبنم سرخ تو نیز/ برمن نشست و شگفتم/ واینک / راهی دراز بایدمان رفتن/ نه ازپل به میدان / ونه ازمیدنه بکوفه وکربلا / راهی ازرنج تا رستاخیر/ ازستمشاهی تابرداری .

تنها رفتم و/خلقى بخانه بازآمدم/ گندمى/ که درغلف لاغرخویش/ خرمنى باخویش آورد.

بخش دهم : اندریاب شوخی با تاریخ !

یاد هزاران شهید فرقه دمکرات آذربایجان گرامی باد!

21 آذر 1324 روزقیام خلق آذربایجان برای دفاع ازآزادی، استقلال وتمامین ارضی ایران، صفحه ای درخشان درتاریخ جنبش رهاى بخش ضدامپریالیستى ملت ایران

(مردم شماره 115، چهارشنبه 21 آذر ماه1358)

مردم شوروی خاطره دکترمحمد مصدق را گرامی میدارند

رادیو مسکو، دربخش فارسى خود، بمناسبت سالروزدرگذشت دکترمحمد مصدق گفتارى پخش کرد

(مردم شماره 187، یک شنبه 19اسفند ماه 1358)

پیام تبریک لئونید برژنف به امام خمینی

به مناسبت شصتمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان اتحاد شوروی وایران

(مردم ، 239، سه شنبه 30 اردیبهشت ماه 1359)

رفیق فرانٹس موری ، صدحزب کمونیست اطریش درمصاحبه با نامه مردم :

حزب کمونیست اطریش عمیقا ازانقلاب ایران دفاع میکند

[بدنیت بدانید که حزب کمونیست اطریش چیزی حدود 1% جمعیت 7 میلیونی اطریش عضو دارد!]

(مردم ، 329 ، چهار شنبه 19 شهریور 1359)

بخش یازدهم : اندریاب پایان خواب وخیال « بدرکبا»

درسی وهشتمین سالروزتاسیس حزب توده ایران و آغازانتشارمجدد « مردم » توسط مردم

دفتر « مردم » گلباران شد

دفتر « مردم » درحضوررفیق نورالدین کیانوری دبیراول کمیته مرکزی حزب توده ایران وعده ای ازاعضای هیئت سیاسی وکمیته مرکزی، توسط نماینده دادستان کل انقلاب گشوده شد

(مردم شماره58، شنبه 14 مهرماه 1358)

مناسبت بازشدن دفتر « مردم » برانرغزل مشهورمولوی

بازگشائی

ای توده کجائید؟ بیائید! بیائید!

برخانه خود دربه گل ونقل گشائید!

شد باردگرنوبت شادی من وتو

غم ازبرمارفت وستم دیرنپائید

یاران خطرکار، دگرباره رسیدند

وقت است کزاین غربت جانسوزدرآئید!

گرچند گهی صحبت «مردم» نشنیدید

امروزبه همخوانی او نغمه سرائید!

ازیاریخواهید یکی شمع شب افروز

برراهروان دل شب، راه نمائید! 9 مهر1358

(مردم شماره60، دوشنبه 16 مهرماه 1358)

سرود دریا سیاوش کسرائی

چرا نبالم/ چرا نتوفم/ چرا نتابم/ چرا بال موج برنکنم؟! / اینک که ازهرساحلم/ بآوازمیخوانند/ اینک که ازهرکرانه / بازوی هزاران جویبار و شط / عاشقانه/ درمن گره میخورد!؟

(مردم شماره121، چهار شنبه 28 آذرماه 1358)

اینست منطق ضدانقلاب!

بمب گذاری ضدانقلاب دردفترحزب توده ایران دراراک

(مردم شماره 124، یک شنبه 2دیماه 1358)

اطلاعیه دبیرخانه کمیته حزب توده ایران

علیه تجاوزبه دفتر « مردم » به شدت اعتراض میکنیم

ساعت 2 بعد از نیمه شب دوشنبه 10 دیماه، سه وسیله آتش زا بسوی دفتر «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران ومحل دبیرخانه حزب _ خیابان 16 آذرشماره 68 _ پرتاب شد. یک بطری دارای مواد محترقه بدیواراصابت کرد وزیانی ببارنیآورد. یکی دیگر روی بالکن مشتعل شد وسیمهای تلفن راسوزانید و سومی پنجره اطاقی راشکست وروی میزکارافتاد واسناد وکاغذهاویکدستگاه تلفن را طعمه حریق ساخت و به درودیواروسایروسایل زیانهائی وارد نمود

دراین واقعه ما دست جنایتکار ساواکی ها را می بینیم که امروزه به لباسهای مختلف درآمدہ اند وبانامهای گوناگونی علیه نیروهای پیگیرضدامپریالیستی عمل میکنند.بنابه سابقه موجود،همدستی وهمزبانی برخی ازگروهکهای مائوئیستی، که

آبروی نداشته خود را بر باد می بینند و از گسترش روزافزون نفوذ حزب توده ایران در میان زحمتکشان و پیروزی اندیشه های اسیل و راستین انقلابی سخت نگران شده و دچار خشم عاجز و دیوانه کننده ای گردیده اند، در چنین حوادث جنایتکارانه غیرمحمول یا عجیب نیست ... **دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران** 10 دیماه 1358

(مردم شماره 132، سه شنبه 11 دیماه 1358)

3 رفیق توده ای را به « جرم » فروش نامه « مردم » در اهواز 75 ضربه شلاق زدند

حزب توده ایران ضمن ستایش از اصولیت، بردباری، مقاومت و هشیاری سه رفیق توده ای بشدت به این حکم غیرقانونی اعتراض میکند.

(مردم، شماره 253، یکشنبه 18 خرداد ماه 1359)

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران :

بمناسبت حمله و اشغال دبیرخانه حزب توده ایران

دیروز، روز سی ام تیرماه، سالروز قیام متحد نیروهای خلق و به ویژه عمل متحد توده ایها و مبارزان مذهبی علیه توطئه امریکائی انگلیسی دربار طاغوت، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و مرکز سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران مورد حمله و وچاول قرار گرفت

افغانهای وابسته به گروههای امریکا ئی - افغانی و گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی حزب رنجبران در این توطئه شرکت فعال داشتند.

حمله و تخریب دفتر مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان

(مردم، شماره 290، چهارشنبه 1 مردادماه 1359)

محل دفتر نامه مردم فعلا در اشغال عناصر غیرمسئول است

(مردم شماره 303 شنبه 18 مرداد 1359)

کاخ بیداد را زبن کردیم

خانه حزب را کنیم آباد

کمک به خانه حزب:

ارسال ازتنگ دره 3000 ریال

یعقوب پور 10000 ریال

جمع آوری پول برای ساختن خانه حزب توده ایران

محل دفتر نامه « مردم » فعلا در اشغال عناصر غیرمسئول است

(مردم شماره 308، شنبه 25 مردادماه 1359)

حمله به دفاتر حزب توده ایران را متوقف کنید

...مقصود از این حمله، تخریب و غارت دفاتر سازمانهای حزب توده ایران - حزبی که با استواری و پیگیری در پشتیبانی صادقانه از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری **امام خمینی**، هرگونه تهمت و افترا، هجوم و تعرضی از راست و «چپ» را تحمل کرده است، چیست، انهم هنگامیکه دشمن اصلی ما، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا تدارک گسترده توطئه تجاوز جدی نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را دیده است ؟ آیا این حملات مداوم خود بخشی از همین تدارکات زمینه توطئه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران نیست ؟!...

دفتر نامه « مردم هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

(مردم شماره 323 یکشنبه 11 شهریورماه 1359)

حزب توده ایران « خانه تیمی » ندارد

اخبار و شایعاتی انتشار می یابد که دروضع حساس کنونی، پاسخگوئی به آنها را وظیفه ای ضروری می شمیریم.

محافل و منابع معینی، دانسته ویا ندانسته، میکوشند به حزب توده ایران برچسب هرج و مرج طلبی و توطئه گری بچسبانند، برای نمونه دومتطلب زیر، که متأسفانه هردوی آنها درروزنامه « جمهوری اسلامی » منتشرشده ، نقل میکنیم.

مطلب اول : « یک گزارش دیگر ازخبرگزاری پارس دربندریک حاکی است که بعدازظهرپریروز نیزدراین بندر میان هواداران مجاهدین خلق ، حزب توده و چریکهای فدائی خلق ازیکسو وجوانان مسلمان ازسوی دیگرزدوخورد شدیدی روی داد، دراین درگیری چندتن بوسیله سنگ وچماق و چاقو مجروح شدند ... » جمهوری اسلامی 10 شهریور 59

مطلب دوم، که زیر عنوان « کشف خانه تیمی حزب توده » منتشرشده ، چنین است :

« روابط عمومی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای اعلام داشت، بحکم دادستانی کل انقلاب اسلامی انتشارات بويا و انتشارات رزم واقع درخیابان انقلاب خیابان فخررازی ـ بن بست فرهاد پلاک 33 که ازپایگاههای حزب توده بوده و درلواک انتشارات ازاین محل بعنوان خانه تیمی نیز استفاده میشده، توقیف گردید » جمهوری اسلامی 11 شهریور 59

مطالب دیگری نیزباهمین روح درجای دیگر انتشار یافته است، که برای رعایت اختصارتنها به ذکردونمونه فوق اکتفا کردیم

اطمینان داریم که مسئولان متعهد امورمملکتی وتوده های وسیع مردم آگاه وهشیاروبیدارایران، که طی مدت 19 ماه پس ازانقلاب درعمل وتجربه روزمره خود باموضع روشن وسیاست حزب توده ایران آشنا گشته وحتی الفت وانسیت گرفته اند، شایعات واخباری اساس ازقبیل نمونه هایی که دربالا ذکرشده را بهیچوجه باورنمیکند وحتی به آن میخندند. ولی بهرحال لازم می آید مطالب زیر راباردیگر باصراحت تمام و قاطع اعلام نمائیم که : **حزب توده ایران درهیچ بلوا وغوغا وآشوبی شرکت نکرده، نمیکند ونخواهدکرد، وخبرشرکت درزدوخوردوخبر « کشف خانه تیمی حزب توده » مطلقا حقیقت نداردونمی تواند داشته باشد ...** حزب مادرهمه جا وحتی درمناطقى چون کردستان، که همه امکانات برای هرخرابکاری بدون مجازاتی آماده است، یگانه حزب ونیروئى است که درزیرشدیدترین مخاطرات وگلوله های ضد انقلاب، مردم را به همبستگی با جمهوری اسلامی ایران، افشا و طرد ضد انقلاب وپایان مقابله ومخاصمه باجمهوری اسلامی ایران فرا میخواند.....حزب توده ایران،همه اعضا وهواداران حزب ما، درهمه جا دوش بدوش نیروهای اصیل انقلابی، نهادهای انقلابی وهمه مسئولان متعهد جمهوری اسلامی ایران پاسدار قانون ونظم انقلابی، تفاهم واتحاد وهمبستگی انقلابی بوده وهستند . ماوظیفه مقدس تاریخی خودمان را میدانیم وهمگان باید اطمینان داشته باشند که حزب پرافتخارما، درهمه شرایط واوضاع واحوال، ازصراط المستقیم دفاع ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران، حتی یک طرفه العین منحرف نخواهد شد

(مردم شماره 324 یکشنبه 12 شهریورماه 1359)

تیترهای نامه « مردم » شماره 327:

کارزار دروغ وبهتان علیه حزب توده ایران را متوقف کنید

توسط اشخاص متفرقه ! دفترنشریه کارگری « اتحاد » اشغال شد .

دستگیری سه توده ای دربندردیلم بعلت کشف نشریات یک سازمان سیاسی دیگر!

رادیو، ازربان کیهان، علیه حزب توده ایران

نامه آقای محمود اعتمادزاده (به آذین » صاحب امتیاز ومدير روزنامه « اتحاد مردم ») به دادستان کل انقلاب، دراعتراض به اشغال دفتراین روزنامه توسط افراد غیرمسئول

دستگیری ده تن اعضا وهواداران حزب توده ایران دراراک

تشنج و درگیری در کسماء نیزسرایت کردودفترحزب توده ایران درشهرستان کسماء اشغال شد

نامه « مردم » روزدوشنبه 17 شهریور59، بمناسبت سالگرد جمعه خونین منتشرنمیشود

دفترنامه « مردم » هنوز دراختیار نامه « مردم » نیست

(مردم شماره 327 یکشنبه 16 شهریورماه 1359)

کارزار ضد توده ای: بسود امپریالیسم امریکا، برهبری امپریالیسم امریکا، ومقدمه اجرای توطئه امپریالیسم امریکا است .

هشدار مایه عناصر ناآگاهی که در این کارزار شرکت دارند، اینست که : در دام کارزار ضد توده ای نیفتید و ناخواسته به دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کمک نکنید!

...امیرانتظام که معتقد بود « حزب توده ایران به موجب قوانین موجود (قوانین شاهنشاهی) غیرقانونی است و تا این قوانین لغو نشده اند، بقوت خود باقیند»

همان کسی است که جاسوس سیا از کار درآمد و خشم میلیونی مردم ایران را بدلیل تلاش برای کشاندن انقلاب ایران به راه سازش با امپریالیست، علیه خود برانگیخت

نزیه که آرزوی جزایمال ساختن استقلال ایران و آزادی مردم ایران بسود اربابان جنایتکار امپریالیست خود ندارد، اعلام میکند که : « اولین هدف انقلابیون باید نابودی آخوندهای طرفدار خمینی و رهبران سرسپرده حزب توده باشد» !

بختیار، عنصر خود فروخته و سرسپرده ای که توسط مردم انقلابی ایران، از کشور بیرون رانده شد؛ میگوید: « بعد از اینکه بقدرت برسم (!) اولین خصم من حزب کمونیست توده است » و « اگر بقدرت برسم، تمام احزاب را آزاد خواهم گذاشت، مگر حزب توده که آنرا نابود خواهم کرد » و « حزب توده نماینده مسکواست » ایران تایمز 20 مرداد 59

(مردم شماره 336 پنج شنبه 27 شهریورماه 1359)

نگذارید چماقداران جمهوری اسلامی را بی اعتبار کنند

گروهی اشخاص بی مسئولیت، که عمل آنها برای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است، برخلاف تاکیدات امام خمینی، تصریح قانون اساسی و سخنان مقامات مسئول، همچنان به اشغال خانه حزب ماودفترنامه «مردم» در تهران و دفاتر و مراکز فروش نشریات حزب در شهرستانها ادامه میدهند

امام خمینی میگوید:

س: شما حزب کمونیست را غیرقانونی میدانید؟

امام خمینی: حکومت اسلامی ما متکی به آرای عمومی خواهد بود و همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند، آزاد خواهند بود. از مصاحبه امام خمینی با خبرنگار گاردین 10 آبان 1357

س: در جمهوری اسلامی آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟

امام خمینی: اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است . در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند. از مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلند « دی ولت کرانت » 16 آبان 1357

س: در مورد آزادیهای دموکراتیک، میخواهیم بدانیم آیا کمونیست ها و مارکسیست ها آزادی اظهار عقیده و بیان خودشان را دارند یا نه ؟

امام خمینی: دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی هست ... و هر کس میتواند اظهار عقیده خودش را بکند... و دولت اسلامی همه منطبق ها را با منطق جواب خواهد داد از مصاحبه امام خمینی با گروهی از خبرنگاران غربی، 18 آبان 1357

س : آیا در حکومت اسلامی، مارکسیستها آزادی عقیده، آزادی بیان عقیده دارند؟

امام خمینی: در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده ای هستند، ولیکن آزادی خرابکاری ندارند. از مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین المللی، کیهان 19 آبان 1357

امام خمینی : هنگامیکه حکومت اسلامی در ایران ایجاد شود، مارکسیستها آزاد خواهند بود خواسته های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور را نخواهند داشت پاسخ امام خمینی به خبرنگار روزنامه لبنانی اللوا، کیهان 26 دی 1357

س: آیا احزاب آزاد خواهند بود؟

امام خمینی : احزاب و همه مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف مصلحت مملکت و مردم باشد اولین مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ایرانی، کیهان 3 بهمن 1357

آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می باشد، ولیکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمیدهند از پیام امام خمینی چهارشنبه 9 اسفند 1357

پس چرا؟

امام خمینی زبان گویای توده های میلیونی، تاکید امام بر آزادی مارکسیستها؛ یاران انقلاب، در مصاحبه های متعدد، بیان خواست مردم انقلابی است

قول امام خمینی ، وثیقه انقلاب است، قوی که قانون اساسی هم بر آن صحه میگذارد و تائید میکند.....

ماباز هم می پرسیم : با وجود تاکیدات مکرر امام خمینی، تصریح قانون اساسی و سخنان مقامات مسئول چرا « اشخاص متفرقه » اجازه می یابند به اشغال ها و حمله های خود ادامه دهند ؟

ماباز هم میخواهیم : هرچه زودتر خانه حزب ما و دفتر نامه «مردم» در تهران و دفاتر و مراکز نشریات حزب را در شهرستانها به ما پس بدهید

(مردم شماره 336 پنج شنبه 27 شهریور ماه 1359)

دفاتر حزب توده ایران را باز پس دهید

تا امکان دفاع حزب ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گسترش یابد

قریب به 3 ماه از اشغال غیرقانونی دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر مرکزی نامه « مردم» در تهران و نیز دفاتر حزب و نامه « مردم» در شهرستانها میگذرد، ولی متأسفانه علیرغم مخالفت جدی و صریح مسئولین درجه اول جمهوری ایران باین اعمال غیرقانونی، هنوز « حق به حقدار» نرسیده است و هنوز دفاتر حزب توده ایران که هیچگونه ایراد قانونی به فعالیت آن وارد نیست، در اختیار حزب توده ایران قرار نگرفته است ...

حزب توده ایران علیرغم توطئه های ضد انقلاب و با تحمل دشواریهای فراوان توانست توطئه های امریکا و رژیم صدام حسین و دیگر دستیاران امپریالیسم امریکا را مرتباً افشا کند و اخبار آنرا در اختیار مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار دهد... شرط انصاف، صداقت انقلابی و تعهد نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایجاب میکند که هرچه سریعتر امکان حزب و نامه « مردم » در تهران و شهرستانها به حزب توده ایران باز پس داده شود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه از میهن انقلابی دفاع کنید

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحدشویم!

(مردم شماره 357 سه شنبه 22 مهر ماه 1359)

سه عضو حزب توده ایران در میاندوآب آزاد شدند

سه رفیق توده ای را در تهران آزاد کنید

سه هوادار حزب توده ایران دریم را آزاد کنید

دفتر نامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

(مردم شماره 412، سه شنبه 16 دیماه 1359)

3 هوادار حزب توده ایران دریم آزاد شدند

ما ضمن ابراز خوشحالی از آزادی این رفقا، خواستار اتخاذ تدابیری برای ممانعت از وقوع مجدد این حوادث، که به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام می شود، هستیم

دفتر نامه « مردم » هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست

(مردم، شماره 416، یکشنبه 21 دیماه 1359)

دفاتر حزب توده ایران را باز پس دهید

نزدیک به 6 ماه از اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر مرکزی نامه « مردم » توسط عناصر غیرمسئول می گذرد.

(مردم شماره 418، سه شنبه 23 دیماه 1359)

خانه حزب توده ایران را بازگردانید.

عناصر « مغرض » باید به مجازات قانونی برسند و افراد « نادان » باید هدایت شوند

(مردم شماره 332، یکشنبه 23 شهریور 1359)

تسلیت : ضایعه اسف انگیز درگذشت فرزند حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری نماینده محترم مجلس شورای اسلامی را به ایشان و خانواده محترم شبستری صمیمانه تسلیت میگویم

(صفحه اول مردم شماره 333، دوشنبه 24 شهریور 1359)

رفقای توده ای ما را در کردستان آزاد کنید

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا ، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چریک ها با پای لنگ به دنبال مارکسیسم

شناخت دشمن اصلی - امریکا - مهمترین ویژگی خط امام

(مردم شماره 335، چهارشنبه 26 شهریور 1359)

دفتر نامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

(مردم، 337، شنبه 29 شهریور ماه 1359)



بخش دوازدهم : آخر خط !

پس از دوهفته « مردم » باردیگراجازه انتشار یافت. قطب زاده در 17 آبان بازداشت شد. این بار گفته شد که حزب اسنادی درافشاء او ارائه داده است ... درحوزه حزبی رفیقی گفت: « جانی جان، زورمابه قطب زاده چربید، دیگر چیزی نماده ! یک کم دیگر جای پامان را سفت کنیم ، بعد یک کودتائی، چیزی ... بعدش هم شوروی را می گوئیم بیاید. مثل افغانستان...به به!

قطب زاده پس از سه روز آزاد شد (جزوه « **باگام های فاجعه** » ف. شیوا ، ازانتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، پائیز1368، آلمان غربی)

یکشنبه 17 بهمن ماه 1361 شمسی

درامداد دردل سیاهی شب که هنوز به صبح نییوسته بود، بطور همزمان به خانه های اعضای رهبری وکادرهای اصلی حزب یورش آوردند و عده بسیاری را دستگیرکردند. در ساعات صبح همه دفاترومحل کارشعبه ها ونواحی حزب نیز تسخیر و ضبط شد وکارکنان آنها دستگیرشدند (جزوه « **باگام های فاجعه** » ف. شیوا ، ازانتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، پائیز1368، آلمان غربی)

[درتابستان سال1367 هزاران تن اززندانیان سیاسی در زندان های ایران و منجمله «زندان اوین» بدون محاکمه وتنها به جرم وابستگی به سازمان های سیاسی چون مجاهدین ، فدائیان خلق (اقلیت واكثریت) ، سازمان های مائویستی، ومخالفت با رژیم اسلامی خلق آویز ویادرزیر رگبارمسلسل جان سپردند..**روانشان شاد باد**

درمیان این لشگرعظیم زنان ومردان بیگناه تعداد زیادی افراد توده ای نیز دیده میشد. این گروه که تعدادشان هم کم نبود برخلاف بقیه، سردعوا با رژیم اسلامی نداشتند و تالظه دستگیری بی چون وچرا ازجمهوری اسلامی ورهبران آیت الله العظمی خمینی (امام خمینی) تبعیت میکردند.

من براین گمانم که اکثرآنان تاآخرین ثانیه حیات ، حتی نمیدانستند که چرا وبرای چی فدا میشوند وجان میدهند

روانشان شاد باد.]

اسامی تعدادی ازاعضای حزب توده ایران که در زندان های جمهوری اسلامی خلق آویزیا تیرباران شدند:

کیومرث زرشناس

منوچهر بهزادی

سیامک بهزادی

مهرداد فرجاد

عبدالحسین آگاهی

ابوالحسن خطیب

اسماعیل ذوالقدر

حجری بجستانی

مهناز ارشدی

خسرواسدی

ابوتراب باقرزاده

محمدپورهرمزان

دکترجعفر جاوید فر

حسن جودت

جهانگیر جهان بخش

ابراهیم چاووشی

عباس حجری بجستانی

گاگیک (آوانسیان)

هدایت الله حاتمی

دکتر احمد دانش

اصغر محبوب

تیمور راوندی

آصف رزم دیده

ناصر شاهسوند

فرج الله میرانی (جوانشیر)

امیر هوشنگ ناظمی (نیک آئین)

رحمان هاتفی

وصدها تن دیگر

درویت سایت با « وب نوشت های مسعود برجیان » www.borjian.net/2006/09/blog-post.html **چنین آمده است:**

« پس از آنکه یکی از افسران اطلاعاتی روسیه بنام کوزیچکین به غرب پناهنده شده بود. اطلاعات ارائه شده توسط او درباره عملکرد سازمان جاسوسی شوروی و حزب توده ، توسط سازمان جاسوسی انگلیس به پاکستان داده شد و از این طریق به دست ایران رسید. با این وجود، پنج ماه (مهرماه تا بهمن 61) طول کشید تا برخورد عملیاتی با حزب توده آغاز شود. پس از این موج (که به ضربه اول مشهور شد) دومین عملیات گسترده در اردیبهشت 62 انجام گرفت و بسیاری از فعالان حزب توده را به دام انداخت (ضربه دوم). حزب در این فاصله، همچنان زیر نظر بود و فعالیت هایش رصد میشد. **درواقع فعالیت های حزب توده از زمان کشف اسناد سازمان مخفی حزب در خانه ی مهدی پرتوی(رئیس سازمان مخفی حزب) در سال 58 زیر نظر بود.** حزب توده به جز سازمان مخفی، سازمان نظامی خود را نیز حفظ کرده بود. این سازمان پس از انقلاب موفق به جذب ناخدا افصلی، فرمانده نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی شد که در آذرماه 1362 محاکمه و محکوم به اعدام شد. پیش از محاکمه ی او چند تن از سران حزب در اردیبهشت 62 در سیما ظاهر شده و به خطاهای خویش اعتراف کرده بودند: محمد علی عموی (عضو ارشد سازمان نظامی حزب)، محمود اعتمادزاده معروف به «به آذین» (از روشنفکران عضو حزب که چندی پیش درگذشت) و احسان طبری (نظریه پرداز ارشد حزب) از جمله ی این افراد بودند. سران حزب حتی در دادگاه علیه یکدیگر دست به افشاگری میزدند و همدیگر را وادار به اعتراف میکردند. ناخدا افصلی در پی افشاگری های مهدی پرتوی در دادگاه، ناچار مجبوره اعتراف شد.

در پی این دو عملیات گسترده؛ سران حزب محاکمه شدند. ناخدا افصلی اعدام شد. کیانوری دبیر اول حزب و نواده ی شیخ فضل الله نوری به زندان و پس از آن به حبس خانگی تا پایان عمر به همراه همسر خود مریم فیروزی داد.

احسان طبری نظریه پرداز ارشد حزب در طی سالیان بعد به اعترافات خویش ادامه داد و چندین کتاب در نقد مارکسیسم و حزب توده و دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی نوشت.

پرونده حزب توده نیز در اردیبهشت 1362 برای همیشه بسته شد «

* * *

[نورالدین کیانوری، محمد علی عموی، محمد مهدی پرتوی، حسن قائم پناه، مریم فیروزی پس از اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند، کیانوری تا سال 1370 در زندان اوین بازداشت بود، پس از آن تا سال 1375 در آپارتمانی به همراه همسرش تحت مراقبت ویژه قرار داشت و بعد از سال 1375 با آزادی کاملی بمنزلش در خیابان سنائی بازگشت.

« از مصاحبه محمد علی عموی با روزنامه عصر آزادگان و آفتاب امروز»

کیانوری در تاریخ 1378/8/14 در تهران فوت کرد و پرونده « آرسن لوپن » حزب توده موقتاً (!) بسته شد.

حمید صفری، حبیب فروغیان، ژيلا سياسي، در خارج از ايران بسرميبرند، شمس الدين بديع توانست بموقع تهران راترك كند ، بديع افسر نيروي هوايي بودو دروقايع آذربايجان وشكست فرقه دموكرات (1325) به شوروي پناه برد واوايل انقلاب با كارنامه كلاس چهارم دبستان (بجاي گذرنامه) وارد تهران شد وبه هنگام يورش به حزب توانست بموقع باكمك قاچاقچيان ازمرزبازرگان از ايران خارج شد، چندسالي درمسكو بسربرد وبعد به همسر – ژاله اصفهاني – ودو پسرش درلندن پيوست و درهفتم ژانويه 2006 درسن 85 سالگي درخانه سالمندان درگذشت؛ قابل ذكراست كه دكتر بديع و كيائوري هيچ زمان باهم ميانه خوبي نداشتند و بديع جدا ازبده كميته مركزي ودرزيپرچتر(مقامات شوروي) فعاليت ميكرد و درتهران هم بهمين نحوفعال بود، سياوش كسرائي ازراه افغانستان به مسكوفت، درمسكوطاقت نياورد وبه وين به همسرش پيوست ودرژانويه 1996 پس ازجراحي قلب دربيمارستان وين فوت كرد

براي اطلاعات بيشتر از هجوم رژيم به حزب توده ودستگيري رهبران حزب به جزوه « **باكام هاي فاجعه** » ازف . شيوا، ازانتشارات حزب دموكراتيك مردم ايران رجوع كنيد.

بايك اميرخسروي و فرهاد فرجاد دوتن ازاعضاي كميته مركزي حزب و عضو « باند كيائوري » تاآخيرين لحظه بر خط مشي فاجعه آور حزب صحه ميگذاشتند.

بايك امير خسروي قبل از دستگيري ها براي معالجه به خارج از كشور آمد، فرهاد فرجاد مسئول حزب در اصفهان وازشيفتگان خاص « پدركيا » توانست برخلاف برادرش مهرداد فرجادكه دستگيرو تيرانان شد، از ايران خارج شود ، اين دو بعد ها دراوپا ازتمه حزب انشعاب كردند و حزب «دموكراتيك مردم ايران» رابرياكردند.

نكاتي از جزوه « با گام هاي فاجعه »:

11 مرداد 59

كيائوري درحاشيه جلسه « پرسش و پاسخ » درپاسخ رفيقي كه درباره علل حمله به دفتر حزب مي پرسيد، ازجمله گفت:

... به دليل سالها تبليغات منفي دشمن، اينها حق دارند كه ازما وحشت داشته باشند وبه ما اعتماد نکنند، وقتي كه مي بينند ما مي توانيم شبكه مهمي مثل شبكه نوژه را بشناسيم وخبر بدهيم، از قدرت وامكانات مابه وحشت مي افتند وبه تحريك بعضي از دست اندركاران به فكر مي افتند كه ادامه فعاليت هاي مارامحدود كنند. درجريان افشاء همين كودتاي نوژه، ما مجبور شديم دوتا از مهره هاي مهم مان را، دونفر از رفقاى ارزنده را قرباني كنيم و لوبدهيم تا باور كنند كه ماراست مي گوييم . مدام فشار مي آورند و مي گفتند اطلاعات شما كجاست واز كجا مي دانيد. اين دورفيق را هم گرفتند ويكي راهنوز آزاد نكرده اند

بهمن 59

در جلسه حوزه حزبي رفيقي در بحث با رفيق ديگري كه از يك رهنمود ابراز نارضايتي ميكرد؛ گفت :

رفيق ! شما اصلا ميدانيد حزب يعني چي ؟ كارتزبي چگونه است ؟ مركزيت دموكراتيك به چه معني است ؟ اين ديگر برما مسلم است كه رهنمودي كه از بالا مي آيد، مقدس است. مثل فرمان نظامي است . لازم الاجراء است . بايد با جان ودل به دنبال اجراي آن رفت. ديگر ايراد گرفتن چه معني دارد؟ آن بالا، رفيق، رهبري حزب طراز نوين طبقه كارگر است . شوخي كه نيست ! مغز متفكر هدايت كننده حزب است. آنجا رفقا همه چيز را مي دانند وهمه چيز را مي بينند. خرد جمعي كه ميگويند يعني همين ! يعني همه اطلاعات آن بالا جمع ميشود، رفقا تصميم ميگيرند وبعد رهنمود لازم را صادر ميكنند. اگر زماني نكته اي بود كه براي ما روشن نبود، بايد حتم بدانيم كه اشكال از خود ماست وگرنه رفقاى رهبري بر تمام مسائل آگاهند. خودشان همه چيز را ميدانند . بايد فكر كنيم كه حتما علتى دارد كه رفقاى رهبري فلان تصميم را گرفته اند واين علت را ممكن است لازم نباشد كه ما بدانيم. اصلا خيلي وقت ها اين طور پيش مي آيد كه لازم نيست ما خيلي چيزها را بدانيم .

اسفند 59

سردبير مجله « جوانان امروز » را با همراهي يك عكاس از موسسه اطلاعات به منزل سياوش كسرائي بردم تا با كيائوري مصاحبه كند. درميان بحث سردبير گفت:

فكر ميكنم شما مسلمان شده ايد، يا شايد من دارم به عقايد شما نزديك ميشوم .

مهر 60

طبري گفت : من فكر ميكنم كه امپرياليسم دارد آخرين نفس هاي خود را مي كشد وبراي همين اينقدرهار و عصبى شده است . احساس من اين است كه درميانه همين دهه 80 يا حداكثر تا سال نود كم كم طليعه هاي جهان بدون امپرياليسم را خواهيم ديد .

آبان 60

حزب برای تامین امکان ادامه فعالیت علنی ، فهرست اسامی اعضاء رهبری (منتخب پلنوم 16 وآن عده که درجریان مبارزات انتخاباتی درنشریات حزبی معرفی شده بودند) ونشانی آنها را دراختیار دولت قرارداد.

آذر 61

یکی ازافراد نزدیک به یکی ازعالیترین مقامات دولتی خواستار ملاقات با طبری شد. طبری را به خانه ای بردم تابااودیدارکند. پس ازدیدار، درراه بازگشت طبری گفت :

این یکی ازمسلمانان علاقمند به سوسیالیسم وحزب ماست. طفلک نگران شده ومیگوید « ترا به خداکاری کنید که اقتضاح بعدازکودتای 28 مرداد پیش نیاید. همه جا نقشه قلع وقمع شمارا میکشند. اقلا بخشی ا

از رهبریتان را از زیر ضربه خارج کنید، شاخه های مهم تشکیلاتتان را کورکنید، منظم و حساب شده عقب نشینی کنید ، اقلا امکاناتی برای فعالیت های بعدی باقی بگذارید. امکان ندهید همه چیز را یک جا نابود کنند. نگذارید همه گیر بیافتندو اعدام شوند، یا درزندان پیوسندو یک نسل تباه شود». اما رفیق کیای ما مرتب اطمینان میدهد که هیچ خبری نیست واینها همه سروصدا است ودرآن بالا کسانی هستند که مانع حمله به ما هستند. اصولا حرف زدن درجلسات با حضور کیا کارسختی است . اومانع ایجاد فضائی میشود که کسی حرفی بزند ونظری بدهد. اوراقی بین حاضران پخش میکند که بخوانند ونیمی ازوقت جلسه به این شکل میگردد وبعد مطالبی کلی اضافه میکند، یا آنکه حتی این کارراهم نمیکند و میگوید تحلیل مسائل را درنوار« پرسش و پاسخ » شنیده اید ، یا خواهید شنید ! وجلسه تمام میشود. البته او اطلاعات وسیع تری دارد . خیلی چیزها میدانند که هیچ وقت نمی گوید وارتباط های فراوانی دارد، آدم هائی دارد که مازان بی خبریم . شاید هم حق بااوست ...اما این دوست مسلمانمان مرد نازنینی است . خواهش والتماس میکرد که « یک کاری بکنید که مثل بعداز28 مرداد نشود»

دی 61

طبری گفت : این مردک، لاجوردی، دیوانه است! رفقایمان عموئی و شلتوکی را خواسته بود که به دیدنش بروند. رفقا بررسی کردند وقرارشده که عموئی تنها برود ورفت به زندان اوین به دفتر کارلاجوردی. اما این مردک بعدازفدري چاق سلامتی، وسط خنده وشوخی ناگهان گفته است « هیچ میدانی که الان میتوانم تورا اینجا نگهدارم واصلا دستوراعدامت را بدهم؟» رفیقمان گفته « خوب، بله! می دانم که این کارها ازتو ساخته است!» لاجوردی گفته « ولی نترس ! الان این کاررا نمیکنم! میتوانی بروی ! « رفیقمان پرسیده « پس برای چه کاری احضارمان کردی؟» واو جواب داده « هیچ ! آخر ناسلامتی ما سالها هم زنجیر بودیم ! دلم برای توو آقارضا (شلتوکی) تنگ شده بود! خواستم ببینم که اگر احضارتان کنم ، با پای خودتان می آبیید یانه ! « ولی این را هم بدان که اگرلازم باشد اعدامت کنم ، می کنم وهمزنجیری وغیره هیچ اهمیتی برایم ندارد!»

عجب دیوانه ای است ! این حرف ها کاملا بوی دیوانگی میدهند!

پایان

پیوست

فحاشی استانداردی حزب توده به ایرج هاشمی زاده

نگاه هادی خرسندی

باتوده ای ستیزی خودرا رسوا میکنند

به اندازه قفل ها

کلید نزدماست !

ارکستر همیشگی ارتجاع و امپریالیسم، درماه های اخیر درهماهنگی کامل بابیکدیگر، سلسه تبلیغات جدیدی راعلیه حزب توده ایران آغازکرده اند. بخشی ازسازهای این ارکستردرسیمای جمهوری اسلامی به صدا درآمده اند وبخشی درتلویزیون ها وبه اصطلاح « مدیا» های وابسته به سلطنت طلب های وفیح و گاه خجول!

درسیمای جمهوری اسلامی، پس از سخنان رهبر درسفر گرمسار که در آن از نفوذ اندیشه های توده ای در میان دانشجویان نالیده و اشاره به اعتراف گیری هائی در کانال های 2، 3 و 4 به بهانه ها واسامی مختلف ترتیب یافت که هنوز نیز در برنامه های نقد کتاب ویا نقد تاریخ معاصر ادامه دارد.

اوج این برنامه ها؛ به سیما آوردن حسین شریعتمداری از روزنامه کیهان به بهانه سالگرد انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی در برنامه پربیننده فرزاد حسنی بود. در لابلای این برنامه، زمانی که حسین شریعتمداری بعنوان متخصص گفتگوهای زندان اوین از آشنائی هایش بازنده یادان طبری؛ گلاویز؛ پورهرمان و چند چهره دیگر رهبری حزب توده ایران در زندان سخن گفته و همه آنها را مجذوب استدلال های خود در اتاق اعتراف گیری؛ گرداننده برنامه که ظاهرا دلش نمی خواهد از اعتبار و شهرت برنامه اش کاسته شود به میان حرف او پریده و گفت « البته می دانید که افراد حزب توده هم باشاه مبارزه کردند و ما برایشان احترام قائلیم، ولی راهشان اشتباه بود. اساسا هم مردم ما گرایش به کمونیسم ندارند... »

در همین برنامه حسین شریعتمداری پیرامون مبارزاتش در شهرستان ییلاقی و خوش آب و هوای دماوند باشاه بالای منبر رفت و این که دو رئیس ساواک شهر که می خواستند با ایشان مبارزه کنند ورافتادند و مردند!

دماوند در سال هائی که شریعتمداری مدعی است در این شهرستان کوچک علیه شاه مبارزه می کرده، البته سابقه مبارزاتی دارد، اما این سابقه به نام دیگرانی ثبت است که اگر این برنامه تلویزیونی را دیده باشند به ته ریش شریعتمداری می خندند. دماوند مشهور است به خلع سلاح شدن ژاندارمری اش در روزهای 25 تا 28 مرداد توسط توده ای ها و سپس در دهه 40 و 50 نیز شماری از زندانیان جنبش چریکی از همین شهرستان برخاستند. در این شجره نامه، از حسین شریعتمداری سخنی در میان نیست، حتی در کنار آیت الله مجد که سال ها پیش نماز شهر بود.

اما در خارج از کشور؛ نیز درست همزمان با این تبلیغات درسیمای جمهوری اسلامی که هدف از آن جلوگیری از سرعت گرفتن گرایش جنبش دانشجویی؛ جوانان و گارگران برای آگاهی از تاریخ حزب توده ایران و گرایش به مشی توده ای بود و هست، «مدیا» ها ویا همان سیماها و صداهائی (رادیوها) که سرخ شان به لس آنجلس وصل است، سلسه حملات تبلیغاتی را علیه حزب توده ایران و تاریخ آن شروع کردند که همچنان ادامه دارد.

در این بخش خارج کشوری حملات تبلیغاتی؛ که روزنامه کیهان لندن نیز رساله های کتبی آن را منتشر کرد، تمام هدف آن بود و هست که جمهوری اسلامی کنونی را دست پخت حزب توده ایران معرفی کنند ویا انگشت گذاشتن بر مشکلات مردم، کل انقلاب 57 را نفی کرده و تاج سلطنت را یکبار دیگر بر سر خویش بگذارند.

این هدف اصلی تبلیغات ضد توده ای رادیوها؛ تلویزیون ها و دوشنبه کیهان و نیمروز در خارج از کشور است . گاه عباس میلانی علنی و بانام و مشخصات خود به این میدان می آید و گاه آقای چالنگی بانام ها واسامی مستعار یامنبری خوان هم همیشه؛ بعنوان مصاحبه کنند و تهیه کننده حضور دارد. از حسین مهری تامبیدی

چون آقای چالنگی در این فصل تازه توده ای ستیزی جای خالی بهروز صوراسرافیل را در کیهان و چند برنامه صدا و سیما لس آنجلس گرفته و صدا در صدای حسین شریعتمداری در تهران انداخته؛ کمی هم درباره ایشان سخن گفت کم فایده نیست .

سابقه و مشخصات امثال عباس میلانی که از سینه چاک دادن برای مائودر ابتدای دهه 1350 و به همراه خود به زندان بردن یک تیم کامل 12 نفره و سپس سردر آوردن از دانشگاه ملی زمان شاه رسیده است به ستایش عباس هویدا نخست وزیر 14 ساله شاه؛ نیاز به واکاوی ندارد. از انصاف هم نباید گذشت که ایشان خود نیز با صراحت می گوید که چکاره بوده و چکاره شده؛ لازم نیست ما چیزی از دانسته های گذشته خود به آن اضافه کنیم.

اما آقای جمشید چالنگی؛ که از هوول حلیم حمله امریکا به ایران و امید بازگشت آنچه به تاریخ پیوسته افتاده است داخل دیگ . قدیم ها؛ یعنی همان دورانی که امریکائی ها روی زمین ایران راه می رفتند و در شمال تهران خانه های ویلائی را اشغال کرده بودند، برخلاف اکنون که سیاسی نویس شده ؛ سینمائی نویس برخی مطبوعات دوران شاه؛ از جمله مجله فردوسی بود.

بعدها سراروزنامه آیندگان در آورد و کمک دست بهروز صوراسرافیل شد که با اقوام دست چندم دربار شاه تازه وصلت کرده بود. همای سعادت هردو روبه اوج بود که انقلاب شد. از ایران خارج شد و در مصر به دستبوس شاه رفت و شد مشاور مطبوعاتی شاه از ایران گریخته. وقتی در یکی از رادیو های فارسی آن زمان دستش را بند کردند وعده داد که دوماهه ورق را بر خواهد گرداند و شاه باز خواهد گشت! این وعده تحقق نیافت و سرانجام جمشید چالنگی سر از کیهان لندن در آورد. البته بانام های مستعار.

چالنگی و هم قلم دیگرش ایرج هاشمی [زاده]، صفحه خاطرات و تاریخ کیهان لندن را تبدیل کرده اند به نیمه پنهان کیهان تهران

فعلا این تربیونی است که برای توده ای ستیزی در اختیار دارد و روزنامه های « مردم » و « نامه مردم » ارگان مطبوعاتی حزب توده ایران در سال های پس از انقلاب را باهم ورق می زند و با وصله پینه کردن مطالبی که از آنها برگرفته، پس از جدا کردن آنها از زمان و مکان مطالب چهل تکه می نویسند و به تنور کیهان می زنند.

این مختصر بر هردو گروه توده ای ستیز داخل و خارج کشور لازم بود، تا همه آنها که نامشان برده شد، بقول شادروان نصرت رحمانی بدانند: به اندازه « قفل » هائی که به سقاخانه ضد توده ای می بندند « کلید » اینجاست !

«ضد انقلابیون کمیاب!»

- هادی خرستندی را می‌شناسید؟
- ایشان در انگلستان سردبیر یک نشریه ضد انقلابی هستند.

.....

- برای چه یاد او افتاده‌اید؟ مگر ضد انقلابی کم است؟
- البته کم نیست ولی ضد انقلابی که در کشور نباشد و نامش هنوز جزو کارمندان وزارت ارشاد ملی باشد، کم است.»

«نامه مردم» اگر به جای وزارت ارشاد ملی، وجود نام مرا در لیست سازمان امنیت خبر می‌داد، احتمال بیشتری داشت که کسی حرفشان را باور کند چرا که با شهرتی که توده‌ای‌ها در زمینه دست داشتن در ساواک (بعد ساواما و واواک) داشتند و شناسائی می‌کردند و لو می‌دادند و استخدام می‌کردند و اخراج می‌کردند و برای همدیگر حکم اضافه حقوق صادر می‌کردند، منطقی‌تر می‌نمود که در خانه‌تکنائی‌های اداری، به نام من هم برخورد باشند.

بدون شک نویسنده‌ی ستون «شوخی نیست» اگر مینوشت که آخرین چک حقوق خرستندی از ساواک و واواک را خودم امضا کردم (یا نکردم)، این دروغ وقیحانه‌شان بیشتر به باور عموم می‌آمد.

آن روزها پرسشی اگر بود که این اطلاعات دقیق را خودتان به دست آورده‌اید یا سازمان جاسوسی همسایه شمالی در اختیارتان گذاشته؟ لابد پاسخ از حکایت عبید می‌آوردند که چنان قاطی پاتی شده که «نه مال ما پیدا است نه مال همسایه»!

یکی گفت: آن روزها فقط حزب توده چنین نبود و دست به دمبک هر جریانی می‌زدی، صدا می‌داد. یکی جواب داد: اولاً دمبک خاصیتی غیر از این ندارد؛ ثانیاً حزب توده زخمه به سیمش نخورده «چهارمضرب» می‌زد و از پیشدرآمد شروع کرده بود و راست پنجگاه را گرفته بود رفته بود بالا. بعد هم مثل بعضی بیماران ایدز، سوزن آلوده در رهگذر ساحل می‌انداخت تا دیگران را هم به آلودگی خود مفتخر کند.



www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com



گفتند که حرف تو حساب است افسوس که ضد انقلاب است

سفر آدمی را پخته می‌کند یا پریشان یا هر سه؟

از سفر پاریس که وصل شدم به وین (راستی سپاسگزارم از محبت‌های همکار روزنامه‌نگارمان خانم عفت داداشپور) و از آنجا به سانفرانسیسکو و بعد به هلند، رشته‌ی «کیهان خواندن» از دستم در رفت. در شهر فلسینگن هلند، محسن آقائی که میزبان من و همراهانم بود اشاره به افشاگری حزب توده در باره‌ی من کرد اما توی کیهان‌هایش پیداش نکرد. (راستی محسن جان سپاس از شما و همسر گرامی). به لندن که برگشتم دست به دامن کمال آقا شدم که کیهان ۱۱۴۳ - ۱۴ فوریه را پریروز برایم آورد. (ممنون برادر). ببخشید که دیر شد!

پژوهشنامه «در مسیر انقلاب پا به پای روزنامه «نامه مردم» را «ایرج هاشمی‌زاده» با سلیقه و هوشمندی شایسته‌ای تنظیم کرده است. برای من جای خشنودی است که بیتی سی ساله از مرا بر پیشانی تحقیقات چند شماره‌ایش نشانده است: «گفتند که حرف تو حساب است - افسوس که ضد انقلاب است».

هاشمی‌زاده از ستون «شوخی نیست ...!» («نامه مردم» - ۹ تیرماه ۱۳۵۹) چنین آورده:

کیهان 6 لندن، شماره 1150، 11 آوریل 2007

